



مؤسسه آموزش عالی اطلاق و تربیت

بسم الله الرحمن الرحيم



اسلام پرورش های روان شناختی

اسلام پرورش های روان شناختی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مدیر مسئول: دکتر محمد جواد زارعان
دبیر اجرایی: امیر عرفانی نژاد

صاحب امتیاز: دکتر محمد جواد زارعان
سرمدبیر: دکتر محمدرضا احمدی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

پست الکترونیکی: pajoohesh.ueae@gmail.com

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: journals.ueae.ir

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳ کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

اعضای هیأت تحریریه

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
دانشگاه تهران

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی
دکتر هادی بهرامی احسان

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارعان
آیت الله سید محمد غروی راد

دانشگاه بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

دکتر علی فتحی آشتیانی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة السلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

حجة السلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۱۲۱۲۴ به تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹ درجه علمی دوفصلنامه از علمی - ترویجی به علمی - پژوهشی ارتقا یافت.

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع رسانی SID, Noormags, Magiran و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، پیشینه تحقیق، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها

(شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعداد از نقطه (.) استفاده شود.

نکته: تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به صورت جداگانه بارگذاری شود.

- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آنها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده و به آنها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و

نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال/دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمیمه (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و

چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و از طریق

سامانه مجله به نشانی <http://journals.ueae.ir> ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع

دفتر مجله به نویسنده مسؤل مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.

- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش دوفصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.

- مسؤلیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤل آن است.

- فرم تعهدنامه نیز تکمیل و در سامانه بارگذاری گردد.

فهرست مطالب

- ۷..... مدل مفهومی انگیزش-پیشرفت در منابع اسلامی
سید علی اشرف زاده / محمد صادق شجاعی
- ۲۷..... مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم بر اساس منابع اسلامی
قاسم مهدوی اصل / مهدی عباسی / علی صادقی سرشت
- ۴۹..... سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر با رویکرد نظریه زمینه‌ای: یک مطالعه کیفی
مجتبی فرهوش / محمد فرهوش / مجتبی حافظی / امیر اکبیا
- ۷۳..... جرم و اختلالات شخصیت: از منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی
مصطفی عرب پورا / علی بیات
- پیش‌بینی کارکرد خانواده بر اساس ادراک زوجین از حضور خدا در زندگی با
واسطه‌گری تاب‌آوری ۹۳
رادمرد، حسین / صفورائی پاریزی، محمد مهدی
- رابطه نگرش‌های ناکارآمد و عواطف مثبت و منفی با نگرش به روابط فرزندناشویی؛ با
توجه به نقش واسطه‌ای جهت‌گیری دینی در زوجین در آستانه طلاق ۱۱۵
محمد رضا احمدی / محمد حسین زمانی لازی

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (ص ۷-۲۵)

مدل مفهومی انگیزش-پیشرفت در منابع اسلامی

The Conceptual Model of the Achievement Motivation in the Islamic Sources

✉ سید علی اشرفزاده / دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه قرآن و روان شناسی، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

دکتر محمد صادق شجاعی / استادیار روان شناسی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Seyyed ali Ashrafzadeh / PHD student of Psychology, Quran and Psychology Department, ALMustafa International University, Qom, Iran. ir.s.a.a2410@gmail.com

Mohammad Sadeq Shujaie / Assistant Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

Abstract

This study aimed to obtain the components of the achievement motivation in the Islamic sources. The method of the study was 'the qualitative analysis of the content of the religious texts', which was applied to understand and deduce the psychological teachings derived from the Islamic sources (Shoja'i, 2020). For this purpose, in the first step of this study, the concepts and statements related to the achievement motivation in the Islamic sources were investigated and collected. In the second step, the collected concepts and statements were studied using the principles of text preprocessing such as synonymy, polysemy, and semantic fields. In the last step, five components of the achievement motivation were identified: 'desire to be front', 'utilitarianism', 'probability of success', 'strength of motivation', and 'the perceived moral support'. Then, in order to examine the content-related validity, their components and documentations through a survey form were offered to 13 religious and psychological experts, and

چکیده

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مدل مفهومی انگیزش-پیشرفت در منابع اسلامی، صورت گرفته است. روش به کار رفته در این پژوهش، «تحلیل کیفی محتوای متون دینی» بود که برای فهم و استنباط آموزه های روان شناختی از منابع اسلامی کاربرد دارد. بدین منظور ابتدا مفاهیم و گزاره های مرتبط با انگیزش-پیشرفت در منابع اسلامی بررسی و گردآوری شد. در مرحله بعد، مفاهیم و گزاره های گردآوری شده با استفاده از اصول پیش پردازش متن، مانند هم معنایی، چندمعنایی و حوزه معنایی مورد بررسی قرار گرفت به منظور بررسی روایی محتوایی، مؤلفه ها و مستندات مربوطه در اختیار ۱۳ نفر از کارشناسان قرار گرفت و نظر ایشان در مورد برداشت های انجام شده در یک مقیاس چهار درجه ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم مشخص شد و نظر کارشناسان نیز بررسی و یافته ها با ۰/۸۵ درصد تأیید

they were asked to comment, by using an four-point agree, disagree scale from 'I strongly agree' to 'I strongly disagree', on the derived conceptions from the obtained documentations and conceptual components for the achievement motivation. The comments of the experts were confirmed with accuracy more than 0.85%.

Keywords: motivation, the achievement motivation, content-related validity, Islamic sources, Islamic Psychology.

شد. طبق نتایج به دست آمده ۵ مؤلفه برای انگیزش-پیشرفت شناسایی شد که شامل «میل به پیشتازی»، «فایده‌نگری»، «احتمال موفقیت»، «نیرومندی انگیزه» و «حمایت معنوی ادراک شده» است.

کلیدواژه‌ها: انگیزش، انگیزش-پیشرفت، میل به پیشتازی، احتمال موفقیت، مدل مفهومی، منابع اسلامی.

مقدمه

انگیزش یکی از موضوعات مهم و اساسی در روان‌شناسی است. موضوع انگیزش، بررسی علل رفتار است. از این رو، انگیزش به عامل نیرودهنده، هدایت‌کننده و نگه‌دارنده رفتار تعریف شده است (ریو، ۲۰۱۸، ص ۷). از نظر قلمرو معنایی، انگیزش عوامل و فرایندهای گوناگونی از جمله نیازها، باورها، اهداف، کشاننده‌ها، محرک‌ها و روابط میان آنها را در برمی‌گیرد (هوی و میسکل، ۲، ۲۰۰۸).

یکی از محورهای مهم بحث انگیزش را، انگیزش-پیشرفت تشکیل می‌دهد (آلدرمن^۳، ۲۰۱۳). از نظر مک‌کلند و همکاران^۴ (۱۹۵۳)، انگیزش-پیشرفت، عبارت است از میل به انجام دادن خوب کارها در مقایسه با معیار برتری، با توجه به تفاوت افراد در شدت نیاز به پیشرفت، با فرض وجود یک نیاز مخالف که همان نیاز پرهیز از شکست است. طبق تعریف ویلدر^۵ (۱۹۸۹) انگیزش-پیشرفت عبارت است از میل، اشتیاق، تلاش و کوششی که افراد برای رسیدن به هدف یا تسلط بر امور، افراد یا اندیشه‌ها و نیز دستیابی به یک معیار متعالی، از خود نشان می‌دهند.

با توجه به اهمیت انگیزش-پیشرفت، برخی محققان سعی کرده‌اند زمینه‌ها و مؤلفه‌های انگیزش-پیشرفت را مورد مطالعه قرار دهند. تحقیقات مختلف نشان داده

1. Reeve, J.

2. Hoy, W.k. & Miskel, C.G.

3. Alderman, M. K.

4. McClelland, D. C, Atkinson. J. W., Clark, R. A., & Lowell, E. L.

5. Vilder.

است که انگیزش-پیشرفت به عنوان یکی از انگیزه‌های مهم اجتماعی و یکی از ویژگی‌های شخصیتی هر فرد است که چگونگی آن بین افراد، متفاوت است و براساس آن می‌توان رفتارهای خاص آنان را پیش‌بینی کرد (ویگفیلد^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). انگیزش-پیشرفت، گرایشی است برای ارزیابی همه‌جانبه عملکرد خود، با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است. با توجه به تفاوت میزان انگیزش-پیشرفت، افراد دارای نیاز به پیشرفت زیاد، عموماً با هیجان‌های گرایشی مثل امید، غرور و خشنودی پیش‌بینانه، پاسخ می‌دهند. و از سوی دیگر افراد دارای نیاز به پیشرفت کم، عمدتاً با هیجان‌های اجتنابی مثل اضطراب، حالت تدافعی و ترس از شکست، پاسخ می‌دهند. پاسخ‌های رفتاری افراد به معیارهای برتری با هم متفاوت است. وقتی که افراد با فرصت پرداختن به کاری مواجه می‌شوند که معیارهای برتری، نقش مهمی در تحقق آن دارد، در انتخاب، نهفتگی، تلاش، پایداری و میل به پذیرفتن مسئولیت شخصی، برای پیامدهای بعدی آن، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند (ظهیری، ۱۳۸۸، ص ۷۱). انگیزش-پیشرفت، میل یا اشتیاق فرد برای کسب موفقیت در موقعیت‌هایی است که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی فرد وابسته است. پژوهش‌های انجام شده در زمینه انگیزش-پیشرفت نشان داده‌اند که افراد از لحاظ این نیاز با هم تفاوت دارند. برخی از افراد دارای سطح بالایی از انگیزه هستند و در رقابت با دیگران می‌کوشند. و برخی دیگر انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از ترس شکست، آماده خطر کردن برای کسب موفقیت نیستند. افراد دارای سطح انگیزش-پیشرفت بالا برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا هستند. این افراد حتی پس از آن که شکست می‌خورند دست از تلاش بر نمی‌دارند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش ادامه می‌دهند (سیف، ۱۴۰۱).

انگیزش-پیشرفت به صورت ویژه‌ای اشاره به انگیزه مربوط به عملکرد در وظایف دارد که در آن معیارهایی برای قضاوت درباره موفقیت یا شکست وجود دارد. نمونه‌هایی از این نوع وظایف فعالیت‌های مدرسه، فعالیت‌های کاری و فعالیت‌های ورزشی رقابتی است که در تمامی این فعالیت‌ها، رقابت، بخش مهمی از این انگیزه برای دستیابی است. انگیزش در همه انواع خود بیشترین قابلیت مشاهده مستقیم در سطح انرژی و رفتارهای فرد را داراست و از منظر تاریخی، سائق‌ها، نیازها و تقویت‌ها به عنوان منابع اصلی انگیزش پیشنهاد شده است (واینر^۲ ۱۹۹۲). افرادی که نیاز به پیشرفت در آنها نیرومند است، می‌خواهند کامل و

1. 4 Wigfield, A.

2. Weiner, B.

شکوفای شوند و عملکرد خود را بهبود بخشند. آنان وظیفه شناسند و ترجیح می‌دهند کارهایی را انجام بدهند که چالش‌برانگیز باشد و به کاری دست بزنند که ارزیابی پیشرفت آنان به نحوی، خواه با مقایسه آن با پیشرفت سایر مردم یا بر حسب ملاک‌های دیگر، امکان‌پذیر باشد. به بیان دیگر، پیشرفت رفتاری، مبتنی بر وظیفه است که اجازه می‌دهد عملکرد فرد طبق ملاک‌های وضع شده درونی یا بیرونی، مورد ارزیابی قرار گیرد که در برگزیده فرد در مقایسه با دیگران است یا به نحو دیگری در برگزیده نوعی ملاک‌های عالی است. به همین جهت یکی از متغیرهای مهم برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی محسوب می‌شود (کورو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

انگیزش-پیشرفت در آموزه‌های دینی نیز مورد توجه بوده است و واژه‌ها و مفاهیم زیادی در منابع اسلامی وجود دارد که با انگیزش-پیشرفت در ارتباط است (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲). چنانچه برخورداری افراد از انگیزش-پیشرفت در سایه مفاهیم مرتبط، در آیات و روایات، ستوده شده است. به عنوان مثال: خداوند در قرآن یکی از ویژگی‌های مؤمنان را جِدِّ و جهد (که جهاد هم از همین واژه گرفته شده) بیان کرده است. «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...» (حج، ۷۸). امام علی علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ وَالْتَأَهُبِ وَالِاسْتِعْدَادِ» (حزّ عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۹۲)؛ بر شما باد به تلاش و سخت‌کوشی و مهیا شدن و آماده‌گشتن.

از نظر اسلام انسان ذاتاً کمال‌طلب بوده و به دنبال رفع و رهایی از نواقص خود است. چنانچه در بیانی نورانی از امام علی علیه السلام آمده است: «مِنْ كَمَالِ الْإِنْسَانِ وَوُفُورِ فَضْلِهِ، اسْتِشْعَارُهُ بِنَفْسِهِ التَّقْصَانَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۹۴۴۲). از این موضوع شاید بتوان استنباط کرد که میل به پیشرفت به صورت فطری در انسان وجود دارد. در واقع، انسان در درون فطرت خویش کششی را به سوی کامل شدن، بالندگی و شکوفا کردن توانایی‌های بالقوه خویش میابد (شجاعی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). بنابراین، مفهوم کمال و کمال‌جویی نیز با انگیزش-پیشرفت در ارتباط است.

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با انگیزش-پیشرفت در آموزه‌های دینی، واژه «کدح» است. چنانچه خداوند در قرآن کریم، همه انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، ۶)؛ ای انسان تو با تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت پیش می‌روی و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد. این آیه

1. Krou, M. R.

همه انسان‌ها را مخاطب ساخته و سرنوشت آنها را در مسیری که در پیش روی دارند، برای آنها روشن می‌کند. تعبیر «کدح» در این آیه، اشاره به تلاش و کوشش، همراه با سختی دارد. از سوی دیگر، مضمون این آیه اشاره به یک اصل اساسی در زندگی دارد و آن اینکه زندگی، همواره با رنج و سختی همراه است. حتی اگر هدف، رسیدن به متاع دنیا باشد. تا چه رسد به اینکه هدف، آخرت و نیل به سعادت جاودان و قرب پروردگار باشد. وقتی افراد، طبیعت زندگی دنیا را درک می‌کنند، بهتر می‌توانند انگیزش-پیشرفت را در خود تقویت کنند.

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط در منابع اسلامی، دوام و پایداری می‌باشد که در آیات و روایات با عنوان کلمه صبر و استقامت از آن تعبیر شده است. همان‌گونه که خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ» (هود، ۱۱۲)؛ برای کاری که مأمور شدی، پایدار باش! و نیز در خطاب دیگری که خداوند دو مفهوم صبر و تقوا را از جمله ارکان امور برمی‌شمارد. «وَ إِنْ تَصَبَّرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران، ۱۸۶)؛ اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، این از کارهای مهم و قابل اطمینان است همچنین در برخی روایات نیز ظاهراً، لزوم توجه به مفاهیم ایجاد و استمرار بخش انگیزش-پیشرفت، هر دو مورد توصیه قرار گرفته است. برای مثال امام علی ع می‌فرماید: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ وَ الْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ وَ الْوَرَعُ الْوَرَعُ، إِنَّ لَكُمْ نِهَائَةً فَانْتَهَوْا إِلَى نِهَائِتِكُمْ» (دشتی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۴)؛ به جد، عمل کنید و حتماً آن را به پایانش رسانید و در آن مسیر پایداری کنید، آنگاه سخت، شکیبایی ورزید و به راستی پارسا باشید همانا شما را پایانی است؛ پس، خود را به آن پایان (بهشت) رسانید. با وجود محتواهای غنی در آیات و روایات، مدل مفهومی انگیزش-پیشرفت بر اساس منابع اسلامی مورد بررسی قرار نگرفته است. در پژوهش‌های گذشته مطالعات نوعاً بر هیجان‌های مرتبط با پیامدهای موفقیت و شکست و فعالیت‌های مرتبط با پیشرفت متمرکز شده‌اند. پژوهش حاضر، با هدف دستیابی به مدل مفهومی انگیزش-پیشرفت در منابع اسلامی انجام شده است.

روش پژوهش

روش به‌کاررفته در این تحقیق تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹) است. جامعه متنی این پژوهش، قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه بود. نمونه‌گیری به صورت شبکه‌ای^۱ و واحدهای نمونه‌گیری، گزاره‌های ناظر به انگیزش-پیشرفت بودند. مستندات

1. Network sampling.

مربوط به انگیزش-پیشرفت در چند مرحله به صورت زیر گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مرحله اول: مشاهده نظام‌مند (شناسایی گزاره‌های مرتبط با اسناد در قرآن بر اساس دو استراتژی جستجوی واژگانی و متن‌خوانی باز) مرحله دوم: غرقه‌شدن در محتوا (بررسی معنای ظاهری، معناکاوی و تفسیر، ورود به لایه‌های پنهان متن، استدلال و نتیجه‌گیری). مرحله سوم: صورت‌بندی یافته‌ها (تشکیل حوزه‌های معنایی، کشف ساختارها و مضامین پایه، یکپارچه‌سازی). مرحله چهارم: بازآفرینی و ارائه (عملیاتی‌سازی و ایجاد ساخت‌های مفهومی هم‌گرا با ادبیات روان‌شناسی). مرحله پنجم: اعتبارسنجی یافته‌ها. در روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی از دو اصطلاح «متقن بودن» و «مفید بودن» [کاربردپذیری] به ترتیب برای اطمینان از تطابق یافته‌ها با محتوای متون دینی و کاربرد یافته‌ها در قلمرو روان‌شناسی استفاده می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۹). بر این اساس، یک پژوهش زمانی متقن است که اگر محقق دیگری با همان خط‌مشی و روش، کار را دنبال کند به نتیجه مشابهی برسد. بدین منظور، ضمن تهیه جدولی مشتمل بر توضیح فرایند استنباط سبک‌های اسناد در قرآن از ۱۳ کارشناس متخصص علوم اسلامی و روان‌شناسی خواسته شد: (۱) میزان مطابقت و ضرورت محتوای استنباطی را با مستندات و موضوعات در یک طیف لیکرت چهار درجه‌ای مشخص کنند، (۲) مفید بودن و کاربردپذیری یافته‌های این پژوهش را در روان‌شناسی تعیین کنند.

یافته‌های پژوهش

در ابتدا مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با انگیزش-پیشرفت در منابع اسلامی شناسایی شد. یکی از کلیدواژه‌های اصلی کلمه سبقت بود. از ۳۷ مرتبه‌ای که سبق و مشتقات آن در قرآن کریم به‌کاررفته، هشت مورد اسم فاعل «سابق» است که در تمامی این موارد معنای پیشی‌گرفتن وجود دارد. برای مثال؛ در دو آیه (بقره، ۱۴۸ و مائده، ۴۸) توصیه به امت مسلمان برای پیشی‌گرفتن در خیرات است. یک آیه (حدید، ۲۱) توصیه به انسان‌ها برای پیشی‌گرفتن به سوی بخشایش پروردگار و بهشت و پنج آیه وصف‌هایی درباره برخی از «سابقون» است، مانند؛ برادرانی که در ایمان مقدّم بوده‌اند (حشر، ۱۰)، نخستین مسلمانان از مهاجران و انصار (توبه، ۱۰۰)، وارثان کتاب‌های آسمانی (فاطر، ۳۲) و برخی از مؤمنان و مقربان (مؤمنون، ۶۱ و واقعه، ۱۰). در این موارد، واژه سابقون برای توصیف کسانی به‌کاررفته است که در نیکی‌ها (خیرات) جلودار هستند، از جمله در ایمان یا در عمل به دستوره‌های کتاب‌های آسمانی

نسبت به دیگران پیشتازند و از انگیزش-پیشرفت بالایی برخوردارند. ویژگی‌های این افراد با ویژگی‌های مؤمنان حقیقی مشابه است، چنان‌که مطابق آیه ۵۷ تا ۶۱ سوره مؤمنون، افرادی که در کارهای نیک شتاب می‌کنند و در آن سبقت می‌گیرند، کسانی هستند که از خشیت پروردگار می‌ترسند، به نشانه‌های او ایمان دارند، به او شرک نمی‌ورزند، از آنچه خدا به ایشان داده انفاق می‌کنند و همواره در اندیشه بازگشت به سوی پروردگارند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش واژه‌های سرعت، جدّ و جهد، کدح و کدّ نیز با انگیزش-پیشرفت در ارتباط است. برای مثال، خداوند می‌فرماید: «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا» (انبیاء، ۹۰)؛ آنان همواره در کارهای خیر به سرعت اقدام می‌کردند؛ و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند. در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ. ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر، ۳۲)؛ و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است. در یک مورد دیگر افراد را به سبقت گرفتن از دیگران در انجام امور خیر تشویق و تحریض کرده است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره، ۱۴۸). در نیکی‌ها (بر یکدیگر) سبقت جوئید. واژه سرعت نیز به این حوزه معنایی ارتباط دارد. «سرعت» عبارت است از شتاب داشتن؛ که این معنی، هم در اجسام کاربرد دارد و هم در کارها (قرشی، ۱۳۷۸ ش، ج ۳، ص ۲۵۵). سبقت در کار خیر و سرعت در آن، از صفات پسندیده به حساب می‌آیند، اما عجله در کارها چه کار خوب باشد و چه بد، از صفات نکوهیده و ناپسند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۰۷).

مفهوم دیگری که به این حوزه معنایی مربوط می‌شود، جدّ و جهد است (مصطفی و همکاران، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۰۹). که هر دو به معنای تلاش و کوشش برای انجام رفتار است. خداوند در قرآن، یکی از ویژگی‌های مؤمنان را جدّ و جهد بیان کرده است. جهد هم از همین واژه گرفته شده است. خداوند درباره مؤمنان می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...» (حج، ۷۸)؛ و در راه خدا جهاد کنید، و حقّ جهادش را ادا نمایید. علی ع می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ وَالتَّاهُبِ وَالِاسْتِعْدَادِ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۹۲)؛ بر شما باد به تلاش، سخت‌کوشی، مهیا شدن و آماده گشتن. به لحاظ لغوی همه این مفاهیم با انگیزش-پیشرفت ارتباط دارد.

واژه‌های کدح و کدّ نیز در این حوزه معنایی قرار می‌گیرند (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۱۴). خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (إنشقاق، ۶)؛ ای انسان تو با تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت پیش می‌روی و

سرانجام او را ملاقات خواهی کرد. این آیه همه انسان‌ها را مخاطب ساخته و سرنوشت آنها را در مسیری که در پیش روی دارند، برای آنها روشن می‌کند. زندگی، همواره با رنج و سختی همراه است. حتی اگر هدف، رسیدن به متاع دنیا باشد. تا چه رسد به اینکه هدف، آخرت و نیل به سعادت جاودان و قرب پروردگار باشد. وقتی افراد، بتوانند طبیعت زندگی دنیا را درک کنند، بهتر خواهند توانست که انگیزش-پیشرفت را در خود تقویت کنند. و نیز روایت دیگری با مضمون «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۱۹۶)؛ هرکه از دسترنج خود بخورد، مانند برق جهنده از صراط بگذرد از آیات و روایات استفاده می‌شود که در کارهای خیر باید پیشتاز، پیشاهنگ و کوشا بود و گوی سبقت را از دیگران ربود. پایداری و استقامت نیز مهم است. چنانچه خداوند می‌فرماید: «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن، ۱۶)؛ و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم. «ماء غدق» یعنی سیراب کردن از آب فراوان و آب زلال که طبق گفته مفسرین، کنایه از حل همه مشکلات زندگی است. مضمون آیه این است که اگر در این راه پافشاری کرده و درست حرکت کنید، مسلماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد و گرفتاری‌ها برطرف خواهد گردید.

سرانجام تحلیل و بررسی آیات و روایات نشان داد که انگیزش-پیشرفت در منابع اسلامی دارای پنج مؤلفه میل به پیشتازی، فایده‌نگری، احتمال موفقیت، نیرومندی انگیزه و حمایت معنوی ادراک شده است. مستندات و محتواهای استنباطی مربوط به مؤلفه‌های پنج‌گانه در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

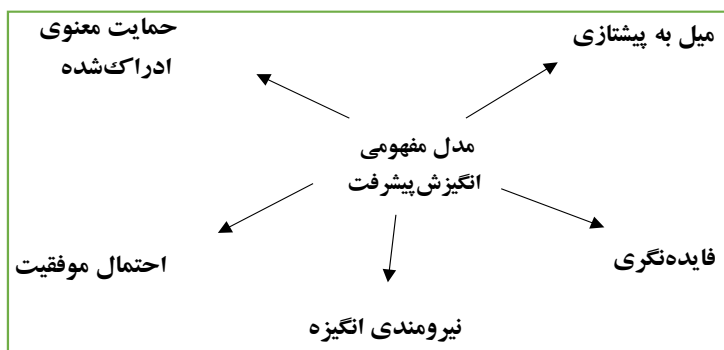
جدول ۱: مستندات و محتواهای استنباطی مربوط به مؤلفه‌های پنج‌گانه

مؤلفه‌ها	محتواهای استنباط شده	گزاره‌ها و مستندات
نیرومندی پیشتازی	تلاش مجدانه	«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹).
	روحیه سبری ناپذیری	«مَنْهُم مَّن لَّا يَتَسَبَّعَانِ؛ طَالِبٌ عِلْمٍ، وَ طَالِبٌ دُنْيَا» (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۷).
	پویایی، فعال بودن، حرکت رو به پیشرفت	«لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى النَّسَابَ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا...» (أمالی طوسی، ص ۲۰۳).
	نکوهش درجا زدن و تشویق به پیشرفت	«مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُوتٌ وَ مَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نُقْصَانٍ وَ مَنْ كَانَ إِلَى التَّقْصَانِ فَلَا تَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۷).
	نکوهش کسلان و تنبلی	«... مَنْ كَسِلَ عَنِ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنِ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ» (الکافی، ج ۵، ص ۸۵).

فایده‌نگری	عاقبت اندیشی	« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلِتَنْظُرُنَّ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ » (حشر، ۱۸).	۱
	رنج‌گریزی	« وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فَرَعَوْنُ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فُرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ » (تحریم، ۱۱).	۲
	رستگاری حقیقی	« قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا » (شمس، ۹).	۳
	جلب رضایت الهی	« لَا تُسْخِطُوا اللَّهَ يَرْضَا أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ وَلَا تَقْرَبُوا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ بِتَبَاعُدٍ مِنَ اللَّهِ » (کافی، ج ۸، ص ۸۱).	۴
احتمال موفقیت	گشایش بعد از سختی	« ... لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا » (طلاق، ۷).	۱
	خبرگی، ورزیدگی، آمادگی عملی	« كُلُّ نَجْدَةٍ يَحْتَاجُ إِلَى الْعُقَلِّ وَكُلُّ مَعُونَةٍ تَحْتَاجُ إِلَى التَّجَارِبِ » (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۷).	۲
	نگرش واقع‌بینانه	« مَنْ تَكَلَّفَ مَا لَيْسَ مِنْ عِلْمِهِ ضَيَعَ عَمَلَهُ وَحَابَ أَمَلُهُ » (بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۸).	۳
	خستگی ناپذیری افراد مصمم	« مَا ضَعُفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتُ عَلَيْهِ النِّيَّةَ » (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۰).	۴
نیرومندی انگیزه	خطاشناسی به واسطه مشورت	« مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْحَطَأِ » (دشتی، حکمت ۱۷۳، ص ۶۶۶).	۵
	استقامت نتیجه‌بخش	« إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ » (فصلت، ۳۰).	۱
	کیفیت نتیجه، معلول کمیت تلاش	« وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى » (النجم، ۳۹).	۲
	استقامت ورزی صبورانه	« الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ التَّهَيُّةُ التَّهَيُّةُ، وَالِاسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ، وَالْوَرَعُ، إِنَّ لَكُمْ نَهَايَةَ فَانْتَهَوْا إِلَى نَهَائِكُمْ » (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).	۳
حمایت معنوی ادراک شده	لزوم توجه به اسباب غیر مادی	« وَاللَّهُ... مُمְهِلِكُمْ فِي مَضْمَارِ مَحْدُودٍ لِيَتَنَازَعُوا سَبْقَهُ؛ فَسُدُّوا عَقْدَ الْمَآزِرِ، وَ اخْطُوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ؛ لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَ وَلِيمَةٌ » (نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱).	۴
	لزوم توجه به اسباب غیر مادی	« كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ » (بقره، ۲۴۹).	۱
	اعتماد کامل به مقدرات الهی	« قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ » (توبه، ۵۱).	۲
	اعتماد به خدا	« الْيَقِينُ بِاللَّهِ تَمَنَّيَ لِكُلِّ غَالٍ وَ سَلَّمَ إِلَى كُلِّ عَالٍ » (بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴).	۳
	ارزش امور باطنی	« إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَهَرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أُوطِنَا » (الكافی، ج ۲، ص ۶۵).	۴
تکامل در سایه انجام اعمال نیک	« التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ حِرْزٌ مِنْ كُلِّ عُدُوٍّ » (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۷۹).	۵	

در مرحله اعتبارسنجی، برای حصول اطمینان از «اتقان» و «کارآمدی» یافته‌ها از نظر ۱۳ کارشناس متخصص علوم انسانی و روان‌شناسی استفاده شد که گزارش CVI محاسبه شده این‌گونه بود. میل به پیشتازی ۰/۸۹، فایده‌نگری ۰/۹۲، احتمال موفقیت ۰/۸۶، نیرومندی انگیزه ۰/۸۶، حمایت معنوی ادراک شده ۰/۸۹.

حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ است (شولتز و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۱۲۴). بنابراین، اگر شاخص روایی محتوا کمتر از ۰/۷۹ باشد، مؤلفه مورد نظر باید حذف شود. همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد اتقان تمام سبک‌ها تأیید می‌شود. با توجه به این که حداقل CVI محاسبه شده در این پژوهش بالای ۰/۸۵ به دست آمده است، تمامی مؤلفه‌ها از نظر کارشناسان مورد تأیید قرار گرفته‌اند. مدل مفهوم انگیزش پیشرفت در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پژوهش، پنج مؤلفه «میل به پیشتازی»، «فایده‌نگری»، «احتمال موفقیت»، «نیرومندی انگیزه» و «حمایت معنوی ادراک شده» را نشان داد. مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که برای انگیزش-پیشرفت احصاء شده‌اند، هرکدام به نحوی به وقوع رفتار هدف‌دار کمک می‌کنند. درعین‌حال، میزان و نوع ارتباط این مؤلفه‌ها با یکدیگر متفاوت است. نزدیک‌ترین مفهوم روان‌شناسی به انگیزش-پیشرفت، انگیزش درونی است و از این جهت قسمت‌های زیادی از یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مربوط به انگیزش درونی

مطابقت و هم‌خوانی دارد. فرد بسته به شدت انگیزش و شدت نیرویی که در او به‌وجود آمده است (انگیزش درونی)، فعالیت‌ها و اعمال خود را بدون این‌که عامل خارجی در کار باشد، به‌سوی رفتار سوق می‌دهد. انگیزش درونی و انگیزش-پیشرفت مشترکات زیادی با هم دارند. شاید بتوان گفت انگیزش-پیشرفت نوعی انگیزش درونی و یا شکل تکامل‌افته‌تر آن است. مؤلفه‌های انگیزش-پیشرفت و ویژگی‌های ذیل هر مؤلفه نیز بر اساس یافته‌های روان‌شناسی قابل تبیین است. در رابطه با انگیزش-پیشرفت مدل‌های زیاد و متنوعی مطرح شده است. مورای^۱ نخستین فردی بود که در سال‌های ۱۹۳۰ میلادی و در کتاب شخص‌شناسی خود، موضوع نیاز به پیشرفت را مطرح کرد. او یکی از مهم‌ترین نیازها را نیاز برای پیشرفت می‌دانست و برای سنجش این نیاز و همین‌طور سایر نیازها از مجموعه تصاویر مبهمی استفاده می‌کرد که موقعیت‌های معمولی گوناگونی را مجسم می‌کردند و آزمون آن دزافت موضوع (TAT) نام داشت. مورای نیازهای انسانی را شناسایی کرده و آنها را به دو گروه کلی تحت عنوان نیازهای اولیه و ثانویه طبقه‌بندی نمود. وی نیازهای ثانویه را اکتسابی دانسته و تأثیرات اجتماع را در شکل‌گیری این نیازها حائز اهمیت می‌دانست. از مهم‌ترین نیازهای ثانویه مورای می‌توان به نیاز پیشرفت اشاره کرد. نظریه‌ی نیازهای اکتسابی نیز که در اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط مک‌کلند مطرح شد به نظریه‌ی نیازهای سه‌گانه مک‌کلند^۲ مشهور شده است. وی در نظریه‌ی خود به بیان سه مورد از نیازها اشاره می‌کند که برای بروز رفتار و نمود انگیزش در افراد به کار می‌رود که عبارتند از: نیاز به کسب موفقیت (توفیق‌طلبی)^۳، نیاز به کسب قدرت^۴ و نیاز به کسب دوستی (نیاز به وابستگی)^۵. مک‌کلند مطالعات گسترده‌ای را در زمینه نیاز به پیشرفت انجام داد. او معتقد بود نیاز به پیشرفت، سائقی است که می‌تواند رفتار را تقریباً در همه موقعیت‌ها نیرومند ساخته و هدایت کند و با پژوهش‌های خود، به بیان ویژگی‌های افراد دارای نیاز به پیشرفت زیاد و کم پرداخت. از نظریه اتکینسون^۶ با عنوان الگوی پویش‌های عمل^۷ یاد می‌شود (ریو، ۱۳۹۵). تفاوت

1. Muray, H.

2. McClelland's Achievement Motivation Theory.

3. Need for Achievement.

4. Winterbottom, A.E.

5. Need for Power.

6. Need for Depend.

7. Atkinson, J.W.

اصلی نظریه اتکینسون با مک‌کلند در این است که وی علاوه بر نیاز به پیشرفت، مؤلفه‌های دیگری را نیز در سازه انگیزش-پیشرفت در نظر گرفته است از نظر او رفتار پیشرفت نه تنها به نیاز پیشرفت بلکه به احتمال موفقیت و ارزش تشویقی موفقیت نیز بستگی دارد. بنابراین، نیاز به پیشرفت فقط تا اندازه‌ای انگیزش-پیشرفت را پیش‌بینی می‌کند. برای اینکه بتوانیم انگیزش-پیشرفت را تبیین کنیم، باید سازه‌ها و عوامل دیگری را نیز در نظر بگیریم. اتکینسون در مدل اولیه خود سه مؤلفه را برای انگیزش-پیشرفت در نظر گرفت که عبارتند از: نیرومندی نیاز فرد برای پیشرفت^۱ (Ms)، نیرومندی ادراک احتمال موفقیت (Ps)^۲ و ارزش تشویقی موفقیت در آن رفتار (Is)^۳ که به صورت فرمول $Ts = Ms \times Ps \times Is$ بیان می‌شود.

یافته‌های این پژوهش با الگوی ارائه‌شده از سوی وینتر بوتوم^۴ نیز متفاوت است. وی در تبیین انگیزش الگوی کل‌نگر اجتماعی را معرفی کرده است. از نظر وی انگیزش-پیشرفت متأثر از سازه‌های اجتماعی چند بُعدی است. این سازه‌ها مواردی مانند: ارزش‌های فرهنگی، نظام‌های نقش اجتماعی، فرایندهای تربیتی، الگوهای فرزندپروری و ارتباط با همسالان را دربرمی‌گیرد. درحالی‌که در پژوهش حاضر مؤلفه میل به پیشتازی با گرایش به شکوفایی و تحقق بخشیدن به ظرفیت‌های بالقوه در خود اشاره دارد. ریشه گرایش به شکوفایی، در درون آدمی است آن‌چنانی که میل به دوری از نقص، ضعف و خمودی نیز دارای یک منشأ و خاستگاه درونی است. به گفته آدلر^۵، «دوری از احساس کهنتری، از نیازهای اساسی آدمی است». به عبارت دیگر، انسان همواره به دنبال نوعی افزایش کمی و کیفی و یا شکوفایی است (بشیری، ۱۳۸۸، ص ۵). خودشکوفایی اصطلاحی است که اولین بار توسط گلدشتاین^۶ معرفی شد و اغلب به استفاده مازلو^۷ در معرفی سلسله مراتب نیازهای اشاره دارد. مازلو در مقاله خود در رابطه با انگیزه انسانی که برای اولین بار در آن هرم نیازهای خود را معرفی کرد، خودشکوفایی را این‌گونه تعریف کرد: «هرکس باید آن چیزی باشد، که می‌تواند باشد نه اینکه چه بوده و اکنون چه هست» (شاملو، ۱۳۹۷، ص ۷۹). به عبارت دیگر خودشکوفایی فرایندی

1. Dynamics of action model.
2. Motive to success.
3. Percieved probability of success.
4. Incentive value of success.
5. Adler, A.
6. Goldstein, K.
7. Maslow, A.

روان‌شناسی است با هدف استفاده بهینه از توانایی‌ها و منابع موجود در نهاد فرد که این فرایند ممکن است نسبت به شخصی تا به شخص دیگر متفاوت باشد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های به دست آمده در این پژوهش، فایده‌نگری بود که سازه‌های مختلفی همچون عاقبت‌اندیشی را شامل می‌شود. تبیین ویژگی عاقبت‌اندیشی به عنوان بخشی از انگیزش-پیشرفت به این صورت است که داشتن هدف در زندگی از لوازم اصلی حیات سعادت‌مندانه و معنادار محسوب می‌شود. انسان زمانی امنیت خاطر و آرامش دارد که افق روشنی برای آینده خود ترسیم کند، هدفی را در نظر بگیرد و با انگیزه و میل درونی برای رسیدن به آن، تلاش کند. از نظر روان‌شناسان بدترین حالت برای آدمی، زمانی است که احساس سرگردانی کند و بلا تکلیف بماند. انسان بدون هدف خلق نشده است، کارها و اعمالش باید بر پایه هدفی صورت بگیرد.

از سوی دیگر، در این عمر کوتاه، رسیدن به همه اهداف و آرزوها ممکن نیست، بنابراین انسان باید هدفی را که ارزشمندتر است انتخاب کند. اگر اهداف متفاوت و متعدد دنبال شود نتیجه‌ای جز شکست و ناکامی نخواهد داشت: «مَنْ أَمَّا إِلَىٰ مَفَاوِثٍ خَذَلْتَهُ الْحَيْلُ» (دشتی، ۱۳۹۷، حکمت ۴۰۳، ص ۷۲۶)؛ کسی که به کارهای مختلف بپردازد، نقشه‌ها [و پیش‌بینی‌هایش] به جایی نمی‌رسد. و اگر به جایی هم رسید مسائل مهم‌تر را ضایع خواهد کرد، چنان‌که امام علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ ضَيَّعَ الْأَهْمَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۶۲۶)؛ کسی که به امور غیر مهم بپردازد، مسائل مهم‌تر را ضایع می‌سازد. کسی که دنبال موفقیت در کارهاست باید در ابتدای امر، هدف خود را مشخص کند و بعد از اینکه مهم‌ترین هدف را شناسایی کرد، با تمام توان جهت رسیدن به آن تلاش کند، چرا که موفقیت انسان در کارهایی است که فکر و اندیشه را در همان کار بکار می‌گیرد. امام علی علیه السلام فرمودند: «إِنَّ رَأْيَكَ لَا يَنْتَسِعُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَفَرِّغْهُ لِمُهْمٍ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۶)؛ فکر تو وسعتی که همه امور را فرا بگیرد ندارد، پس آن را برای امور مهم فارغ بگذار. البته به این نکته نیز باید توجه کرد که انسان برای رسیدن به هدف، مجاز نیست از هر وسیله‌ای استفاده کند. به دیگر سخن هیچ وقت هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، امام علی علیه السلام در این زمینه فرمودند: «مَا ظَفِرَ مَنْ ظَفَرَ الْأَثْمُ بِهِ وَالْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ» (دشتی، ۱۳۹۷، ص ۵۳۳)؛ کسی که گناه به وسیله او پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با بدی غلبه کند، شکست خورده است.

یکی از ویژگی‌های به دست آمده برای مؤلفه احتمال موفقیت، مشورت است. مشورت از اهمیت بالا و جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار است تا آنجا که در قرآن کریم، سوره‌ای

تحت عنوان «شوری» وجود دارد و در آیاتی نیز مسئله مشاوره مطرح و به انجام آن دستور داده شده است «وَأَهْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸)؛ و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست. اهمیت مشاوره در اسلام به اندازه‌ای است که خداوند به پیامبرش امر می‌کند که مشورت کند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹)؛ با مردم خود مشورت کن و از آنان نظر بخواه. البته شکی نیست که مشورت ائمه معصومین علیهم‌السلام به خاطر رفع جهل نبوده است، بلکه به این جهت بوده که اولاً، این اصل را پایه‌گذاری کنند (جنبه آموزشی) و مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازند تا آنان شور و مشاوره را جزء برنامه‌های زندگی خود قرار دهند و ثانیاً به همراهان و پیروان خود شخصیت داده تا نیروی فکر و اندیشه آنان پرورش یابد. مشورت به انسان کمک می‌کند تا افکار و اندیشه‌های دیگران، به ویژه صاحب‌نظران و متخصصان را به یاری طلبد و با قرار دادن افکار و اندیشه‌های آنان در کنار فکر و نظر خود، بر قدرت، وسعت و عمق اندیشه و بینش خود بیفزاید و از درخشش افکار و اندیشه‌های دیگران بهره‌مند شده و احتمال موفقیت خود را افزایش دهد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْعُقُولِ إِسْتِضَاءً بِأَنْوَارِ الْعُقُولِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۸۶۳۴)؛ هرکه با خردمندان مشورت کند، از پرتو خردها روشنایی گیرد. یکی دیگر از آثار مثبت مشورت این است که مشورت کردن و استفاده از نقطه‌نظرهای دیگران به انسان کمک می‌کند تا خطاها و اشتباهات را بشناسد. چنان‌که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهُ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا»؛ (دشتی، ۱۳۹۷، حکمت ۱۷۳، ص ۶۶۶) هر کس آرای گوناگون را ببیند، جایگاه‌های خطا (نادرست‌اندیشی) را باز شناسد. مشاوره فرایندی سودمند است که می‌تواند زمینه‌ساز چیرگی بر مشکلات و رشد فکری و افزایش تشخیص و تصمیم‌گیری را فراهم کند و احتمال کامروایی و پویایی فرد را افزایش دهد. امام علی علیه‌السلام فرمودند: «مَنْ قَدَّمَ الْخَيْرَ عَنَّمْ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۱۴۱۰، ص ۵۸۵)؛ مشورت‌کننده کامیاب و رستگار خواهد شد. بنابراین، مشورت‌انگیزه‌ساز است.

نیرومندی انگیزه یکی دیگر از مؤلفه‌های پیشرفت بود که با ویژگی عزم و اراده شناخته می‌شود. در آموزه‌های دینی و اسلامی بر تقویت اراده و عزم قوی سفارش اکید شده و یکی از صفات بارز مؤمنان، اراده استوار و عزم راسخ در راه عقیده و ارزش‌های دینی و انسانی بیان شده است. امام محمد باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۴۱)؛ مؤمن از کوه استوارتر و مستحکم‌تر است؛ زیرا اجزایی از کوه جدا می‌شود، ولی از دین مؤمن، چیزی جدا نمی‌گردد. شخص با اراده کسی است که وقتی در مورد کاری، به خوبی تأمل کرد، تصمیم به انجام

دادن آن می‌گیرد و با فعالیت و ثبات قدم، آن را به اجرا درمی‌آورد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ اسْتَدْلَمَ قَرْعَ الْبَابِ وَلَجَّ وَلَجًا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۹۱۶۰)؛ هر که پیوسته دری را بکوبد و سماجت ورزد، (سرانجام) وارد شود. البته پافشاری بر تصمیمی غلط، ثبات قدم نخواهد بود و فرد سست‌اراده، بارخداد کوچک‌ترین مشکل، از ادامه انجام کار دلسرد شده و کوشش خود را متوقف می‌سازد. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «ثَلَاثٌ يَحْجُزْنَ الْمَرْءَ عَنِ طَلَبِ الْمَعَالِي: قِصْرُ الْهَمَّةِ، وَقِلَّةُ الْحِيلَةِ، وَضَعْفُ الرَّأْيِ» (حرّانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۱۸)؛ سه چیز انسان را از رفتن در پی مقامات عالیه و اهداف بلند، باز می‌دارد: کوتاهی همت، چاره‌اندیش نبودن، و سستی‌اندیشه. همچنین کسی که اراده‌ای قوی دارد، آنچه را با تأمل خواسته است، با کوشش و ثبات قدم به دست می‌آورد. چنانچه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا نَالَهُ أَوْ بَعْضَهُ» (دشتی، ۱۳۹۷، حکمت ۳۸۶، ص ۷۲۲)؛ هر که چیزی را جستجو کند، به همه یا قسمتی از آن، دست می‌آید. شخص با اراده هدفی معقول داشته، تا زمانی که به آن نرسیده است، از تعقیب هدف خود باز نمی‌ایستد. مشکلات و موانع روانی یا مادی، به اراده و عزم او لطمه نمی‌زند و از پیشرفتش جلوگیری نمی‌کند. چنانچه در بیانات امام علی علیه السلام آمده است: «المداومة المداومة! فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِعَمَلِ الْمُؤْمِنِينَ غَايَةَ إِلَّا الْمَوْتَ» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۱۳۰)؛ مداومت ورزید، مداومت ورزید؛ زیرا که خداوند برای عمل مؤمنان پایانی جز مرگ قرار نداده است.

مؤلفه حمایت معنوی ادراک‌شده (توکل) به‌عنوان پنجمین مؤلفه شناسایی شده و به‌معنای اظهار ناتوانی در کاری و اعتماد کردن به دیگری است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۱۳۶). در فرهنگ دینی نیز عبارت است از اینکه انسان تنها خداوند را تأثیرگذار در عالم هستی بداند؛ از این رو تنها به او اعتماد کرده و از غیر او قطع امید می‌کند و امور خود را به او وا می‌گذارد (نراقی، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۲۱۸). حقیقت توکل، اعتماد قلبی در تمام کارها بر خدا و صرف نظر کردن از ماسوی‌الله است. لکن منافاتی با استفاده از اسباب و فعالیت‌های جسمانی و تدابیر عقلانی انسان ندارد. توکل با تفویض ارتباط نزدیکی دارد. تفاوت توکل و تفویض این است که در تفویض انسان خود را بدون قدرت می‌بیند و تنها خدا را دارای تأثیر در امور می‌داند؛ اما در توکل خدا را در کسب خیر و منفعت، وکیل خود می‌کند. همچنین توکل با فضائل اخلاقی دیگری همچون رضا و تسلیم نیز مرتبط است. چنانچه مقام رضا و تسلیم برتر از مقام توکل است. در مقام توکل، انسان خدا را وکیل خود قرار می‌دهد؛ اما تعلق به امور دنیوی را کنار نمی‌گذارد؛ ولی در مرتبه رضا و تسلیم، به آنچه که خداوند مقرر کرده

است رضایت می‌دهد؛ هرچند موافق میلش نباشد. لازم به ذکر است که توکل انسان‌ها با هم تفاوت دارد و به مرتبه یقین و توحید آنها وابسته است. هراندازه ایمان قوی‌تر باشد، درجه توکل انسان هم بالاتر است (همان، ص ۲۲۹).

توکل و مشتقات آن، ۷۰ بار در قرآن به‌کاررفته است. قرآن در موارد متعددی از ایمان و توکل در کنار یکدیگر سخن به میان آورده به عنوان مثال: «قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا» (ملک، آیه ۲۹)؛ بگو: او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و بر او توکل کرده‌ایم و در مواردی توکل را لازمه ایمان دانسته است مانند: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران، ۱۲۲)؛ و افراد باایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند. برخی توکل را به معنای دست‌روی‌دست گذاشتن و رهاکردن کار و کوشش می‌پندارند. اعتماد بر اسباب و علت‌های ظاهری با توکل ناسازگاری ندارد؛ زیرا اسباب و علت‌های ظاهری قدرت مستقل ندارند و تأثیر آنها در دایره قدرت و مشیت خداوند است.

با توجه به مطالب گفته شده و با در نظر گرفتن الگوهای انگیزشی موجود و مطرح شده در رابطه با پیشرفت، هرچند به صورت دقیق به رفتار و فرایند انگیزش-پیشرفت پرداخته شده است، ولی از آنجا که بررسی مفهوم مورد نظر به صورت جامع نبوده بنابراین طرح و الگوهای ارائه شده نیز از حیث ساختار مبنایی، کامل نمی‌باشد و ناظر به علل و عوامل شکل‌گیری انگیزش-پیشرفت با توجه به مؤلفه‌های ساختاری آن نمی‌باشد. چنانچه تفصیلاً اشاره شد تمرکز سه نظریهٔ موارای، مک‌کلند و اتکینسون و خصوصاً دو مورد اول، عمدتاً بر روی بیان نیازهای اکتسابی افراد می‌باشد و تنها از منظر نیاز فردی به افراد توجه شده است. برخلاف نظریهٔ بوتوم که به صورت ویژه‌ای به بیان بُعد بیرونی و اجتماعی افراد پرداخته شده است و اشاره‌ای به جنبهٔ درونی و نیازهای ذاتی افراد نشده است. مضافاً اینکه در هیچ‌کدام از مدل‌های ذکر شده، بیانی در رابطه با در نظر گرفتن جنبهٔ معنوی که یکی از خاستگاه‌های اساسی به‌منظور شکل‌گیری و تحقق انگیزش-پیشرفت می‌باشد، صورت نپذیرفته است. بنابراین بر این اساس می‌توان از مدل مفهومی ارائه شده در تربیت و تعالی انسان که ثمرهٔ آن کسب موفقیت‌های مادی و نیل به آرامش و سعادت معنوی است، استفاده کرد.

محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌های تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. در این پژوهش مؤلفه‌های انگیزش-پیشرفت در آیات قرآن و صرفاً در منابع تفسیری

- و روایی شیعی مورد مطالعه قرار گرفته است و به بررسی منابع اهل سنت پرداخته نشده است.
۲. در این پژوهش برای مفهوم سازی انگیزش-پیشرفت از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی استفاده شده است.
۳. در این پژوهش مؤلفه های انگیزش-پیشرفت بیشتر بر اساس واژه ها و گزاره های هم سو بررسی شده و به مفاهیم و گزاره های ناهم سو (متضاد و متقابل) کمتر پرداخته شده است.
۴. برای روایی سنجی در این پژوهش از نظر ارزیابان و بازبینی توسط پژوهشگر استفاده شده است.

پیشنهادهای تحقیق

با توجه به محدودیت های بیان شده پیشنهادها عبارتند از:

۱. پیشنهاد می شود مؤلفه های انگیزش-پیشرفت در دیگر منابع اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.
۲. پیشنهاد می شود برای استخراج و مفهوم سازی مؤلفه های انگیزش-پیشرفت، از روش های تفسیری، تحلیل محتوا و تحلیل مضمونی و روش اجتهادی نیز استفاده شود.
۳. پیشنهاد می شود مؤلفه های انگیزش-پیشرفت بر اساس واژه های متضاد و متقابل نیز مورد بررسی قرار گیرد.
۴. پیشنهاد می شود برای روایی سنجی یافته ها از روش های دیگر مانند سه سو سازی نیز استفاده شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: انصار المهدی.
- نهج البلاغه، (۱۳۹۷)، ترجمه: محمد دشتی، انتشارات پارسایان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، بیروت: دارالأضواء.
- ابن شعبه حزان، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دارالجمیل.
- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ ق)، *عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، *تبیین روان شناختی الگوی انسان کامل*، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۰-۵.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، الإحياء التراث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: داودی، صفوان عدنان، ص: ۵۶۵ دمشق، بیروت، دارالقلم، الدار الشامیة، چاپ اول.
- ربو، جان، مارشال (۱۳۹۵)، *انگیزش و هیجان*، ترجمه: یحی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- سیف، علی اکبر (۱۴۰۱)، *روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)*، ویرایش هفتم، تهران: انتشارات دوران.
- شاملو، سعید (۱۳۹۷)، *روان شناسی شخصیت*، تهران، رشد، چاپ دوازدهم.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۷)، *انگیزش و هیجان، نظریه های روان شناختی و دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ----- (۱۳۹۹)، روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی، *مجله مطالعات اسلام و روان شناسی*، دوره ۱۴، شماره ۲۷ - شماره پیاپی ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ص ۴۱-۷۳.
- شولتز دوان و شولتز آلن سیدنی (۱۳۹۶)، *نظریه های شخصیت*، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: انتشارات ویرایش، چاپ ۳۷.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ ق)، *الأمالی للشیخ الصدوق*، قم: مؤسسه البعثة.
- ظهیری ناو، بیژن و رجبی، سوران (۱۳۸۸)، بررسی ارتباط گروهی از متغیرها با کاهش انگیزش تحصیلی دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، *دو ماهنامه علمی- پژوهشی*، دانشگاه شاهد، شماره ۳۶.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ ق)، *کتاب العین*، قم، انتشارات هجرت، چ دوم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۸)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *کافی*، تصحیح غفاری علی اکبر و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت: دار إحياء التراث.
- مصطفی، ابراهیم و همکاران (۱۴۲۷ ق)، *معجم الوسیط*، تهران: انتشارات مرتضوی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، تهران.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳ ق)، *جامع السعادات*، نجف: منشورات جامعة النجف الدینیة.
- نوری، حسین بن محمدتقی (بی تا)، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بیروت، لبنان.

- هوی، ک و میسکل، س (۱۳۸۲)، *تئوری تحقیق و عمل در مدیریت آموزشی*. ترجمه: عباس زاده، میرمحمد، جلد دوم، ارومیه: انتشارات انزلی.
- Alderman, M. K. (2013). *Motivation for achievement: Possibilities for teaching and learning*. Routledge.
- Hoy, W. k. & Miskel, C. G. (2008). *Educational Administration Theory*.
- James Y. Shah, Wendi L. Gardner - *Handbook of Motivation Science-Guilford Press* (2008).
- Krou, M. R. , Fong, C. J. , & Hoff, M. A. (2021). Achievement motivation and academic dishonesty: A meta-analytic investigation. *Educational Psychology Review*, 33(2), p 427-458.
- cclelland, D. C. Atkinson. J. W. Clark, R. A. & Lowell, E. L. (1953).
- Reeve, J. (2018). *Understanding motivation and emotion*. John Wiley & Sons. *The achievement motive*. NewYork: Appleton Contury Crofts.
- Vilder, B. (1989). *Implication of the current theory of achievement motivation Psychology in school*.
- Wigfield, A. , Muenks, K. , & Eccles, J. S. (2021). Achievement motivation: what we know and where we are going. *Annual Review of Developmental Psychology*, 3, p 87-111.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (ص ۲۷-۴۸)

مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم بر اساس منابع اسلامی

The Conceptual Components of the Emotion Regulation of Happiness and Sadness based on Islamic sources

قاسم مهدوی اصل / دانشجوی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
مهدی عباسی / استادیار گروه روان‌شناسی اسلامی پژوهشگاه دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
علی صادقی سرشت / استادیار گروه روان‌شناسی پژوهشکده روان‌شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

Qasem Mahdavi asl / Student of Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.

ghasemmahdavi0000@gmail.com

Mahdi Abbasi/Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, University of Qur'an and Hadith, Qom, Iran.

Ali Sadeghi Sarsht /Assistant Professor, Department of Psychology, Research Institute of Psychology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran.

Abstract

This research was conducted with the aim of cognizance the conceptual components of regulating the emotion of sadness and happiness based on Islamic sources. In this study, in order to develop the conceptual model of regulating emotion, from descriptive-explanatory sentences of Islamic texts (Quran and Hadith) content analysis methods were used and also to explain the conceptual structure of happiness and sadness emotion regulation, linguistic semantics method was used. For this purpose, descriptive-explanatory sentences related to the subject in Islamic texts were searched and selected by the words and concepts collected in the semantic field of happiness and sadness. In order to determine the conceptual components, categorization and conceptualization operations were performed on the main themes of the selected texts.

The findings of the research showed that several factors can lead to the increase or

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های تنظیم هیجان شادی و غم بر اساس منابع اسلامی صورت پذیرفت. در این پژوهش به منظور تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم از جملات توصیفی-تبیینی متون اسلامی (قرآن و حدیث) از روش‌های تحلیل محتوا استفاده شد و نیز به منظور تبیین ساختار مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم از روش معناشناسی زبانی مورد استفاده قرار گرفت. بدین منظور، به وسیله واژگان و مفاهیم جمع‌آوری شده در حوزه معنایی شادی و غم، جملات توصیفی-تبیینی مرتبط با موضوع در متون اسلامی جستجو و انتخاب گردید. برای تعیین مؤلفه‌های مفهومی نیز عملیات مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی بر مضمون‌های اصلی متون انتخاب شده انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل متعددی می‌تواند

decrease of the two emotions of happiness and sadness and cause it to be regulated that is based on the division of happiness and sadness into constructive and positive as well as morbid and negative, these factors are divided into four categories of conceptual components: "increasing constructive happiness" with seven sub-components, "increasing constructive sadness" with three sub-components, "reducing morbid happiness" was divided into three sub-components and "reducing morbid sadness" was divided into twelve sub-components.

Keyword: regulating emotion, happiness, sadness, islamic sources.

به افزایش یا کاهش دو هیجان شادی و غم منجر شده و موجب تنظیم آن گردند که بر اساس تقسیم‌بندی شادی و غم به سازنده و مثبت و نیز مرضی و منفی، این عوامل به چهار دسته مؤلفه مفهومی «افزاینده شادی سازنده» با هفت زیرمؤلفه، «افزاینده غم سازنده» با سه زیرمؤلفه، «کاهنده شادی مرضی» با سه زیرمؤلفه و «کاهنده غم مرضی» با دوازده زیرمؤلفه تقسیم شدند.

کلیدواژه‌ها: تنظیم هیجان، شادی، غم، منابع اسلامی.

مقدمه

هیجان‌ها نقش مهمی در زندگی انسان ایفا می‌کنند، به زندگی معنا می‌بخشند، موجب سازگاری فردی و اجتماعی شده، و فرد را برای ایجاد تغییر، انگیزه می‌دهند (حسینی و شاه‌مرادی‌فر، ۱۳۹۵). در میان مجموعه هیجان‌ها، غم^۱ و شادی^۲ از جمله هیجان‌هایی هستند که در زندگی روزمره افراد، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. همین امر موجب شده است که طی چند دهه اخیر، مطالعات فراوانی در بخش‌های مختلف این دو هیجان و کارکردهای آن، صورت پذیرد؛ به عنوان نمونه، محققان دریافته‌اند که افراد شادتر، از دیدگاه بهتری برخوردار هستند و قادرند به راحتی افکار جدید را بپذیرند و این می‌تواند منجر به تجربه کمتری از درد شود (فردریکسون^۳، ۲۰۰۴؛ برگ، سیل و آستر^۴، ۲۰۱۴) و از سویی دیگر حالت غم و اندوه ممکن است سنجش، کمک به ارزشیابی مجدد اهداف و انگیزه دادن به افراد را برای تغییر شرایط زندگی خود در شرایط سازگارانه در برابر وقایع استرس‌زا یا منفی زندگی، تسهیل کند (کارور^۵، ۲۰۰۴).

اگرچه نقش مثبت این هیجان‌ها در زندگی بشر قابل انکار نیست (کوهن، فردریکسون

1. Sadness.
2. Happiness.
3. Fredrickson.
4. Berges, Seale & Ostir.
5. Carver.

و دیگران^۱، ۲۰۰۹) اما دادن یک قلمرو آزاد به آنها، مشکل آفرین است؛ به عنوان نمونه ماندن در هیجان‌های منفی می‌تواند تولید هورمون استرس بدن (کورتیزول) را افزایش دهد که به نوبه خود، توانایی شناختی ما برای حل مشکل به صورت پیشگیرانه را کاهش می‌دهد و همچنین می‌تواند به سیستم دفاعی بدن آسیب برساند و ما را در معرض بیماری‌های مختلفی قرار دهد (ایزارد^۲، ۲۰۰۹).

در این میان، تنظیم هیجان به عنوان مهارتی ارزشمند، نقش مهمی می‌یابد که به فرد این امکان را می‌دهد در محیط اجتماعی خود عملکرد موفقی داشته باشد. در دوران مدرن در حوزه روان‌شناسی، تنظیم هیجان‌ها در مطالعه دفاع‌های روان‌شناختی (فروید^۳، ۱۹۵۹)، استرس و کنار آمدن (لازاروس^۴، ۱۹۶۶)، دلبستگی (بالبی^۵، ۱۹۶۹) و خودتنظیمی مورد توجه قرار گرفته است (میشل^۶، ۱۹۸۹). این علاقه طولانی مدت به تنظیم هیجان‌ها، طی دو دهه گذشته به طرز چشمگیری افزایش یافته است (گراس^۷، ۲۰۰۷)؛ اما با این حال، علی‌رغم توافق همگانی آشکار در مورد فقدان تعریفی جامع برای تنظیم هیجان، هنوز گوناگونی قابل توجهی در تعریف ضمنی این مفهوم که توسط نظریه پردازان و پژوهشگران مختلف ارائه می‌شود، مشاهده می‌گردد (تامپسون^۸، ۱۹۹۴). بر اساس تعریف تامپسون (۱۹۹۴)، تنظیم هیجان دربرگیرنده فرایندهای درونی و بیرونی است که مسئول نظارت، ارزیابی و تعدیل واکنش‌های هیجانی، به خصوص اشکال شدید و زودگذر برای نیل به اهداف فردی هستند. گراس (۱۹۹۸)، تنظیم هیجان را فرایندی می‌داند که توسط آن، افراد هیجان‌های خود (موقعی که هیجانی هستند) و چگونگی تجربه یا ابراز این هیجان‌ها را تحت نفوذ خویش قرار می‌دهند. در این پژوهش، مراد از تنظیم هیجان، فرایندی است که طی آن، فرد به منظور افزایش هیجان مثبت (شادی و غم سازنده) و نیز کاهش هیجان منفی (شادی و غم مرضی) با به کار بستن راهکارهای شناختی و رفتاری به تنظیم هیجان خود می‌پردازد.

1. Cohn, Fredrickson, & et.

2. Izard.

3. Freud.

4. Lazarus.

5. Bowlby.

6. Mischel.

7. Gross.

8. Thompson.

مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد که تنظیم هیجان، به‌ویژه هیجان‌های شادی و غم دارای اهمیت زیادی هستند. به‌عنوان نمونه خداوند در آیه «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» لکینلاً تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم واللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (حدید، ۲۳/۲۲) بیان می‌کند که همه سختی‌ها و مصیبت‌هایی که برای انسان روی می‌دهد، از قبل نزد او و در لوح محفوظ ثبت شده و خداوند بر آن آگاه است. از این رو، نباید به خاطر از دست دادن چیزی غمگین گشته یا به سبب کسب آن، مغرور و دلشاد گردد.

مفهوم شادی (فرح) در مجموع بیست و پنج مرتبه با الفاظ مختلف (به‌عنوان نمونه غافر، ۱۷۰^۱ و انسان، ۱۱۲) به‌کار رفته است که در برخی، به‌صورت مثبت و در بعضی موارد مورد نهی قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه خداوند در آیه «قُلْ يَفْضَلُ اللَّهُ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس، ۵۸) سبب و مجوز شادی را فضل و رحمت خود بیان می‌کند و آن را مورد تأیید قرار می‌دهد و در آیه «فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَصْحَكُونَ» (زخرف، ۴۷)، خنده ناشی از تمسخر نزول آیات را مورد نکوهش قرار می‌دهد.

واژه حزن (غم) نیز به همراه مشتقاتش در میان آیات قرآن، چهل و دو مرتبه به‌کار برده شده که در اکثر این آیات، خداوند حزن را به‌صورت منفی بیان نموده و پرهیز از آن در دستور کار آیات قرار داده است. به‌عنوان نمونه خداوند در آیه «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۳۸)، غم و اندوهی که بعد از هدایت و راهنمایی او هنوز پابرجا است را، غمی بی‌جا و مذموم برمی‌شمرد.

بر اساس آنچه بیان شد، وجود دو شکل پسندیده و ناپسند از هیجان شادی و غم در ادبیات دینی و نیز تأکید فراوان بر آن، نشان از رویکرد متفاوت دین به مقوله تنظیم هیجان شادی و غم دارد.

پژوهش‌های متعددی در زمینه هیجان‌های شادی و غم و نیز تنظیم آن دو بر اساس منابع اسلامی صورت پذیرفته است که هر کدام از منظر، به تبیین آن پرداخته‌اند که در این میان، می‌توان اشاره کرد به آثاری همچون الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا (پسندیده و همکاران، ۱۳۹۲) که ضمن تفاوت قائل شدن میان شادی و شادکامی، به بیان مؤلفه‌های شادکامی پرداخته و مبانی نظری آن را به‌صورت مختصر بیان می‌کند؛

۱. ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ.

۲. فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا.

سلامت هیجانی بر اساس منابع اسلامی و ساخت پرسشنامه اولیه آن (تمسکی و اصفهانیان، ۱۳۹۳)؛ مقایسه الگوی چندوجهی اسلامی با مدل شناختی بک در درمان افسردگی (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۶). در این اثر که به صورت مداخله موردی به مقایسه مدل اسلامی و مدل شناختی بک پرداخته، میزان اثربخشی هر دو روش مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ انگیزش و هیجان - نظریه‌های روان‌شناختی و دینی (شجاعی، ۱۳۹۷) که به توصیف و تبیین دیدگاه‌های روان‌شناختی، مبانی و عوامل مؤثر بر انگیزش و هیجان در منابع اسلامی پرداخته است؛ درمانگری افسردگی مبتنی بر قرآن (فیاض و اخوت، ۱۳۹۷). در این اثر سعی شده است بر اساس آیات قرآن کریم، با استفاده از راهبردهای درمانی بر اساس هر کدام از انواع افسردگی‌ها، شیوه‌ای برای درمان بالینی آن استخراج شود؛ روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی (رفیعی هنر، ۱۳۹۵). کتاب روان‌شناسی مهار خویشتن، مبحث خودمهارگری را در حوزه روان‌شناسی و اسلامی مورد بررسی قرار داده است؛ شادکامی و ساخت مقیاس آن از دیدگاه اسلام (علی محمدی، ۱۳۸۸) که به بررسی دیدگاه‌های روان‌شناسان، فلاسفه و حکمای اسلامی پرداخته است و سعی می‌کند به دسته‌بندی عوامل شادکامی بپردازد.

بررسی آثار ذکر شده و دیگر پژوهش‌های موجود در این زمینه نشان داد که در میان هر کدام به نوعی کاستی‌هایی همچون بررسی محدود احادیث، عدم وجود یکپارچگی در بررسی آیات و روایات، نبود رویکرد تنظیم هیجانی، وجود نگاه کنترل‌کنندگی صرف به مقوله تنظیم هیجان و رویکرد افسردگی محور (و مرضی) در بررسی هیجان غم، قابل مشاهده است. بر همین اساس، بررسی جامع آیات و روایات شادی و غم با نگاهی یکپارچه و با رویکرد تنظیم هیجان به منظور یافتن مؤلفه‌های مفهومی تنظیم‌کننده شادی و غم ضرورت می‌یابد. طبق آنچه بیان شد و با توجه به اهمیت مقوله تنظیم هیجان شادی و غم در زندگی انسان، که پژوهش‌های فراوان صورت پذیرفته در این حوزه نیز گویای آن است؛ پرداختن به این سوال که مؤلفه‌های تنظیم هیجان شادی و غم بر اساس منابع اسلامی چگونه است، اهمیت می‌یابد.

روش پژوهش

به منظور تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان‌های شادی و غم، از جملات توصیفی - تبیینی موجود در کتب لغت، اصطلاح و متون اسلامی (قرآن و حدیث) با روش تحلیل محتوا^۱ استفاده گردید (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶).

در این پژوهش، هر دو محتوای آشکار و پنهان متون، مورد بررسی قرار گرفتند، و تحلیل متون گزینش شده با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها انجام شد (دریسکو و ماشی^۱، ۲۰۱۶، ص ۶)؛ زیرا تحلیل داده‌ها به شمارش واحدهای تحلیل و مقولات ختم نشد؛ بلکه به منظور استنباط یک مؤلفه مفهومی، جملات بررسی و مقوله‌بندی شدند.

به‌منظور تبیین ساختار مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم در متون اسلامی (قرآن و حدیث)، روش معناشناسی زبانی^۲ مورد استفاده قرار گرفت. معناشناسی زبانی برای کشف چگونگی کارکرد ذهن در کشف معنا از طریق خود زبان و نه دانشی خارج از آن به کار می‌رود (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶). این روش بر اساس اصل تحلیل مؤلفه‌ای^۳ در نظریه حوزه‌های معنایی^۴ (تزییر^۵، ۱۹۳۱، ۱۹۳۴؛ وایزگزبر^۶، ۱۹۵۴؛ به نقل از شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳) اجرا شد. در این پژوهش، از شیوه حوزه‌های معنایی نیز برای جمع‌آوری مؤلفه‌های مفهومی بهره گرفته شد. جامعه اسناد و گزینش نمونه: جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات قرآن کریم و روایات به‌عنوان واحدهای تحلیل مرتبط با حوزه معنایی غم و شادی، جامعه اسناد را در این پژوهش تشکیل داده‌اند (بابی، ۲۰۱۱، ص ۳۵۸). روایات مورد مراجعه بر اساس طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۳) در منابع روایی سطوح الف، ب و بعضا ج (به‌عنوان مؤید) قرار دارند. جملات انتخاب شده در قرآن کریم و روایات در پژوهش حاضر، دارای ارتباط با موضوع «تنظیم هیجان شادی و غم» بودند (سرمد، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳). نحوه این ارتباط را وجود واژه‌ها و مفاهیم حوزه معنایی تنظیم هیجان شادی و غم در آیات و روایات تعیین کرد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، محتوای آشکار و پنهان متون اسلامی (قرآن و حدیث) تجزیه و تحلیل شدند. این کار نه با روش شمارش داده‌ها، بلکه با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها صورت پذیرفت. برای تحلیل کیفی داده‌ها از شیوه مقوله‌بندی (بابی، ۲۰۱۱) استفاده شد. این کار طبق نظر سرمد و همکاران (۱۳۸۰، ص ۲۰۷) به واسطه سه فعالیت انجام شد: (الف) تشخیص داده‌ها؛ (ب) عرضه داده‌ها؛ و (ج) نتیجه‌گیری.

1. Drisko & Maschi.

2. Language semantics.

3. Componential analysis.

4. Semantic fields.

5. Trier.

6. Weisgerber.

شیوه اجرا: عملیات استخراج مؤلفه‌ها و تبیین ساختار مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم در پژوهش حاضر، به ترتیب در سه مرحله صورت پذیرفت:

یک) تشکیل حوزه معنایی برای دو هیجان شادی و غم: هدف از این گام، جمع‌آوری واژگان و مفاهیمی بود که از ویژگی‌های مرتبط با هیجان شادی و غم حکایت می‌کردند.

دو) جمع‌آوری جملات توصیفی - تبیینی مرتبط با مفهوم تنظیم هیجان شادی و غم در منابع اسلامی: این کار به وسیله جستجو بر اساس کلیدواژه‌های به دست آمده در حوزه معنایی شادی و غم صورت پذیرفت. متون اسلامی یافت شده بر اساس فهم متن و مقصود از آن (مسعودی، ۱۳۸۹) و همچنین فهم روان‌شناختی (پسندیده، ۱۳۸۶) در مجموعه جملات توصیفی - تبیینی مفهوم تنظیم هیجان شادی و غم قرار گرفتند.

سه) مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی: مقوله‌بندی متون دینی با هدف استخراج ویژگی‌های مؤثر در تنظیم هیجان غم و شادی انجام شد. بدین منظور، سه اقدام صورت پذیرفت:

(۱) تلخیص و مرکزی‌سازی مضمون جملات آیات قرآن و روایات به منظور استخراج مضمون اصلی مرتبط با مفهوم هیجان غم و شادی؛ (۲) عرضه مضمون‌های استخراج شده در گروه‌های متمایز بر اساس اشتراک موضوعی؛ (۳) نتیجه‌گیری و مشخص کردن مؤلفه‌ها به واسطه نام‌گذاری آنها.

یافته‌های پژوهش

الف) حوزه معنایی شادی

جدول ۱، نتایج مربوط به حوزه معنایی شادی را بر اساس کتب لغت نشان می‌دهند. این حوزه معنایی شامل طبقه‌بندی واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با شادی است.

جدول ۱. واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با شادی در کتب لغت

ردیف	لغات	واژگان در کتب لغت
۱	سرور	سرور بخش پنهان فرح است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱).
۲	فرح	معنای سوم فرح، سرور است (فیومی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۴۱). فرح، خلاف حزن است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۹۹).
۳	مرح	حالت شدید فرح است (فیومی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۳۹). دلالت بر سرور دارد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۶۸).
۴	بَطْر	به معنای اشر که مرح شدید (فرح شدید) باشد، است (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۹۲)؛ خروج از حد مرح (فرح شدید) است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۶۲)؛ تجاوز از حد طرب است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۸).

۵	خُبور	به معنای سرور و فرح است (ابن درید، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۰)؛ به معنای سرور است (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۵۹)؛ به معنای فرح است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۲۷).
۶	أشیر	به معنای بطر (شدت فرح) است (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۷۹)؛ به معنای مرح (شدت فرح) است (فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۲۸۴)؛ به معنای شدت بطر است و بطر، شدیدتر از فرح است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۸).
۷	بَهجة	به معنای فرح است (فیومی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۸)؛ به معنای فرح و سرور است (طریحی نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۶)؛ به معنای سرور و طراوت است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۰۸).
۸	فکاهه	مزاح به خاطر انبساط خاطر و به وسیله آن (فیومی، ۱۳۹۶)؛ به معنای شوخی و حسن خلق است (ابن درید، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۲۰).
۹	مزاح	سرگرمی و شوخی است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۱۱).
۱۰	بشاشه	برخورد زیبا به همراه خنده مسرورانه به شخص مقابل است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۸۲)؛ خوش رویی و خوش برخوردی (طریحی نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۰۳).
۱۱	بشر	به معنای شادی که از چهره بر می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۷).
۱۲	طرب	رفتن غم و آمدن شادی است (فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۴۲۰)؛ راحتی که ناشی از شدت غم یا شادی است (طریحی نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۰).

بر اساس جدول ۱، حوزه واژگانی مربوط به شادی عبارت است از: «السرور»، «الفرح»، «المرح»، «البطر»، «الخبور»، «الاشیر»، «البهجة»، «الفکاهه»، «المزاح»، «البشاشه»، «البشر»، «الطرب» است که معیار جستجوی متون اسلامی قرار گرفت.

ب) حوزه معنایی غم

نتایج مربوط به حوزه معنایی غم بر اساس کتب لغت در جدول ۲ آمده است. این حوزه معنایی شامل واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با غم است.

جدول ۲. واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با غم در کتب لغت

ردیف	لغات	واژگان در کتب لغت
۱	هَم	همان حزن است (فیومی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۳۰)؛ به معنای حزن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۵۴).
۲	کآبة	به معنای غم و بدحالی ناشی از حزن است (طریحی نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۵)؛ بدی ظاهر و حالت شکستگی ناشی از حزن، در صورت (فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۴۱۸)؛ دل شکستگی ناشی از حزن (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۹۵).
۳	غم	به حزن غم گفته می‌شود (فیومی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۳۵)؛ نام دیگر حزن، غم است (طریحی نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۳۲).

۴	حزن	نقیض سرور است (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۰۹۸)؛ حزن مقابل سرور است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۰۹).
۵	غصه	به معنای چیز گلوگیری است که حلق با آن گرفته و بسته شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۶۰۷). از این رو، استعمال «غصه» در اندوه به این جهت است که مانند اندوه راه گلو را می‌بندد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۳۰).
۶	کرب	همان حزن و غم است (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۱)؛ همان غم است فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۶۰).
۷	إبلاس	حسرت خورنده محزون نادم (فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۶۲)؛ حزن ناشی از ناامیدی شدید راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۳).
۸	أسف	به معنای حزن و اضطراب است (فیومی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۳)؛ حزن و غصه اغراق‌آمیز (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۵).
۹	اسی	به معنای حزن است (فیومی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۴)؛ همان حزن است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۰۶)؛ به معنای حزن بر چیزی است (فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۳۳۲).
۱۰	غیظ	کربی (حزن) که از طرف دیگری بر انسان وارد می‌شود (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۰۵).

بر اساس جدول ۲، حوزه واژگانی مربوط به «غم» عبارت است از: «هم»، «غم»، «کآبه»، «حزن»، «غصه»، «کرب»، «ابلاس»، «اسف» و «اسی» که معیار جستجوی متون اسلامی قرار گرفت.

ج) عوامل تنظیم‌کننده شادی و غم

آنچه در ادامه می‌آید مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم و ساختار مفهومی آن است که از طریق جستجوی متون مرتبط در قرآن و حدیث، تحلیل محتوای متون و مقوله‌بندی مضامین به دست آمده است.

۱) افزایش شادی سازنده

عواملی هستند که به همراه ایجاد حال خوش و شادی مثبت و سازنده برای فرد، متضمن ایجاد باورمندی نسبت به خدا، آمادگی برای زندگی بعد از مرگ و نیز سامان‌دهی اموری مانند روزی، روابط، پوشش و افزایش تحمل فرد در برابر سختی‌ها می‌باشد. بر اساس متون اسلامی، مؤلفه مفهومی افزایش شادی سازنده دارای زیرمؤلفه‌های «خداپاوری»، «جمع کردن توشه اخروی»، «ایجاد نشاط در روابط»، «سامان‌دهی روزی»، «تاب‌آوری در سختی‌ها»، «پوشش نشاط‌آور»، «تعهد در روابط» می‌باشد که تحلیل محتوای آنها به شرح زیر است:

یک) خداپاوری: خداپاوری به معنای باور و اعتقاد به خداوند و آنچه مربوط به او

می‌شود، است. بر اساس روایات، این مؤلفه برگرفته شده از دو مضمون می‌باشد: (۱) باور به قَدَر خداوند که طبق روایات (به‌عنوان نمونه کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۹) موجب کنترل غم و اندوه می‌شود؛ (۲) ایمان به خداوند، که موجب بروز شوخ‌طبعی و شادی در فرد می‌گردد (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۶۳). در واقع باورهای دینی و ایمان به خدا نقش ویژه‌ای در کنترل غم و افسردگی دارند (نساجی زواره، ۱۳۹۲).

(دو) جمع کردن توشه اخروی: مراد از توشه اخروی در این مؤلفه؛ هرگونه رفتار، گفتار و قضاوت‌های نیکو و پسندیده‌ای است که موجب رضایت خداوند از فرد گشته و برای آخرت وی ذخیره می‌گردند. اعمال صالح به‌عنوان توشه اخروی فرد، دارای اثرات متعدد دنیوی و اخروی می‌باشد که از جمله آنها؛ قرار گرفتن در زمره بهترین مردم^۱، دوستی و مؤدت مردم^۲، استجابت دعا^۳ و اصلاح و پیرایش نیت و حالات^۴ می‌باشد (اکبری‌راد، ۱۳۹۲) که به فرموده امام علی علیه السلام، موجب شادی واقعی فرد می‌شود (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۲۴۰).

(سه) ایجاد نشاط در روابط: مفهوم ایجاد نشاط در روابط به‌معنای انجام هر عمل پسندیده‌ای است که موجب شادی برادر مؤمن و سرور سازد شود. این زیرمؤلفه برگرفته از دو مضمون استخراج شده از روایت است: (۱) هدیه (صدوق، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۰۱)، که از طریق آن، با شاد کردن فرد یا افراد هدیه‌گیرنده، حس اعتماد و اطمینان را در خود و او ایجاد می‌کنیم به‌گونه‌ای که در می‌یابد نزد ما محترم و عزیز است (فروغی، ۱۳۸۱)؛ (۲) مزاح (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۶۳)؛ زیرا طبیعت انسان، مزاح را پسندیده و با آن شاد می‌شود و به شکلی، شوخی صحیح و هدف‌دار، عناصر شادی‌بخش را در لایه‌های روان آدمی فرو می‌برد (انصاری، ۱۳۹۷). چهار) سامان‌دهی روزی: مفهوم سامان‌دهی روزی به‌معنای برنامه‌ریزی و مدیریت برای کسب روزی و تلاش برای کنترل فعالیت‌های مالی است. طبق روایات، این مؤلفه برگرفته شده از سه مضمون می‌باشد: (۱) کنترل فقر؛ زیرا روایت، تحقق فقر را ملازم با بروز غم و اندوه دانسته (رضی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰۶) و تنها با کنترل آن می‌توان زمینه برطرف کردن غصه حاصل از فقر را از بین برد (کدخدایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۹)؛ (۲) وسعت روزی (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴۱)؛ (۳) قناعت (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۱۶).

۱. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ.

۲. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا.

۳. وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ.

۴. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَمَّا بِنَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ.

پنج) تاب‌آوری در سختی‌ها: افزایش تاب‌آوری به معنای افزایش توانایی فرد برای مقابله مؤثر با مشکلات از شیوه‌های مختلف و سپس کنترل غم و اندوه است. این مؤلفه برگرفته از دو مضمون استخراج شده از روایت است: (۱) تمسک به صبر و یقین نیکو (رضی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۲) که بیان می‌کند تحمل شرایط و پذیرش موقعیت، یکی از روش‌های کنترل غم و غصه ناشی از پیشامدهای ناگوار است (حسین پور، ۱۳۹۰)؛ (۲) ترکیب علم با حلم و عقل با صبر، که موجب رفع بی‌حالی شده و زمینه نشاط فرد را فراهم می‌سازد (کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۵۳).

شش) پوشش نشاط‌آور: پوشش نشاط‌آور به معنای استفاده از لباس‌های تمیز و نیز به‌کار بردن رنگ‌هایی است که در روایات به آنها توصیه شده است. طبق روایات، این زیرمؤلفه برگرفته شده از دو مضمون است: (۱) نعلین زرد، که براساس روایت، تا زمانی که فرد از نعلین زرد استفاده می‌کند؛ در شادمانی و سرور قرار خواهد داشت (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۶۶)؛ (۲) لباس تمیز، که عاملی برای زدودن غم و اندوه است (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۴).

هفت) تعهد در روابط: این مفهوم به معنای وظیفه یا ضمانتی است که در مقابل کسی یا برای چیزی قرار می‌دهیم، و خود را ملزم به وفای به آن می‌دانیم. به عبارت دیگر، «تعهد در روابط» یعنی پایبند بودن به اصول و قواعدی که در ارتباط با دیگران وجود دارد. این تعهد؛ گاهی خود را در قالب «وفاداری» در ارتباطات و گاهی در «رعایت حقوقی» که برعهده ما گذاشته شده است (حرانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۱۵) و گاهی نیز با «ادای بدهی و دین» خود به دیگران ظاهر می‌کند (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۸۲).

۲) افزایش غم سازنده

عواملی که با بروز غم و ناراحتی برای فرد همراه بوده؛ اما به‌خاطر هدفی که دنبال می‌کنند (به‌عنوان نمونه توجه به خداوند، آخرت و اهل بیت علیهم‌السلام)، جنبه سازندگی نیز می‌یابند. بر اساس متون اسلامی، مؤلفه مفهومی افزایش غم سازنده دارای زیرمؤلفه‌های «ابتلائات و پیشامدها»، «غم‌خواری معنوی» و «آخرت‌اندیشی» می‌باشد که تحلیل محتوای آنها به شرح زیر است:

یک) ابتلائات و پیشامدها: این مفهوم به معنای امور ناگواری است که برای آزمایش، هشدار، تنبیه و یا ترفیع درجه مؤمن از طرف خداوند اتفاق می‌افتد. در روایات متعددی اشاره شده است که بنده مؤمن، دائماً درگیر بلاها و امتحانات مختلف می‌باشد (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲،

ص ۲۵۳؛ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۵۶) و این پیشامدها موجب غم و اندوه سازنده برای وی شده تا بدین وسیله، یاد خدا را فراموش نکند (کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۷۶۰).

دو) غم‌خواری معنوی: غم‌خواری معنوی به معنای همدردی کردن و حس درد مشترکی است که در فرد، نسبت به دیگر انسان‌ها به وجود می‌آید. بر اساس روایات، این زیرمؤلفه از دو گونه غم مثبت برگرفته شده است: (۱) غم اهل بیت علیهم‌السلام (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۱۰)، که موجب آرامش روحی گریه‌کننده و جلای قلب او می‌شود، و این خود نوعی تخلیه هیجانی است که به چرخه متعالی فرد ربط پیدا می‌کند (ترخان، ۱۳۸۸)؛ (۲) غم مؤمنین دیگر (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶۶) که اشاره به رابطه ناشناخته روانی بین مؤمنین دارد و در نتیجه آن، با غم یک فرد، دیگری هم غمگین می‌گردد (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۳).

سه) آخرت‌اندیشی: این مفهوم به معنای اعتقاد به زنده شدن پس از مرگ ظاهری، و حیات دوباره به منظور حسابرسی در روز قیامت است. مؤلفه «آخرت‌اندیشی» برگرفته از چهار مضمون استخراج شده از روایت است: (۱) مرگ باوری، که براساس آن، اعتقاد به حتمی بود مرگ انسان عاملی برای کنترل شادی و غم منفی در او است (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۸)؛ (۲) حساب باوری (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۸)؛ (۳) ترس از جهنم (کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۸۵)؛ (۴) زندگی بعد از مرگ (رضی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۷).

۳) کاهنده شادی مرضی

عواملی که از طریق توجه دادن به دائمی نبودن داشته‌های دنیوی و پرهیز از جلب توجه غیر خداوند، سعی بر کاهش شادی و سرخوشی‌هایی می‌نماید که موجب دوری از خداوند می‌گردند.

بر اساس متون اسلامی، مؤلفه مفهومی کاهنده شادی مرضی دارای زیرمؤلفه‌های «توجه به موقتی بودن نعمات»، «اجتناب از جلب توجه» و «آخرت‌اندیشی» می‌باشد که تحلیل محتوای آنها به شرح زیر است:

یک) توجه به موقتی بودن نعمات: این مفهوم به معنای توجه به دنیا به عنوان محلی گذرا است که با مرگ، پرونده آن و متعلقاتش بسته می‌شود و سپس انسان به دنیای ابدی انتقال می‌یابد. این زیرمؤلفه متشکل از مجموعه‌ای از باورهای کارآمد (برگرفته از روایات) است که با سایه افکندن بر باورها و ایجاد تغییر در آنها، برداشت ما از رویدادها و مسائل مختلف را تغییر می‌دهند و به مقتضای آن، همین امر موجب کنترل غم و کاهش افسردگی

می‌شود. آگاهی از موقتی بودن نعمات دنیوی (مفید، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۲۸)؛ آگاهی از موقتی بودن کسب و فقدان نعمات دنیوی (مفید، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۲۸)؛ آگاهی از مقارنت آسایش و بلا (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۱۷) و آگاهی نسبت به عبور از عوامل شادی و غم (این نیز بگذرد) (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۵۹) مؤلفه‌های تشکیل دهنده این مجموعه هستند. (دو) اجتناب از جلب توجه: این مفهوم به معنای پرهیز از هرگونه رفتار یا گفتاری است که موجب جلب توجه غیر شده و زمینه عجب و خودنمایی فرد را فراهم می‌سازد. طبق روایات، مفهوم اجتناب از جلب توجه، برگرفته شده از دو مضمون است: (۱) دوری از مدح شدن؛ زیرا که روایت صریحاً از شادمانی به وسیله ستایش شدن توسط دیگران را مورد نهی قرار می‌دهد (کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۲۶، ص ۲۶۰)؛ (۲) پرهیز از خودنمایی کردن در جمع (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۱).
* با توجه به اینکه بر اساس متون دینی، زیر مؤلفه «آخرت‌اندیشی»، دو وظیفه افزودن غم سازنده و نیز کاهیدن شادی مرضی را بر عهده دارد، لذا بر ذکر تحلیل آن در بخش «افزاینده غم سازنده»، بسنده کرده و از تکرار مجدد آن، خودداری می‌کنیم.

۴) کاهنده غم مرضی

این مؤلفه به عواملی اشاره دارد که از سویی با ایجاد رابطه محکم با خداوند و از سویی دیگر با کنترل رغبت فرد (به‌ویژه از طریق اجتناب از مقایسه صعودی و افزایش رضایت‌مندی)، کنترل فقر و توسعه روزی، افزایش صبر در برابر مشکلات، استفاده از پوشش نشاط‌آور و تعهد در روابط، غم افسرده‌ساز و مرضی را از وی زدوده و او را به جبران گذشته و تلاش برای آخرت رهنمون می‌کند.

بر اساس متون اسلامی، مؤلفه مفهومی کاهنده غم مرضی دارای زیرمؤلفه‌های «آگاهی از توجه محبوب (خدا)»، «نیایش»، «دوستی با خدا»، «همت برای آخرت»، «جبران گذشته»، «رضایت‌مندی»، «بی‌رغبتی به دنیا»، «اجتناب از مقایسه صعودی»، «سامان‌دهی روزی»، «تاب‌آوری در سختی‌ها»، «پوشش نشاط‌آور» و «تعهد در روابط» می‌باشد که تحلیل محتوای آنها به شرح زیر است:

یک) آگاهی از توجه محبوب (خدا): آگاهی از توجه محبوب، گویای آن است که فرد به خاطر اینکه می‌داند با تحمل غمی که به سبب وقوع حادثه‌ای ناگوار برای وی روی داده و نیز تحمل وضعیت سختی که برای او حاصل شده، می‌تواند مورد توجه و قرب پروردگار قرار گیرد، پس سعی می‌کند بر امور دنیوی، ناراحت و غمگین نگشته و به این وسیله توجه

هرچه بیشتر خداوند را به خود جلب کند. بر اساس روایات، این مؤلفه برگرفته شده از سه مضمون می‌باشد: (۱) آگاهی از محبوبیت تحمل غم به وسیله صبر، برای خداوند (حرانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۱۹)؛ (۲) آگاهی در مورد قرب پروردگار در وضعیت سختی (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴۱)؛ (۳) آگاهی نسبت به مقارنت ناراحتی به خاطر دنیا و خشم بر خدا (مفید، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۲۶).

(دو) نیایش: نیایش به معنای شناخت خداوند، انجام دستورات او و سپس ابراز خواسته‌های خود از وی می‌باشد. مؤلفه نیایش برگرفته شده از مضمون «دعای جمعی» است که براساس روایات (به عنوان نمونه کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۸۷) موجب رفع غم می‌گردد. پرداختن به دعا و نیایش می‌تواند در امر درمان و پیشگیری از اختلالات روانی از جمله افسردگی نیز نقش مؤثری داشته باشند (یحیی زاده جاویدار و لطفی‌گودرزی، ۱۳۹۱).

(سه) دوستی با خداوند: مراد از دوستی با خداوند (اولیاء الله) در قرآن، رسیدن به درجه عالی ایمان و عبودیت می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۹۰)، که وقتی فرد به درجه دوستی با خداوند رسید، به سبب این دوستی، هرگونه ترس و اندوهی از او دور می‌گردد (یونس، ۶۲).

(چهار) همت برای آخرت: همت برای آخرت به معنای سعی و کوشش کردن برای انجام اموری است که موجب تحصیل سعادت و کمال در آخرت می‌شوند. بر اساس روایات، کسی که نگرانی و غم او برای آخرت باشد، غم و نگرانی دنیا از او دور می‌گردد (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۵۷) و همچنین زمینه پیشگیری از افسردگی برای او فراهم می‌شود (فرزندوحی و سهرابیان، ۱۳۹۳).

(پنج) جبران گذشته: این مفهوم به معنای انجام دوباره کارهایی که فرد می‌بایست انجام دهد؛ ولی در آنها اهمال ورزیده و نیز پشیمانی و عدم تکرار کارهایی که نمی‌بایست انجام دهد؛ ولی عمداً یا به صورت غیر عمد مرتکب شده است. بر اساس روایات، یکی از عوامل حسرت شدید انسان، کوتاهی‌هایی می‌باشد که او در گذشته مرتکب شده است (کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۱۷) و تنها راه کنترل این غم و حسرت، جبران گذشته می‌باشد.

(شش) رضایت‌مندی: رضایت‌مندی به معنای احساس خوشی برآمده از آگاهی به یک وضعیت است که با ارضای تمایلات خاص پیوند خورده است (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۱۲). بر اساس روایات، اگر کسی به آنچه خداوند به او عطا کرده است راضی و خوشحال باشد؛ بر آنچه از دستش رفته غمگین نمی‌شود (رضی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۳۶). پس این مفهوم، مؤلفه‌ای برای کنترل غم منفی است.

(هفت) بی‌رغبتی به دنیا: این زیرمؤلفه به معنای آن است که فرد، توجهش از مادیات

به عنوان کمال مطلوب و بالاترین خواسته عبور کرده و متوجه تمایلاتی برتر شود. بر اساس روایات، مؤلفه «بی‌رغبتی به دنیا» برگرفته شده از سه مضمون است: (۱) کنترل رغبت به دنیا؛ زیرا «رغبت و میل به دنیا، غم و ناراحتی را زیاد کرده و زهد نسبت به دنیا، قلب و بدن را آرامش می‌بخشد» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۳)؛ (۲) کنترل آرزوها؛ زیرا از دیدگاه روایات، آرزوهای دور موجب از بین رفتن شادی نعمات و موهبت‌های الهی برای فرد شده و با کوچک شمردن آنها، در آینده حسرت اوهام باطلی را خواهد خورد که در دل می‌پرورانیده است (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۸۵)؛ (۳) تنظیم رغبت‌ها یا به عبارتی دیگر؛ زهد. به فرموده امام علی علیه السلام؛ زهد بین دو کلمه خلاصه می‌شود؛ «این که بر آنچه از دست می‌دهی تاسف و غصه نخوری؛ و نیز بر آنچه به دست می‌آوری شادمان نگردی»^۱ (رضی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۵۳).

هشت) اجتناب از مقایسه صعودی: این زیرمؤلفه گویای آن است که برای کاهش و زدودن اندوه حاصل از چشم داشت به دارایی دیگران، می‌بایست از هرگونه چشم داشت به داشته‌های آنها و مقایسه وضعیت خود با آنان پرهیز کرد (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶)؛ زیرا چشم داشت به اموال و دارایی دیگران نقشی اساسی در بروز و افزایش غم و ناراحتی دارد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰).

* با توجه به اینکه بر اساس متون دینی، چهار زیرمؤلفه «سامان دهی روزی»، «تاب‌آوری در سختی‌ها»، «پوشش نشاط‌آور» و «تعهد در روابط»، دو وظیفه افزودن شادی سازنده و نیز کاهش غم مرضی را بر عهده دارند، لذا بر ذکر تحلیل آنها در بخش افزایش شادی سازنده، بسنده کرده و از تکرار مجدد آنها، خودداری می‌کنیم.

د. روایی محتوای مؤلفه‌های تنظیم هیجان شادی و غم

در این بخش از پژوهش روایی محتوای مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان غم و شادی بر اساس نظر کارشناسان و محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) برای هریک از مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان غم و شادی مورد بررسی قرار گرفت.

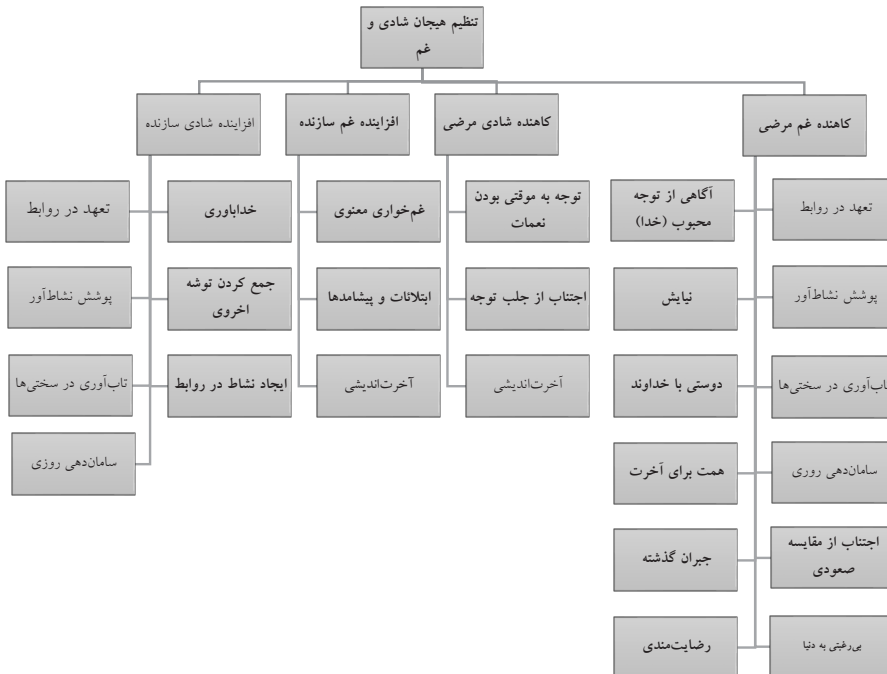
طبق نظر کارشناسان و بر اساس محاسبه شاخص روایی محتوا، CVI برای تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۸۰ است. این میزان شاخص روایی محتوا برای تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۷۸ است که طبق پیشنهاد لین (۱۹۸۶) به نقل از پولیت و بک، (۲۰۰۶) نشان می‌دهد استخراج و استنباط مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان غم و شادی از منابع اسلامی بر

۱. لَيْكَيْلًا تَأْسُوْا عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوْا بِمَا آتَاكُمْ.

اساس داوری کارشناسان این موضوع، معتبر است. میانگین شاخص‌های مؤلفه‌ها نیز ۰/۹۸ و بالاتر از ۰/۷۸ است. این میزان برای شاخص روایی محتوا نشان می‌دهد کل مؤلفه‌ها نسبت به مفهوم تنظیم هیجان غم و شادی، از روایی محتوا برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده در متون دینی نشان داد که هیجان‌های شادی و غم و نیز تنظیم آن دو، به صورت ویژه‌ای مورد اهتمام دین اسلام قرار گرفته است. تحلیل محتوای روایات جمع‌آوری شده مشخص کرد که عوامل متعددی می‌تواند به افزایش یا کاهش این دو هیجان منجر شوند که بر اساس تقسیم‌بندی شادی و غم به سازنده و مثبت و نیز مرضی و منفی، این عوامل به چهار دسته مؤلفه مفهومی «افزاینده شادی سازنده» با هفت زیر مؤلفه، «افزاینده غم سازنده» با سه زیر مؤلفه، «کاهنده شادی مرضی» با سه زیر مؤلفه و «کاهنده غم مرضی» با دوازده زیرمؤلفه تقسیم شدند. شکل ۱، ساختار مؤلفه‌های مفهومی مؤلفه‌های تنظیم هیجان شادی و غم را بر اساس منابع اسلامی نشان می‌دهد.



شکل ۱، ساختار مؤلفه‌های مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم را بر اساس منابع اسلامی

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، باورهای دینی از جمله اعتقاد به مسئله قضا و قدر (عزیزان، ۱۳۸۹)، ایمان به خدا (نساجی زواره، ۱۳۹۲) و همچنین پرداختن به دعا و نیایش، موجب کنترل غم گذشته و در امر درمان و پیشگیری از اختلالات روانی از جمله افسردگی، نقش مؤثری دارند (یحیی‌زاده جاودار و لطفی‌گودرزی، ۱۳۹۱).

یافته‌ها نشان داده‌اند که، پرداختن به دعا و نیایش می‌تواند در امر درمان و پیشگیری از اختلالات روانی از جمله افسردگی نقش مؤثری داشته باشند (یحیی‌زاده جاودار و لطفی‌گودرزی، ۱۳۹۱). از سویی دیگر در مواجهه با امور دنیوی، افراد دارای زندگی پیرپایه و رفاه‌گونه، نگرانی دائمی نسبت به از دست دادن آن داشته و در حفظ آن، دائماً تلاش می‌کنند؛ به همین خاطر، این بی‌پیرایگی و ساده‌زیستی است که بخش عمده این نگرانی و غم‌ها را از بین برده و موجب آسودگی خاطر می‌گردد (زاهدی و کریمی‌درچه، ۱۳۹۱).

در نقطه مقابل افراد دنیاگرا، کسی که رغبت‌های خود را نسبت به دنیا کنترل کرده و تلاش می‌کند رضایت‌مندی را در خویش تقویت نماید؛ این احساس رضایت موجب نشاط و آرامش در وی خواهد شد (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۱۲) که در همین زمینه، ویژگی خویشتن‌داری نیز می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. وقتی انسان، واجد ملکه صبر و حلم شود؛ به مرور زمان از توانمندی روحی و روانی بالاتری برخوردار خواهد شد تا جایی که به تدریج از اضطراب و استرس رها می‌گردد (شیردل و بدرا، ۱۳۹۹) و بدین وسیله کمتر دچار غم و نگرانی شده و شادی او افزایش خواهد.

محدودیت‌های تحقیق

پژوهش حاضر با وجود تلاش برای تدوین مدل مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم بر اساس منابع اسلامی و جبران نقائص موجود در کارهای پیشین؛ با این حال در عین وجود کاستی‌های طبیعی، با محدودیت‌های فنی و پژوهشی نیز مواجه بوده است.

• در بررسی روایی محتوای مدل مفهومی از فرم اطلاعات و نظرسنجی کارشناسان استفاده شد. نظر کارشناسان درباره روایی محتوا، محدود به چیزی است که در فرم ثبت شده است و امکان بحث و گفتگو وجود ندارد.

پیشنهادهای تحقیق

۱. پیشنهاد می‌شود با بررسی دقیق منابع اهل سنت، مبحث تنظیم هیجان شادی و غم، بر اساس روایات موجود در کتب آنها نیز بررسی شود.

۲. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی به منظور بررسی اثربخشی، مداخله‌ای مبتنی بر مدل تنظیم هیجان شادی و غم بر اساس منابع اسلامی انجام شود.

۴. پیشنهاد می‌شود که آزمونی بر اساس مؤلفه‌های مدل مفهومی تنظیم هیجان شادی و غم بر اساس منابع اسلامی، برای سنجش شادی و غم مورد تأیید منابع اسلامی، ساخته شود.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، احمد (۱۳۸۷)، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۳، قم: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵)، *لسان العرب*، ج ۴، بیروت: دارالبیروت.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۳۸۶)، *ترتیب جمهره اللغة*، ج ۱، خراسان رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- انصاری، علیرضا (۱۴۰۰)، *عوامل مؤثر در شادی خانواده‌های مذهبی*، <https://www.hawzahnews.com/news>، ۴۵۱۵۳۸.
- اکبری‌راد، طیبه (۱۴۰۰)، *آثار دنیوی و اخروی ایمان و عمل صالح*، <http://eslahe.com>، ۹۷۴.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۲)، *الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا*، ج ۵، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- ----- (۱۳۹۱)، *رضایت از زندگی*، ج ۱۰، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- ----- (۱۳۸۶)، «درآمدی بر روش‌شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث»، *علوم حدیث*، ۲، ۳-۴، ص ۸۸-۱۰۹.
- ترخان، قاسم (۱۳۸۸)، *نگرشی عرفانی فلسفی و کلامی به: شخصیت و قیام امام حسین علیه السلام*، ج ۱، قم: نشر چلچراغ.
- تمسکی، احمد و اصفهانیان، محمود (۱۳۹۳)، «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه اولیه سلامت هیجانی بر اساس منابع اسلامی»، *صدرا*، دوره ۲، شماره ۱، ص ۱۲۱-۱۴۱.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸)، *تاج اللغة و صحاح العربیه*، ج ۱۱، تهران: امیری.
- جعفر، حسنی و شاهمرادی‌فر، طیبه (۱۳۹۵)، «اثربخشی آموزش نظم‌جویی فرایندی هیجان در دشواری تنظیم هیجان»، *طب نظامی*، ۱، ص ۳۴۶-۳۳۹.
- حرانی، ابومحمد (۱۳۹۳)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*، مترجم: صادق حسن زاده، ج ۱۰، قم: آل‌علی.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، *مفردات الفاظ قرآن*، چ ۳، بیروت: الدارالشامیه.
- رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۵)، *روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی*، چ ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، چ ۳۲، قم: الهادی.
- رکعی، محمد و نصرتی، شعبان (۱۳۹۷)، *میدان‌های معنایی در کاربست قرآنی*، چ ۱، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- زاهدی، عبدالرضا و کریمی درچه، محمد (۱۳۹۱)، «زهد و ساده زیستی و نقش آن در رشد فردی و اجتماعی از منظر آیات و روایات»، *معرفت اخلاقی*، ۲، ۱۴، ۲۳-۴۰.
- سرمد، زهره؛ حجازی، الهه و بازگان‌هرندی، عباس (۱۳۸۰)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چ ۷، تهران: آگه.
- شجاعی، محمد صادق؛ جان بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، «کاربرد نظریه‌های حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۸، ۱۵، ص ۷-۳۸.
- شجاعی، محمدصادق و غروی، سیدمحمد (۱۳۹۷)، *انگیزش و هیجان: نظریه‌های روان‌شناختی و دینی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیردل، زهرا؛ شیردل، وجیهه و بدرا، محمدشتا (۱۳۹۹)، «آثار حلم و بردباری در زندگی فردی و اجتماعی به ابتدای ثقلین»، *دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی*، ص ۱۹-۱.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *الخصال*، چ ۱۱، تهران: کتابچی.
- ----- (۱۳۹۳)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، چ ۱۴، قم: شمیم کوثر.
- طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۲)، *مجمع البحرين*، چ ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمد حسین (۱۳۸۸)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ ۲۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸)، *امالی*، ترجمه: صادق حسن‌زاده، قم: اندیشه هادی.
- طباطبائی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۳)، *منطق فهم حدیث*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- عباسی، محمدمهدی (۱۳۹۷)، *تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمانی لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی در نشانگان افسردگی*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، رشته روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ نشده.
- علی محمدی، کاظم (۱۳۸۸)، «شادکامی و ساخت مقیاس آن از دیدگاه اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ نشده.

- عزیزان، میثم (۱۳۸۹)، «درمان خُزن و باور به قضا و قدر»، *اندیشه و حدیث*، ۸، ۹، ۱۶۰-۱۴۳.
- فقیهی، علینقی؛ غباری بناب، باقر و قاسمی پور، یداله (۱۳۸۶)، «مقایسه الگوی چند وجهی اسلامی با مدل شناختی بک در درمان افسردگی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱ (۱)، ص ۳۵-۴۵.
- فیاض، فاطمه و اخوت، احمد رضا (۱۳۹۷)، *درمانگری افسردگی مبتنی بر قرآن*، چ ۱، قم: قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۳۹۶)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، چ ۱، قم: طلیعه نور.
- فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل (۱۳۶۷)، *العین*، چ ۳، قم: دارالهجره.
- فرزندوحی، جمال و سهرابیان، فاطمه (۱۳۹۳)، «آرزو در اسلام»، *سراج منیر*، ۵، ۱۴، ص ۱۰۷-۹۰.
- فروغی، نعمت‌الله (۱۳۸۱)، «هدیه در سنت و سیره»، *فرهنگ کوثر*، ۲، ۵۴، ص ۱۱۹-۱۱۴.
- کاشانی، فیض (۱۳۸۸)، *الوافی*، چ ۱، قم: دارالتقلین.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)، *اصول کافی*، چ ۱، دارالتقلین: قم.
- کدخدایی الیادارانی، زهره؛ اجیه، تقی و فاضل یگانه، مسعوده (۱۳۹۲)، «بررسی پیامدهای فقر در سلامت روح و روان افراد از دیدگاه امام علی (ع)»، *پژوهشنامه حکمت اهل بیت ﷺ*، ۱، ۱، ص ۴۷-۶۲.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹)، *روش فهم حدیث، مدرسان دانشکده علوم حدیث، دانش حدیث: پژوهش‌های کاربردی در شناخت دانش‌های حدیثی*، چ ۲، قم: جمال.
- مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد (۱۳۹۵)، *الاختصاص*، چ ۳، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ----- (۱۳۸۴)، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، چ ۳، قم: سرور.
- مصطفوی، محمد حسن (۱۳۸۵)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ ۱، تهران: مرکز نشر کتاب.
- نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۹۲)، «نقش آموزه‌های دینی در کاهش اضطراب»، *پاسدار اسلام*، ۳۸۱.
- یحیی زاده جاودار، سلیمان و لطفی گودرزی، فاطمه (۱۳۹۱)، «درمان افسردگی با دعا و نیایش»، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی بابل*، ۱۵، ۱، ص ۹۴-۱۰۰.
- Biswas-Diener, R. & Kashdan, T. (2014), *The upside of your dark side: Why being your wholeself-not just your "good" self-drives success and fulfillment*, New York, NY: Avery Publishing.
- Berges, I. M. , Seale, G. , & Ostir, G. V. (2014), *Positive Affect and Pain Ratings in Persons with Stroke*, Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3063951/>.
- Babbie, E. (2011), *The Basic of Social Research*, USA: Wadsworth, Cengage- Learning.

- Bowlby, J. (1969), Disruption of affectional bonds and its effects on behavior, *Canada's Mental Health Supplement*, 59.
- Cohn, M. A. , Fredrickson, B. L. , Brown, S. L. , Mikels, J. A. , & Conway, A. M. (2009). Happiness unpacked: positive emotions increase life satisfaction by building resilience. *Emotion*, 9(3), 361
- Carver, C. S. (2014), "Negative affects deriving from the behavioral approach system", *Emotion*, 4(1), 3.
- Drisko, J. W. , & Maschi, T. (2016), *Content analysis, Pocket Guides to Social Work R.*
- Fredrickson, B. L. (2004), *The broaden-and-build theory of positive emotions*, Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC>.
- Freud, S. (1959), *Inhibitions, symptoms, anxiety* (A. Strachey, Trans. And J. Strachey, Ed.), New York: Norton, Original work published 1926.
- Gross, J. J. (1988), "The emerging field of emotion regulation: An integrative review", *Review of general psychology*, 2(3), 271-299.
- Gross JJ, editor (2007), *Handbook of emotion regulation*, New York, NY: Guilford.
- Hoseini, E. S. , Rahmati, R. , Shaghaghi, F. , Beigi, M. , & MohebbiDehnavi, Z. (2020), "The relationship between hope and happiness with prenatal care", *Journal of Education and Health Promotion*, 9.
- Izard, C. E. (2009), "Emotion theory and research: Highlights, unanswered questions, and emerging issues", *Annual Review of Psychology*, 60, 25-1.
- James, W. (1980), "The perception of reality", *Principles of psychology*, 2, 283-324.
- Kondori Fard, N. , Keikhaei, A. , Rahdar, M. , & Rezaee, N. (2020), "The Effect of Hope Therapy-based Training on the Happiness of Women with Breast Cancer: A Quasi-experimental Study", *Medical-Surgical Nursing Journal*, 9(4).

- Lazarus, R. S. (1966), *Psychological stress and the coping process*.
- Lyons, J. (1977), *Semantics*: Volume 1.
- Mischel, W. , Shoda, Y. , & Rodriguez, M. I. (1989), “Delay of gratification in children”, *Science*, 244(4907), 933-938.
- Polit, D. F. , & Beck, C. T. (2006). The content validity index: are you sure you know what’s being reported? Critique and recommendations. *Research in nursing & health*, 29(5), 489-497.
- Schwarz, N. , & Clore, G. L. (1996), “Feelings and phenomenal experiences”, *Social psychology: Handbook of basic principles*, 2, 385-407.
- Thompson, R. A. (1994), “Emotion regulation: A theme in search of definition”, *Monographs of the society for research in child development*, 59(3-2), 25-52.
- VandenBos, G. R. (2007), *APA Dictionary of Psychology*, Washington, DC: American Psychological Association.

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (ص ۴۹-۷۱)

سازه کمال گرایی نسبت به همسر با رویکرد نظریه زمینه‌ای: یک مطالعه کیفی

The structure of perfectionism towards the spouse with a grounded theory approach: a qualitative study

مجتبی فرهوش / دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه قرآن و روان شناسی، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
محمد فرهوش / دکتری روان شناسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
مجتبی حافظی / دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روان شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
امیر اکبیا / دانش آموخته کارشناسی ارشد روان شناسی موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

Mojtaba Farhoush / PHD student of Psychology, Quran and Psychology Department, ALMustafa International University, Qom, Iran.

mojtaba.farhoush@gmail.com

Mohammad Farhou sh / PHD in psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran.

Mojtaba Hafezi / PHD student of psychology, Department of Psychology, reserch institute of Hawzah and University, qom, Iran.

Amir Ekbia / Master of Arts in Positive Psychology, The Academic Institute of Ethics and Education, Qom, Iran.

Abstract

perfectionism has dimensions. One dimension is perfectionism towards the spouse, which plays an important role in marital conflicts. The purpose of this study was to present the structure and components of perfectionism towards the spouse in order to provide a suitable platform for research in this field. in this study, the method of interviewing individuals was used to collect data and the underlying theory approach was used to analyze the data. For this purpose, first, by purposeful sampling method, among the clients of counseling centers, people who had low marital satisfaction and perfectionism at the discretion of

چکیده

کمال گرایی افراطی ابعادی دارد. یک بعد آن، کمال گرایی افراطی نسبت به همسر است که نقش بسزایی در تعارضات زناشویی دارد. هدف این پژوهش، ارائه سازه و مؤلفه های کمال گرایی افراطی نسبت به همسر بود تا بستر مناسبی برای پژوهش ها در این حیطه فراهم کند. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها از روش مصاحبه با افراد و برای تحلیل داده ها از رویکرد نظریه زمینه ای استفاده شد. بدین منظور ابتدا با روش نمونه گیری هدفمند از میان مراجعین مراکز مشاوره، افرادی که به تشخیص مشاور خانواده، رضایت زناشویی پایین و کمال گرایی افراطی بالایی داشتند، انتخاب

the family counselor were selected and interviewed. The interviews continued until data saturation was achieved, and finally 34 people were interviewed. The data were then coded and analyzed using the underlying theory approach. The research findings showed that the structure of perfectionism towards the spouse has three main components and ten sub-components: 1) Self-centeredness: high expectations from the spouse, domination of the spouse, lack of differentiation from the spouse. 2) Inflexibility: inability to forgive, lack of attention to spouse's thoughts and feelings, problems with the spouse's family. 3) Negativity towards the spouse: Cognitive distortions towards the spouse, emotional sensitivity and irritability, sensitivity to details, work and social problems. The findings of this study showed that the structure of perfectionism towards the spouse is different from the structure of individual perfectionism and has provided a suitable basis for compiling the scale and package of adjustment perfectionism towards the spouse.

Keyword: perfectionism, perfectionism towards spouse, self-centeredness, inflexibility, negativity towards spouse.

و مصاحبه شدند. مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع داده‌ها ادامه یافت و در نهایت با ۳۴ نفر مصاحبه شد. سپس داده‌ها با رویکرد نظریه زمینه‌ای کدگذاری و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر، دارای سه مؤلفه اصلی و ده ریزمؤلفه است: (۱) خودمحوری: انتظارات بالا از همسر، سلطه‌جویی نسبت به همسر، عدم تمایز یافتگی از همسر. (۲) عدم انعطاف‌پذیری: ناتوانی در بخشش، عدم توجه به افکار و احساسات همسر، مشکل با خانواده همسر. (۳) منفی‌نگری نسبت به همسر: تحریف‌های شناختی نسبت به همسر، حساسیت عاطفی و زودرنجی، حساسیت افراطی به جزئیات، خلق منفی ناشی از مشکلات شغلی و اجتماعی. یافته‌های این پژوهش نشان داد سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر از سازه کمال‌گرایی فردی متمایز است و بستر مناسبی برای تدوین مقیاس و بسته تعدیل کمال‌گرایی نسبت به همسر فراهم کرده است.

کلید واژه‌ها: کمال‌گرایی افراطی، کمال‌گرایی افراطی نسبت به همسر، خودمحوری، عدم انعطاف‌پذیری، منفی‌نگری نسبت به همسر.

مقدمه

در آموزه‌های اسلامی، بنیان خانواده اهمیت زیادی دارد. در قرآن کریم پیمان زناشویی، موجب رحمت در بین زن و شوهر معرفی شده است^۱ (سوره روم، آیه ۲۱). در روایات تشکیل

۱. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.

خانواده از سنت‌های پیامبر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰) و به عنوان کامل شدن نصف دین^۲ (همان، ص ۲۱۹) بیان شده است. خانواده زیربنایی‌ترین و مهم‌ترین نهاد جامعه است. تأثیر خانواده بر تعادل، رشد و شکوفایی افراد جامعه بسیار بالاست. اگرچه خانواده مهم‌ترین نهاد برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی آدمی است اما در بسیاری از موارد نظام خانواده دچار مشکلات و چالش‌های اساسی می‌شود و حتی گاهی انسجام و یکپارچگی آن به خطر می‌افتد (زارع خفزی، ۱۳۹۶).

یکی از چالش‌های مهم در خانواده بروز اختلاف‌ها و تعارضات زناشویی^۳ می‌باشد. تعارض به موازات روابط نزدیک در ارتباط زناشویی به وجود می‌آید، هنگامی که خواسته‌های فرد با خواسته‌های همسرش تداخل پیدا می‌کند (موسوی، ۱۳۹۶). تعارض بین اعضای خانواده به وحدت و یکپارچگی آن ضربه می‌زند. شدت تعارض موجب بروز نفاق، پرخاشگری، ستیزه‌جویی، سرانجام فرسایش و زوال خانواده می‌گردد (اپستین و باکوم^۴، ۱۹۹۳).

یکی از متغیرهایی که می‌تواند در تعارضات زناشویی تأثیرگذار باشد، کمال‌گرایی افراطی^۵ است (می، هازان و زکریا^۶، ۲۰۱۵؛ گلبابایی، ۱۳۹۶ و فو، حسن، طالب و زکریا^۷، ۲۰۱۷). کمال‌گرایی از جمله سازه‌هایی است که مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان به‌ویژه پرلز^۸، الیس^۹، بندورا^{۱۰} و راجرز^{۱۱} قرار گرفته است (کورران و هیل^{۱۲}، ۲۰۱۹). هر کدام از این پژوهشگران به مقتضای دیدگاه خود از کمال‌گرایی تعریفی ارائه داده‌اند. با این وجود، اکثر محققان به این توافق رسیده‌اند که معیارهای بسیار بالا برای عملکرد بدون توجه به توانایی‌ها و

۱. قَالَ ﷺ: النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَخْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي الْبَاقِي.

3. Marital conflict.

4. Epstein, N., & Baucom, D. H.

5. Perfectionism.

6. Mee, F. F., Hazan, S. A., & Zakaria, N., S.

7. Foo, F. M., Hassan, S. A., Talib, M. A., & Zakaria, N. S.

8. Perls, P.

9. Elis, A.

10. Bandura, A.

11. Rogers, R.

12. Curran, T., & Hill, A. P.

امکانات موجود، شاخص اساسی کمال‌گرایی است (استوبر، ۲۰۱۷). کمال‌گرایی افراطی مکانیزم‌هایی از جمله تعیین معیارهای افراطی و ایجاد قوانین انعطاف‌ناپذیر برای عملکرد و ارزیابی مکرر عملکرد، سوگیری‌های شناختی همچون منفی‌نگر و بالابردن افراطی معیارها در مورد دستاوردها دارد (وانگ و لی^۲، ۲۰۱۷). در جمع‌بندی می‌توان گفت کمال‌گرایی سه جنبه اصلی دارد: ۱) معیارهای دشوار و سرزنش خود (۲) تلاش شدید برای رسیدن به معیارهای دشوار با وجود پیامدهای منفی (۳) تعیین ارزش خود بر اساس معیارهای بالا (شافران، اگان و وید، ۱۳۹۷، ص ۲۱).

سازه کمال‌گرایی از چهار دهه قبل تاکنون چه به لحاظ بالینی و چه به لحاظ روان‌شناسی شخصیت توجه گسترده‌ای را به خود معطوف داشته است و لذا پژوهش در زمینه کمال‌گرایی نیز روند روبه‌رشدی داشته است (کورران و هیل، ۲۰۱۹). مطالعات نشان داده که کمال‌گرایی افراطی موجب می‌شود افراد استانداردهای بالایی برای خود و اطرافیان تعیین و پیگیری کنند و توقعات زیادی از اطرافیان داشته باشند (می و دیگران، ۲۰۱۵). در جامعه امروز به دلایل متعددی سطح انتظارات و توقعات افراد از زندگی زناشویی و خانوادگی بالا رفته است، در نتیجه مشکلات و تعارض‌های خانوادگی و زناشویی افزایش چشم‌گیری یافته‌اند و شواهد فراوانی نشان می‌دهند که کمال‌گرایی موجب شده است افراد برای برقراری، حفظ روابط صمیمی و دوستانه در خانواده به مشکلات شدیدی دچارند (ژائو، ژانگ و فولی^۳، ۲۰۱۹).

کمال‌گرایی افراطی در عرصه روابط زناشویی موجب می‌شود همسران ویژگی‌های خاصی را از همسرشان انتظار داشته باشند و روابط خود را با معیارهای سخت‌گیرانه ارزیابی کنند (گل‌پرور و ستایش منش، ۱۳۹۳). فاصله با نقطه ایده‌آل موجب می‌شود که فرد دچار خُلق منفی و سرزنش کردن نسبت به همسر شود. کمال‌گرایان می‌خواهند همه جنبه‌های زندگی بی‌عیب و نقص باشد (گروگان^۴ و همکاران، ۲۰۲۱) و چنین نگرشی تعارض زناشویی را افزایش می‌دهد. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که مهم‌ترین شاخص برای کمال‌گرایی نسبت به همسر، معیارهای عالی، انتظارات بالا برای عملکرد و رفتار همسر است. برخی از نظریه‌پردازان به نوعی به کمال‌گرایی نسبت به همسر توجه داشته‌اند. به عنوان نمونه در

1. Stoeber, J.

2. Wang, H., & Li, J.

3. Zhao, K., Zhang, M., & Foley, S.

4. Grugan, M. C.

نظریه هیل و همکاران (۲۰۰۴)، یکی از مؤلفه‌های کمال‌گرایی، استانداردها و انتظارات بالا از دیگران است. همچنین هویت و فلت (۱۹۹۱) نشان دادند که کمال‌گرایی از سه بعد جداگانه تشکیل شده است: کمال‌گرایی خودمحور^۱ (شامل تمایل به انجام رفتارهای کمال‌گرایانه، مطابق با استانداردهای بالای وضع شده توسط خود فرد)، کمال‌گرایی دیگرمحور^۲ (شامل در نظر داشتن توقعات و انتظارات بالا در مورد توانایی‌های دیگران) و کمال‌گرایی جامعه‌محور^۳ (شامل تلاش برای رسیدن به استانداردها و انتظارات تجویز شده از جانب دیگران).

در ارزیابی نظریه هویت و فلت می‌توان گفت این تقسیم‌بندی انسجام لازم را ندارد. در تقسیم‌بندی بایستی معیار تقسیم‌بندی یکسان باشد، اما در تقسیم‌بندی ایشان، در کمال‌گرایی خودمحور، منشأ کمال‌گرایی انتظارات خود فرد است، در کمال‌گرایی دیگرمحور، انتظارات بالای فرد از دیگران است و در کمال‌گرایی جامعه‌محور، منشأ کمال‌گرایی انتظارات جامعه است. بنابراین بین منشأ کمال‌گرایی و حیطة کمال‌گرایی خلط شده است. به نظر می‌رسد به لحاظ حیطة کمال‌گرایی ابعاد کمال‌گرایی را می‌توان این‌طور مطرح کرد: (۱) کمال‌گرایی نسبت به خود، (۲) کمال‌گرایی نسبت به نزدیکان مخصوصاً همسر، (۳) کمال‌گرایی نسبت به دیگران. به لحاظ منشأ کمال‌گرایی، کمال‌گرایی می‌تواند سه نوع باشد: (۱) خودمحور: خود فرد انتظارات بسیار بالایی از خودش دارد. (۲) خانواده‌محور: پدر و مادر با سخت‌گیری‌هایشان و پذیرش مشروط فرد، کمال‌گرایی را در فرد ایجاد می‌کنند. (۳) جامعه‌محور: جامعه معیارها و استانداردهای بسیار بالا را به فرد تحمیل می‌کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت در نظریات کمال‌گرایی، بر کمال‌گرایی نسبت به خود تمرکز بوده است و کمال‌گرایی نسبت به دیگران به عنوان یک مؤلفه در کنار مؤلفه‌های دیگر مطرح بوده است. درحالی‌که کمال‌گرایی نسبت به همسر می‌تواند به عنوان یک سازه مستقل مطرح شود. در کمال‌گرایی نسبت به خود، تأکید بر انتظارات از خود است اما در کمال‌گرایی نسبت به همسر یک رابطه صمیمی مطرح است و تأکید بر انتظارات نسبت به همسر است. بنابراین هدف این پژوهش تدوین سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر و مؤلفه‌های آن است.

1. Self-oriented perfectionism.

2. Other-oriented perfectionism.

3. Socially prescribed perfectionism.

روش پژوهش

به منظور تدوین مؤلفه‌های سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر، از روش کیفی استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ و برای تحلیل داده‌ها از رویکرد نظریه زمینه‌ای^۲ استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، افراد متأهلی بودند که دچار کمال‌گرایی افراطی و نارضایتی نسبت به همسر بودند. انتخاب شرکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند^۳ بود. از میان مراجعین به چهار مرکز از مراکز مشاوره شهر قم، افرادی که به تشخیص مشاور خانواده، رضایت زناشویی پایین و کمال‌گرایی بالایی داشتند، انتخاب و به شرکت در این پژوهش دعوت شدند. پژوهشگر پس از کسب رضایت، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با آنان انجام شد. پس از هر ۵ مصاحبه، داده‌ها تجزیه و تحلیل می‌شد و با توجه به یافته‌ها، ساختار فرم مصاحبه جهت دستیابی به اطلاعات جدید اصلاح می‌شد. همچنین در جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه از دو گروه کانونی^۴ استفاده شد. پویایی فرم مصاحبه و امکان استفاده از گروه کانونی از ویژگی‌های روش نظریه زمینه‌ای است (کوربین و استراوس^۵، ۲۰۱۴).

تعداد شرکت‌کنندگان مورد مصاحبه براساس اصل اشباع^۶ در نظر گرفته شد (آلدیابات و ناوینس^۷، ۲۰۱۸). اشباع نظری به وضعیتی اشاره می‌کند که هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را گسترش دهد (گلیسر و استراوس^۸، ۱۹۶۷). بر طبق این اصل، هنگامی که پژوهشگر به این نتیجه برسد که مصاحبه‌ها، داده‌های جدیدی فراهم نمی‌کنند، مصاحبه‌ها را متوقف می‌کند. داده‌های این پژوهش در مصاحبه بیست و نهم، به اشباع رسید و مصاحبه‌ها با نفر سی و چهارم به پایان رسید. شرکت‌کنندگان ۹ زن و ۲۵ مرد، در سنین ۲۲ تا ۳۸ سال بودند.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ها و تدوین مؤلفه‌های سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر، از رویکرد نظریه زمینه‌ای استفاده شد. نظریه زمینه‌ای یک روش پژوهش

1. Semi structure interview.

2. Grounded theory.

3. Purposive sampling.

4. Focus group.

5. Corbin, J., Strauss, A.

6. Saturation.

7. Aldiabat, K. & Navenec, L.

8. Glaser, B. & Strauss, A.

استقرایی^۱ است که با جمع‌آوری منظم داده‌ها و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای آنها، یک فرایند یا سازه روان‌شناختی را تبیین می‌کند (گلیسر و استراوس، ۲۰۱۷). در نظریه زمینه‌ای به منظور تدوین مؤلفه‌ها از طریق سه مرحله کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴ تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شده است (گلیسر، و استراوس، ۱۹۶۷). در مرحله کدگذاری باز، پس از خواندن متن مصاحبه‌ها، جمله‌های اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی ثبت گردید. کدهای باز بدون در نظر گرفتن روابط تلقی می‌شوند که ارزیابی ذهنی فرد از پدیده‌هاست (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در مرحله کدگذاری محوری، کدهای اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه شدند. موارد مشابه و مرتبط به هم ادغام و سپس برای هر کدام عناوین مناسب انتخاب گردید. پاتون^۵ (۱۹۸۷) این طبقات را دسته‌های همگن از درون و ناهمگن با دیگر طبقات می‌داند که در حقیقت اصل جامعیت و مانعیت در آنها رعایت شده است. در نهایت در مرحله سوم و کدگذاری انتخابی رابطه میان محورها مشخص می‌شود. در این پژوهش ۳ مقوله محوری و اساسی به دست آمد.

قابلیت اعتماد^۶ در پژوهش کیفی معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است. قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش در نظریه زمینه‌ای براساس تأیید گروهی از افراد مورد مطالعه به دست می‌آید (گلیسر و استراوس، ۲۰۱۷). در این پژوهش نیز برای دستیابی به معیار قابلیت اعتماد از روش اعتباریابی توسط اعضا^۷ استفاده شد و از ۵ نفر از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا مؤلفه‌های کمال‌گرایی نسبت به همسر را ارزیابی کنند و نظرشان را ابراز کنند و نظرات ایشان لحاظ شد.

سوالات مصاحبه کیفی که در این پژوهش به کار رفت عبارتند از: به نظر شما کمال‌گرایی نسبت به همسر یعنی چه؟ چه مقدار از زندگی و همسر خودتان راضی هستی؟ همسر ایده‌آل شما چه ویژگی‌هایی دارد؟ دو ویژگی مثبت و دو ویژگی منفی از خانمت را بیان کنید. آیا از کارهای روزمره همسرتان راضی هستید؟ توضیح دهید. در چه زمینه‌ای از عملکرد همسر خود راضی

1. Inductive.
2. Open Coding.
3. Axial Coding.
4. Selective Coding.
5. Patton, M.Q.
6. Trustworthiness.
7. Member check.

نیستید؟ چه مقدار از خانواده همسرت راضی هستی؟ خانواده همسر ایده‌آل شما چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا از همسران زیاد ناراحت می‌شوید؟ معمولاً سر چه مسائلی از خانمت ناراحت می‌شوید؟ چه کارهای همسر شما منجر به خشم شما می‌شود؟ آیا وقتی همسران اشتباهی می‌کند به راحتی می‌توانید ببخشید؟ چرا؟ آیا اشتباه گذشته همسران را می‌توانید فراموش کنید؟ بهترین کار همسر، برای شما رضایت‌بخش است یا نه؟ آیا همسران از معیارهایی که برای او در نظر گرفته‌اید می‌تواند برآورده کند؟ آیا دوست دارید که همسران عین آن طوری که شما می‌خواهید کارها را انجام دهد؟ و الا چه احساسی دارید؟ آیا اطرافیان به خصوص همسر به شما می‌گویند در جزئیات خیلی توجه دارید؟ آیا همسران فرد منظمی هست؟ آیا کارهای همسران را چک می‌کنید؟ آیا به نظر شما همسر شما در استفاده از فضای مجازی افراط می‌کند؟

یافته‌های پژوهش

نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری در جدول زیر آمده است:

جدول ۱- نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری

ردیف	مؤلفه	شاخصه‌ها
۱	خودمحوری	خودخواهی، خودشیفتگی، تأکید بر نیازهای خود، انتظار امتیازات یک طرفه، خودمحوری و بی‌اعتنایی به احساسات همسر. «همسرم بایستی به خانواده‌ام احترام بگذارد». «خانم بایستی برای خواهرم وقت بگذارد».
۲	انتظارات بالا از همسر	استانداردهای بالا و غیرقابل انعطاف و غیرواقع‌بینانه نسبت به همسر، توقعات بالا از همسر، سخت‌گیری نسبت به همسر، سخت‌گیری در کارها، انتظار بالا در وظایف همسر که به طور کامل و بدون هیچ اشتباه انجام دهد، اهداف دور از دسترس، کلی و مبهم نسبت به همسر. «همسرم بدون اجازه من، مسواکم را شسته است». «خانم دیدش غذا درست نکرده بود، بسیار عصبانی شدم».
۳	سلطه جویی نسبت به همسر	میل به کنترل افراطی همسر، سرزنش و امر و نهی همسر، نگرانی و تلاش افراطی برای جلوگیری از خطا و اشتباه همسر، نگرانی درباره ارزیابی دیگران نسبت به همسر، نگرانی نسبت به عملکرد همسر، خشم و پرخاشگری نسبت به همسر، با ایده‌ها همسر را تحت فشار قرار می‌دهد و موجب نگرانی و ناراحتی همسرش می‌شود. «بایستی مدام به همسرم یادآوری کنم تا کارهایش را انجام دهد». «گاهی روزانه بیش از ۷۰ بار به همسرم تذکر می‌دهم». «همسرم هراتفاقی که در خانه می‌افتد، به شدت نگران واکنش من می‌شود و تا هنگامی که خانه بیایم، استرس زیادی را تجربه می‌کند».

۴	عدم تمایز یافتگی از همسر	عدم تمایز نقش‌ها در خانواده، عدم تمایز حیطه اختیارات در خانواده، مرزهای نامشخص، احساس بی‌ارزشی به خاطر رفتارهای همسر و نقاط ضعف او، اشتباه همسرش را اشتباه خود می‌داند، احساس می‌کند رفتارهای اشتباه همسرش، آبروی او را می‌برد. «آبرویم در مهمانی رفت چون لیوان چای را هرت کشید».
۵	عدم انعطاف‌پذیری	در هدف‌گذاری نسبت به همسر از کلمه «باید» استفاده می‌کنند و انعطاف ندارند، اهمیت دادن افراطی به قوانین و مقررات در منزل و عدم انعطاف نسبت به آنها، نتیجه‌گرایی و توجه افراطی به نتیجه کارهای همسر، محدودیت‌های همسر و سعی و تلاش او را لحاظ نمی‌کند. «من از قبل برنامه‌ریزی کردم، نمی‌توانم به خاطر خواسته همسر، برنامه‌ام را تغییر دهم.» «همسر دو سال است که قول داده، ماشین بخرد، اما هنوز نخریده است» «۵ سال است که ازدواج کردیم و شوهرم کارشناسی داشت، هنوز دکتری قبول نشده است».
۶	ناتوانی در بخشش	عدم بخشش خطای همسر، ناتوانی در فراموشی اشتباهات گذشته همسر، یک اشتباه همسر، مانند یک گناه بزرگ و نابخشودنی است، نشخوار فکری، تعمیم افراطی خطای همسر. «اینکه همسر بدون اجازه من مادرش را دعوت کرد، نمی‌توانم فراموش کنم و ببخشم».
۷	عدم توجه به افکار و احساسات همسر	همدلی پایین نسبت به همسر، عدم توجه به اختلاف‌های شخصیتی، جنسیتی، فرهنگی و معنوی با همسر، عدم تحمل اختلاف سلیقه با همسر، به آسانی دچار خشم و پرخاشگری نسبت به همسر می‌شوند. «وقتی به منزل می‌آیم خسته هستم، حوصله بچه‌ها را ندارم اما همسر دوست دارد برای بچه‌ها وقت بگذارم».
۸	مشکل با خانواده همسر	انتظارات بالا از خانواده همسر، حساسیت و زودرنجی نسبت به خانواده همسر، عدم بخشش خانواده همسر، عدم انعطاف‌پذیری در مواجهه با خانواده همسر. «به خاطر اعتیاد پدرخانم به تریاک، نمی‌خواهم با آنان رفت‌وآمد کنم.» «همسر حق ندارد با خانواده‌اش ارتباط بگیرد، چون تأثیر منفی بر زندگی من می‌گذارد.» «پدر خانم را به خاطر رفتاری که سال پیش انجام داد، نمی‌بخشم.» «حتی اگر مادرخانم بمیرد، نمی‌گذارم، دخترش را ببیند.» «تلفن همراه خانم را گرفتم، تلفن خانه را قطع کردم، تا نتواند با خانواده‌اش ارتباط بگیرد.» «نمی‌توانم خانواده شوهرم را ببخشم.» «خانواده همسر در شأن من نیستند.» «خانواده همسر مرا فریب دادند و از ابتدا تمام واقعیت‌ها را نگفتند و مخفی کردند».
۹	منفی‌نگری نسبت به همسر	نارضایتی از زندگی زناشویی، فاصله زیاد بین همسر واقعی و همسر ایده‌آل (خیالی)، توجه افراطی به نقاط ضعف و عیب‌های همسر، مقایسه منفی همسر با دیگران، بی‌اعتنایی به نقاط مثبت همسر، توجه انتخابی به نقاط ضعف همسر، استناد خصمانه، احساس شکست در ازدواج، ناامیدی نسبت به آینده، طرحواره‌های منفی نسبت به همسر، منفی‌نگری نسبت به کارهای همسر، تفسیر منفی کارهای همسر، عدم اطمینان به همسر، ناتوانی در تفویض کارهای مهم به همسر. «امیدی به اصلاح زندگی من ندارم، به نظرم بایستی طلاق بگیریم».

توجه افراطی به نقاط ضعف و عیب‌های همسر، بی‌اعتنایی به نقاط مثبت همسر، توجه انتخابی به نقاط ضعف همسر، تحریف‌های شناختی مانند تفکر همه یا هیچ نسبت به همسر. «همسر من همیشه غذا را شور و چرپ پخت می‌کند»، «همسر من هیچ‌گاه مرا دوست نداشته است».	تحریف‌های شناختی نسبت به همسر	۱۰
حساس و زودرنج نسبت به همسر، نقد شخصیت همسر، در صورت خطای همسر، او را به شدت سرزنش می‌کند، خشم و پرخاشگری نسبت به همسر، به طور افراطی درباره همسر و رفتارش فکر می‌کنند و مدام از همسرش ایراد می‌گیرند و او را سرزنش می‌کند. با مسئله کوچکی، ناراحت می‌شود.	حساسیت عاطفی و زودرنجی	۱۱
توجه افراطی به نظم و جزئیات، جزئی‌نگری و سخت‌گیری در انجام کارهای همسر، چک کردن چندباره کارهای همسر و نگرانی شدید درباره خطای احتمالی. «خانمم خانه را درست تمییز نمی‌کند»، «همسر من بایستی بسیار منظم باشد».	حساسیت افراطی به جزئیات	۱۲
بیکاری، عدم احساس معنا و هدفمندی در زندگی، فقدان تلاش و پشتکار در حیطه کاری و تحصیلی، ساعات زیادی از شبانه‌روز را در منزل بودن.	خلق منفی ناشی از مشکلات شغلی و اجتماعی.	۱۳

پس از کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی انجام شد، بر اساس یافته‌ها، مؤلفه‌های کمال‌گرایی نسبت به همسر عبارتند از:

خودمحوری: انتظارات بالا از همسر، سلطه‌جویی نسبت به همسر، عدم تمایزیافتگی از همسر.

عدم انعطاف‌پذیری: ناتوانی در بخشش، عدم توجه به افکار و احساسات همسر، مشکل با خانواده همسر.

منفی‌نگری نسبت به همسر: تحریف‌های شناختی نسبت به همسر، حساسیت عاطفی و زودرنجی، حساسیت افراطی به جزئیات، خلق منفی ناشی از مشکلات شغلی و اجتماعی. در ادامه هر یک از مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌ها تبیین می‌شود:

مؤلفه اول، خودمحوری یعنی فرد دچار خودخواهی است و به خواسته‌های خود توجه افراطی دارد. معتقد است دیگران بایستی در خدمت او و خواسته‌های او باشند. در تعاملاتش با دیگران به دنبال امتیازات یک طرفه است و در مقابل محبت دیگران، به آنها امتیازی نمی‌دهد. خودمحوری موجب مشکلات در روابط بین فردی می‌شود و به مرور افراد از او فاصله می‌گیرند (مؤمنی و رادمهر، ۱۳۹۷). آسیب‌های خودمحوری در تعامل با نزدیکان مخصوصاً همسر، بیشتر آشکار می‌شود. چنین فردی معتقد است که «همسر من بایستی به

خانواده‌ام احترام بگذارد.» «خانمم بایستی برای خواهرم وقت بگذارد». پژوهش‌هایی نشان داده است که خودمحوری در مردان کمال‌گرا بیش از زنان کمال‌گراست (بشارت و کاشانکی، ۱۳۹۶). خودمحوری به احساس صمیمیت، تعهد، و وفاداری بین زوجین آسیب جدی می‌زند و منجر به طلاق عاطفی و بحران‌های جدی می‌شود. فرد خودمحور به گونه‌ای عمل می‌کند که گویی فقط حرف او درست است و دنبال تأمین نیازها و خواسته‌های خویش است و به نظرات همسرش توجهی ندارد (ترخان و احمدی لاشکی، ۱۳۹۳). فرد خودمحور مقداری خودشیفتگی دارد و انتظار دارد که همسرش خردمندی او را تشخیص داده و همواره دستورات او را بپذیرد. چنین فردی با همسرش همدلی نمی‌کند. حتی در محبت و عشقشان نوعی خودخواهی وجود دارد و فداکاری را کمتر ابراز می‌کنند (کمپبل و فاستر، ۲۰۰۲). این افراد در خانه، مشکلات عمیق‌تری را تجربه می‌کنند. این مؤلفه سه ریزمؤلفه دارد: انتظارات بالا از همسر، سلطه‌جویی نسبت به همسر، عدم تمایز یافتگی از همسر.

انتظارات بالا از همسر: به معنای داشتن استانداردهای بالا، غیرقابل انعطاف و غیرواقع‌بینانه نسبت به همسر است. چنین فردی توقعات زیادی از همسرش دارد و نسبت به او سخت‌گیری می‌کند. به آسانی از همسرش انتقاد می‌کند و در انجام کارها، معیارهای بالایی را در نظر می‌گیرد. انتظار دارد که همسرش کارها را به‌طور کامل و بدون هیچ نقص و اشتباهی انجام دهد. درحالی‌که انتظارات و اهداف دور از دسترس، کلی و مبهم برای همسرش دارد، احساس می‌کند همسرش هیچ پیشرفتی ندارد. مثال: «بارها گفته‌ام که همسرم بدون اجازه‌ام وسایلم را جابه‌جا نکند اما همسرم بدون اجازه من، مسواکم را شسته است». در نظام آفرینش، خانواده، کانون آرامش است (روم، ۲۱). اما انتظارات بالا همسران از یکدیگر مانع آرامش زوجین می‌شود. انتظارات بالا موجب ناکامی و ناکامی موجب احساس نارضایتی می‌شود. برای مثال، فرد انتظار دارد همیشه مورد احترام و محبت همسرش باشد، در نتیجه از کوچک‌ترین بی‌اعتنایی همسرش به شدت ناراحت می‌شود. امام صادق علیه السلام: «هر کس همواره انتظار داشته باشد که دوستش او را بر خود مقدم بدارد و به او نیکی کند، ناراحت خواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۸۰).

سلطه‌جویی نسبت به همسر: به معنای میل به کنترل افراطی همسر است. افراد سلطه‌جو موجب رنج خود و اطرافیان‌شان می‌شوند. از آنجا که بسیاری از رفتارهای اطرافیان

مطابق میل آنان نیست، خودشان رنج می‌کشند و از آنجا که مدام به امر و نهی دیگران می‌پردازند موجب رنج اطرافیان می‌شوند. چون همسر رابطه نزدیک‌تری با این فرد دارد، ناراحتی و رنج بیشتری را تجربه می‌کند. در نتیجه سلطه‌جویی موجب سردی رابطه بین زوجین می‌شود. فرد کنترل‌گر بر این باور است که با نظارت دقیق بر رفتارهای همسر می‌تواند او را به انجام آنچه خود می‌خواهد مجبور کند و او را مطابق با الگو ذهنی خود شکل دهد. همسر او ممکن است برای مدت کوتاهی نظارت و کنترل شدید را بپذیرد و رفتار مورد نظر را انجام دهد، اما به مرور دچار فرسودگی می‌شود و به دنبال رهایی از این فشار، تعارضات آغاز می‌شود.

چنین فردی به شدت درباره عملکرد و اشتباه احتمالی همسرش نگران است. همچنین درباره ارزیابی دیگران نسبت به همسرش نگران است. از این رو مدام همسرش را سرزنش و امر و نهی می‌کند و با بایدها همسرش را تحت فشار قرار می‌دهد. بسیاری اوقات از رفتار همسرش خشمگین می‌شود و پرخاشگری رابطه‌ای، کلامی یا فیزیکی انجام می‌دهد و موجب نگرانی و ناراحتی همسرش می‌شود. برخی از دیدگاه‌های همسر عبارتند از: «همسرم هراتفاقی که در خانه می‌افتد، به شدت نگران واکنش من می‌شود و تا هنگامی که خانه بیایم، استرس زیادی را تجربه می‌کند». دیدگاه‌های ایشان: «بایستی مدام به همسرم یادآوری کنم تا کارهایش را انجام دهد»، «گاهی روزانه بیش از ۷۰ بار به همسرم تذکر می‌دهم».

عدم تمایز یافتگی از همسر؛ یعنی فرد همسرش را بخشی از خودش می‌داند. در نتیجه به خاطر رفتارهای اشتباه همسر و نقاط ضعف او، احساس بی‌ارزشی می‌کند. متناسب با نقش همسر، اختیارات را به او تفویض نمی‌کند. اشتباه همسرش را اشتباه خود می‌داند، احساس می‌کند رفتارهای اشتباه همسرش، آبروی او را می‌برد. در مقابل تمایز یافتگی شامل درک خود به عنوان یک شخصیت مستقل، در ضمن توانایی فرد برای باقی ماندن در ارتباط با دیگری است. به عبارتی تمایز یافتگی یعنی توانایی حفظ استقلال در عین حفظ ارتباط با دیگران (بلیاد، ناهیدپور، آزادی و یادگاری، ۱۳۹۳).

بوئن^۱ (۱۹۷۸) معتقد است که در رابطه زناشویی هر گاه سطح تمایز یافتگی پایین باشد، سطح انتظارات افزایش می‌یابد و این حالت منجر به کاهش رضایت زناشویی می‌شود. تمایز یافتگی یک جزء جدایی‌ناپذیر از توانایی فرد برای رشد صمیمیت است و سطح

1. Bowen, M.

تمایز یافتگی با سطح رضایت زناشویی مرتبط است (کاظمیان مقدم، مهرابی‌زاده هنرمنده، کیامنش و حسینیان، ۱۳۹۵).

مؤلفه دوم عدم انعطاف‌پذیری است یعنی فرد در مقابل احساسات و خواسته‌های همسرش انعطاف ندارد. در هدف‌گذاری نسبت به همسر از کلمه «باید» استفاده می‌کند. به قوانین و مقررات در رابطه زوجی اهمیت افراطی می‌دهد. قوانین سخت در منزل تعیین می‌کند و نسبت به این قوانین انعطاف ندارد. توجه افراطی به نتیجه کارهای همسر دارد و محدودیت‌های همسر، سعی و تلاش او را لحاظ نمی‌کند. برخی دیدگاه‌های او عبارتند از: «من از قبل برنامه‌ریزی کردم، نمی‌توانم به خاطر خواسته همسر، برنامه‌ام را تغییر دهم.»، «همسر دو سال است که قول داده، ماشین بخرد، اما هنوز نخریده است.»، «۵ سال است که ازدواج کردیم و شوهرم کارشناسی داشت، هنوز دکتری قبول نشده است.» این مؤلفه سه ریزمؤلفه دارد: ناتوانی در بخشش، عدم توجه به افکار و احساسات همسر، مشکل با خانواده همسر.

ناتوانی در بخشش؛ یعنی فرد نمی‌تواند اشتباهات همسرش را به آسانی فراموش کند و ببخشد. هنگامی که مشکلی در رابطه با همسرش اتفاق می‌افتد، بسیاری از مشکلات گذشته به یادش می‌آید و دچار نشخوار فکری می‌شود. خطای همسرش را تعمیم‌دهی افراطی می‌کند و اشتباه همسر را مانند یک گناه بزرگ و نابخشودنی می‌داند.

عدم توجه به افکار و احساسات همسر؛ یعنی فرد به افکار و احساسات و نیازهای همسرش توجه نمی‌کند و تنها به نیازهای خود توجه دارد. چنین فردی توانایی همکاری و همدلی با همسرش را ندارد. معمولاً اختلاف سلیقه با همسرش را تحمل نمی‌کند. همچنین به اختلاف‌های شخصیتی، جنسیتی، فرهنگی و معنوی با همسرش توجه نمی‌کند. در نتیجه به آسانی دچار خشم و پرخاشگری نسبت به همسر می‌شود.

مشکل با خانواده همسر؛ یعنی فرد بسیاری از ویژگی‌ها و رفتارهای خانواده همسرش را نمی‌پسندد و درباره آن با همسرش بحث می‌کند. همچنین در رابطه با خانواده همسرش مشکلاتی را تجربه می‌کند. مانند: «به خاطر اعتیاد پدرخانم به تریاک، نمی‌خواهم با آنان رفت‌وآمد کنیم.» «همسر حق ندارد با خانواده‌اش ارتباط بگیرد، چون تأثیر منفی بر زندگی‌مان می‌گذارد.» «پدر خانم برا به خاطر رفتاری که سال پیش انجام داد، نمی‌بخشم.» «حتی اگر مادرخانم بمیرد، نمی‌گذارم، دخترش را ببیند.» «تلفن همراه خانم را گرفتم، تلفن خانه را قطع کردم، تا نتواند با خانواده‌اش ارتباط بگیرد.» «نمی‌توانم خانواده شوهرم را

ببخشم». «خانواده همسر در شأن من نیستند». «خانواده همسر مرا فریب دادند و از ابتدا تمام واقعیت‌ها را نگفتند و مخفی کردند».

مؤلفه سوم منفی‌نگری نسبت به همسر است یعنی فرد نقاط ضعف همسرش را بیش از نقاط مثبت او توجه می‌کند. همسرش را با دیگران مقایسه می‌کند. این مقایسه از نوع منفی است، در نتیجه احساس نارضایتی از زندگی زناشویی دارد و احساس شکست در ازدواج دارد. منفی‌نگری موجب توجه افراطی به نقاط ضعف و عیب‌های همسر و بی‌اعتنایی به نقاط مثبت او می‌شود. فرد نوعی توجه انتخابی به نقاط ضعف همسرش دارد. منفی‌نگری موجب ناامیدی نسبت به آینده، و ایجاد و تقویت طرحواره‌های منفی نسبت به همسر می‌شود. منفی‌نگری موجب تفسیر منفی کارهای همسر و در نتیجه عدم اطمینان به همسر در انجام کارها می‌شود. در نتیجه فرد کارهای مهم را به همسرش تفویض نمی‌کند و می‌خواهد تمام کارها را خودش انجام دهد. به واسطه منفی‌نگری به مرور فرد ناامید می‌شود و از همسرش فاصله می‌گیرد و حتی گاهی برای طلاق اقدام می‌کند. این مؤلفه چهار ریزمؤلفه دارد که عبارتند از: تحریف‌های شناختی نسبت به همسر، حساسیت عاطفی و زودرنجی، حساسیت افراطی به جزئیات، خلق منفی ناشی از مشکلات شغلی و اجتماعی.

تحریف‌های شناختی نسبت به همسر؛ افراد کمال‌گرا دچار برخی تحریف‌های شناختی هستند، در نتیجه در مشکلات خانوادگی، احساسات منفی شدیدی را تجربه می‌کنند. در واقع تحریف شناختی موجب ارزیابی و تفسیر منفی رویدادها می‌شود و در نتیجه احساسات منفی شدیدی را تجربه می‌کنند (شاکرمی، زهراکار و محسن‌زاده، ۱۳۹۳). تحریف‌های شناختی، عادات فکری نادرست هستند که موجب تفسیر واقعیت به شکل منفی و فاجعه‌آمیز می‌شوند. این تحریف‌ها عبارتند از: تعمیم‌دهی افراطی، تفکر همه یا هیچ، فیلتر ذهنی، فاجعه‌سازی، پیش‌برآورد تهدید، برچسب‌زنی کلی، مسئولیت‌پذیری افراطی، ذهن‌خوانی، پیشگویی منفی و استدلال هیجانی (مک‌کی و فنینگ^۱، ۱۳۸۹، ص ۸۵).

تحریف‌های شناختی چگونه ایجاد می‌شوند؟ می‌توان گفت هیجانات منفی وقتی شدید باشند باعث خطا در ارزیابی می‌شود. و تکرار خطا در ارزیابی باعث تحریف شناختی می‌شود. تحریف شناختی نیز باعث تشدید هیجانات منفی می‌شود. در ادامه تحریف‌های شناختی نسبت به همسر می‌آید:

1. Mckay, M., & Fanning, P.

تعمیم‌دهی افراطی^۱: یک ضعف یا خطای جزئی همسرش را بزرگ، کلی، همیشگی و عمیق و درونی می‌بیند. تعمیم‌دهی افراطی دو گونه است: تعمیم مشکل به ابعاد مختلف، تعمیم مشکل به لحاظ زمانی. فرد دچار تعمیم‌دهی افراطی اگر همسرش دچار اشتباهی شود و وسیله‌ای از دستش بیفتد، با خود می‌گوید: «همسرم بسیار ناتوان است، اکثر اوقات وسایل از دستش می‌افتد و می‌شکند و کلا دست‌وپاچلفتی است، همسرم هیچ نقطه قوتی ندارد و در آینده نیز همیشه اشتباه می‌کند».

چنین فردی با یک اشتباه همسرش، بسیاری از اشتباهات گذشته همسرش را به یاد می‌آورد و درباره آینده نیز ناامید است.

تفکر همه یا هیچ^۲: در تفکر همه یا هیچ، فرد همه چیز را به شکل مطلق و به صورت سیاه و سفید می‌بیند، بدون اینکه حد وسطی قائل شود، مشخصه این نوع طرز تفکر به کار بردن عبارات‌های مطلق‌انگارانه‌ای چون «همیشه»، «هرگز» و «تا ابد» است. چنین فردی معیارهای بیش از حد افراطی برای ارزیابی همسرش دارد. همسرش را به صورت سیاه و سفید ارزیابی می‌کند. اگر در رفتارهای همسرش مشکلی باشد، بسیار ناراحت می‌شود. چنین فردی تصور می‌کند باید همسرش کامل باشد، در غیر اینصورت بی‌ارزش است.

تفکر همه یا هیچ به این معناست که هیچ جایی برای عملکرد متوسط بین این دو مقوله شکست خوردن یا دستیابی به یک معیار وجود ندارد. این خطا شناختی در کمال‌گرایی نسبت به همسر، هم نسبت به اصل همسر (کلا یا همسر خوبی هست یا همسر بدی) هم نسبت به یک رفتار همسر می‌باشد؛ به طور مثال این کارت کلا خوب نبود در حالی که هم نکات مثبت و هم نکات منفی داشته است.

فیلتر ذهنی^۳: فرد با توجه افراطی به ضعف‌ها و خطاهای همسرش تمرکز می‌کند، به جنبه‌های منفی همسرش توجه انتخابی دارد و جنبه‌های مثبت او را نادیده می‌گیرد. افراد کمال‌گرا، منتقدان حرفه‌ای هستند. مدام از همسرشان و عملکردش انتقاد می‌کنند. معمولاً رویکرد سلبی و منفی دارند، یعنی فقط ایراد می‌گیرند.

فاجعه‌سازی^۴: فرد یک ضعف یا خطای کوچک همسرش را، گناه نابخشودنی و بزرگ ارزیابی می‌کند.

1. Overgeneralization.

2. Polarized thinking.

3. Filtering.

4. Catastrophizing.

بیش برآورد تهدید^۱: فرد احتمال وقوع خطا در رفتار همسرش را محتمل‌تر از آنچه واقعا هست، پیش‌بینی می‌کند.

برچسب‌زنی کلی^۲: در برچسب‌زنی کلی، فرد برای توصیف همسرش، از برچسب‌های بسیار انتقادی استفاده می‌کند. فرد تفکر انتقادی شدید درباره همسرش دارد و به جای اینکه بین رفتارها و صفات و شخصیت همسرش تفکیک کند، با یک خطای کوچک، شخصیت همسرش را نقد می‌کند. در نتیجه به مرور همسرش از او فاصله می‌گیرد و احساس تنهایی می‌کند.

مسئولیت‌پذیری افراطی^۳: در مسئولیت‌پذیری افراطی، فرد تصور می‌کند که همه چیز به او ربط دارد و مسئولیت کامل همه کس و همه چیز بر عهده اوست، فرد احساس می‌کند که مسئول تمام رفتارهای همسرش است و اگر همسرش رفتار اشتباهی داشته باشد، آبروی او می‌رود. قادر به انجام هرکاری هست، در نتیجه تلاش می‌کند که همه جنبه‌های هر موقعیتی را کنترل کند. از این رو احساس گناه افراطی دارد و احساس بی‌ارزشی می‌کند.

ذهن خوانی^۴: در ذهن خوانی فرد از رفتار همسرش، درباره عقائد و احساسات او قضاوت می‌کند، مثلا تصور می‌کند که همسرش او را دوست ندارند یا از او عصبانی است و به او اهمیت نمی‌دهد، بدون اینکه برای صحیح بودن تصورات خود شواهدی منطقی داشته باشد. مثال: «همسر امروز به من تلفن نزد، بنابراین مرا دوست ندارد و برایش مهم نیستم».

افکار پیش‌گویانه^۵: در پیش‌گویی منفی، فرد، آینده با همسرش را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند.

استدلال هیجانی^۶: در استدلال هیجانی، فرد به واسطه هیجانات منفی دچار خطای شناختی می‌شود، مثلا هنگامی که ناراحت است همسرش را فردی بی‌فایده می‌داند.

حساسیت عاطفی و زودرنجی؛ یعنی فرد نسبت به رفتارهای همسرش حساس و زودرنج است. اگر همسرش رفتار اشتباه کوچکی انجام دهد، مدام شخصیت همسرش را

1. Threat prediction.

2. Global labeling.

3. Personalization.

4. Mind Reading.

5. Predictive thinking.

6. Emotional Reasoning.

نقد می‌کند و او را به شدت سرزنش می‌کند. حتی گاهی خشمگین می‌شود و پرخاشگری می‌کند. این فرد معمولاً انتظارات زیادی از همسرش دارد و به‌طور افراطی درباره همسر و رفتارش فکر می‌کند و با مسئله کوچکی، به شدت ناراحت می‌شود. حساسیت و زودرنجی نوعی تحریک‌پذیری شدید است. فرد بیشتر از سایرین تحت تأثیر رویدادها و جریان‌ات زندگی قرار می‌گیرد و دچار هیجان‌ات منفی می‌شود. چنین فردی به آسانی دچار افکار و احساسات منفی می‌شود.

حساسیت افراطی به جزئیات؛ یعنی فرد در کارهای همسرش به جزئیات توجه افراطی دارد. نوعی سخت‌گیری و جزئی‌نگری در ارزیابی عملکرد همسرش دارد و مدام کارهای او را چک می‌کند و خطاهای او را تذکر می‌دهد. این فرد معمولاً نظم افراطی در کارها دارد و درباره خطای احتمالی همسرش نگران است. برخی دیدگاه‌ها: «خانم خانه را درست تمییز نمی‌کند.»، «همسرم بایستی بسیار منظم باشد».

خلق منفی ناشی از مشکلات شغلی و اجتماعی؛ شامل فقدان احساس معنا و هدفمندی در زندگی، و فقدان تلاش و پشتکار در حیطه کاری و تحصیلی، می‌شود. اگر این فرد مرد باشد، بیکار است و ساعات زیادی از شبانه‌روز را در منزل است. بیکاری و خلق منفی موجب می‌شود در بسیاری از کارهای همسرش دقت کند و مدام او را امر و نهی کند.

از یافته‌های پژوهش، ابعاد و حیطه‌های کمال‌گرایی نسبت به همسر بود، نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی

ردیف	ابعاد	شاخصه‌ها
۱	نقش‌ها و مسئولیت‌ها در خانواده	نگرانی درباره کارها و وظایف خانمش مانند مرتب کردن خانه، شستن ظروف، نگرانی درباره درآمد اقتصادی و جایگاه اجتماعی شوهر، تمرکز بر دستیابی به هدف ایده‌آل معین شده برای همسر، انتظارات بالا در مسائل مالی (ساده‌زیستی برای زن و خرج کردن و ... برای مرد). «شوهرم بایستی قاضی شود.»، «شوهرم بایستی معلم شود و درآمد داشته باشد.»، «خانم خانه را خوب مرتب نمی‌کند.»
۲	محبت و احترام و صمیمیت	انتظار بالا درباره محبت کردن و اختصاص وقت نسبت به خود فرد، انتظار توجه و صرف وقت از همسر. «همسرم فقط به فکر درس خواندن است و برای من وقت نمی‌گذارد.»، «همسرم صبح تا شب کار می‌کند و به من توجهی ندارد.»

۳	رابطه با خانواده‌ها	نگرانی درباره کمیت و کیفیت روابط همسر با خانواده فرد، نگرانی درباره رابطه زیاد همسر با خانواده‌اش، انتظارات بالا از خانواده همسر، بی‌اعتنایی و بی‌احترامی و قطع روابط نسبت به خانواده همسر. «همسرم بایستی به خانواده‌ام احترام بگذارد»، «شوهرم خیلی برای مادر و پدرش وقت می‌گذارد»، «وقتی همسرم با مادرش تلفنی صحبت می‌کند، خیلی ناراحت می‌شوم.»
۴	روابط جنسی و زیبایی همسر	انتظارات بالا در زمینه زیبایی و قد و قامت همسر، سرزنش همسر به خاطر لباس هایش، انتظارات بالا درباره آراستگی همسر، انتظارات بالا در رابطه جنسی. «کف پای خانمم مانند سنگ پاست»، «شوهرم خیلی لاغر است»، «شوهرم چهارشانه نیست»، «موی پیشانی خانمم زیاد است»، «از همان ابتدا، از ظاهر همسرم بدم می‌آید»، «به نظرم همسرم خیلی چاق و زشت است»، «خانمم استخوان درشت است و بدم می‌آید»، «از رابطه جنسی با همسرم لذت نمی‌برم،» «هیچ وقت از رابطه جنسی با همسرم لذت نبردم.»
۵	تربیت فرزندان	انتظار بالا درباره تربیت فرزندان. «همسرم برای بچه‌ها وقت نمی‌گذارد»، «خانمم درباره رشد اجتماعی بچه‌ها دغدغه ندارد و آنها را رها کرده است»، «اکثر مشکلاتی که بچه‌هایم دارند، چون خانمم برای آنها وقت نمی‌گذارد.»
۶	ارتباط همسر با غیرهمجنس	نگرانی افراطی درباره ارتباط همسر با نامحرم حتی محارم. «خواهر شوهرم، جلوی همسرم تی شرت می‌پوشد و رعایت نمی‌کند»، «خانمم، در جلوی باجنابم، با صدای بلند می‌خندد»، «در محیط کار شوهرم، خانم‌های مطلقه هستند، بایستی همسرم شغلش را عوض کند»، «همسرم با دختر عمه‌اش راحت است و او به اسم کوچک شوهرم را صدا می‌زند. شوهرم بیست سال از او کوچکتر است»، «دختر خاله‌های شوهرم خیلی زیباتر از من هستند و من نگران هستم که شوهرم مرا دوست نداشته باشد»، «وقتی با شوهرم به بازار می‌روم، شوهرم حواسش به خانم‌های دیگر است.»
۷	فضای مجازی	فرد احساس می‌کند که همسرش در فضای مجازی زیاد وقت می‌گذارد و وقتی کمی برای او و فرزندانشان باقی می‌ماند. گاهی درباره رابطه با غیرهمجنس در فضای مجازی نگران است. «خانمم مدام در اینترنت است»، «همسرم همیشه حواسش به گوشی تلفن همراهش است و برای ما وقت نمی‌گذارد.»

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ابعاد کمال‌گرایی نسبت به همسر عبارتند از: نقش‌ها و مسئولیت‌ها در خانواده، محبت و احترام و صمیمیت، رابطه با خانواده‌ها، روابط جنسی، تربیت فرزندان، ارتباط همسر با غیرهمجنس، فضای مجازی.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر، دارای سه مؤلفه اصلی و ده ریزمؤلفه است: (۱) خودمحوری: انتظارات بالا از همسر، سلطه‌جویی نسبت به همسر، عدم تمایز یافتگی از همسر. (۲) عدم انعطاف‌پذیری: ناتوانی در بخشش، عدم توجه به افکار و احساسات همسر، مشکل با خانواده همسر. (۳) منفی‌نگری نسبت به همسر: تحریف‌های شناختی نسبت به همسر، حساسیت عاطفی و زودرنجی، حساسیت افراطی به جزئیات، خلق منفی ناشی از مشکلات شغلی و اجتماعی.

یافته‌های این پژوهش از جهاتی با برخی پژوهش‌های پیشین هم‌سو می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر در این مؤلفه‌ها، هم‌سو با مدل سه بعدی هویت و فلت (۱۹۹۱) در مؤلفه‌های انتظارات بالا، تحریف‌های شناختی، منفی‌نگری و حساسیت عاطفی و زودرنجی؛ هم‌سو با مدل هیل و همکاران (۲۰۰۴) در مؤلفه‌های انتظارات بالا، حساسیت افراطی در جزئیات و حساسیت عاطفی در زودرنجی؛ هم‌سو با یافته‌های اگان و همکاران (۱۳۹۵) در مؤلفه‌های خودمحوری، انتظارات بالا، عدم انعطاف‌پذیری، منفی‌نگری، حساسیت افراطی به جزئیات و حساسیت عاطفی و زودرنجی؛ هم‌سو با یافته‌های مدل شافران و همکاران (۱۳۹۷) در مؤلفه‌های عدم انعطاف‌پذیری، انتظارات بالا، تحریف‌های شناختی و منفی‌نگری می‌باشد.

اما برخی از مؤلفه‌ها در سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر از سازه کمال‌گرایی فردی متمایز است. زیرا در کمال‌گرایی نسبت به خود، تأکید بر انتظارات از خود است اما در کمال‌گرایی نسبت به همسر یک رابطه صمیمی مطرح است و تأکید بر انتظارات نسبت به همسر است. مؤلفه‌های متمایز عبارتند از: سلطه‌جویی نسبت به همسر، عدم تمایز یافتگی از همسر، ناتوانی در بخشش، عدم توجه به افکار و احساسات همسر، مشکل با خانواده همسر، خلق منفی ناشی از مشکلات شغلی و اجتماعی.

هدف این پژوهش تدوین سازه کمال‌گرایی نسبت به همسر و مؤلفه‌های ساختاری آن بود و بایستی در پژوهش دیگری مدل و مؤلفه‌های فرایندی آن طراحی شود. با این وجود شواهدی برای نوع رابطه بین مؤلفه‌ها وجود دارد. به نظر می‌رسد مؤلفه خودمحوری موجب منفی‌نگری نسبت به همسر و در نتیجه عدم انعطاف‌پذیری نسبت به همسر می‌شود. در هر مؤلفه نیز رابطه‌ای بین ریزمؤلفه‌ها مشاهده می‌شود. در مؤلفه اول عدم تمایز یافتگی از همسر موجب انتظارات بالا از همسر و در نتیجه سلطه‌جویی نسبت به همسر می‌شود. در

مؤلفه دوم عدم توجه به افکار و احساسات همسر موجب مشکل با خانواده همسر و ناتوانی در بخشش می‌شود. در مؤلفه سوم تحریف‌های شناختی نسبت به همسر و خلق منفی ناشی از مشکلات شغلی و اجتماعی موجب حساسیت افراطی به جزئیات و حساسیت عاطفی و زودرنجی می‌شود.

نتایج این پژوهش، چهارچوب نظری جدیدی برای کمال‌گرایی نسبت به همسر پیشنهاد می‌کند. پیشنهاد می‌شود که با استفاده از یافته‌های این پژوهش، در پژوهش‌های بعدی مقیاس کمال‌گرایی نسبت به همسر و تدوین بسته آموزشی تعدیل کمال‌گرایی نسبت به همسر ارائه شود.

منابع

- قرآن کریم.
- بشارت، محمدعلی و کاشانکی، حامد (۱۳۹۶)، ابعاد کمال‌گرایی و مشکلات بین شخصی: تفاوت‌های جنسیتی، *رویش روان‌شناسی*، دوره ۶، شماره ۲۱، ص ۷۳-۹۲.
- بلیاد، محمدرضا؛ ناهیدپور، خانم فرزانه؛ آزادی، خانم شهذخت و یادگاری، خانم هاجر (۱۳۹۳)، نقش خانواده اصلی در تمایز خود و تعارضات زناشویی، *نشریه روان‌پرستاری*، دوره ۲، شماره ۲، ص ۸۱-۹۱.
- ترخان، مرتضی و احمدی لاشکی، قاسم (۱۳۹۳)، رابطه بین سوگیری شناختی متمرکز بر خود و مسئولیت‌پذیری با سازگاری اجتماعی زنان، *شناخت اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۵، ص ۹۷-۱۰۸.
- روستا، جعفر (۱۳۹۶)، *پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تیپ‌های شخصیتی (درون‌گرا و بیرون‌گرا) و کمال‌گرایی در دانشجویان متأهل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- زارع خفری، الخاص (۱۳۹۶)، *رابطه کمال‌گرایی و اعتماد زناشویی با تعارضات زناشویی در زوجین شهر شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- زرگر، یدالله؛ مردانی، مریم و مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۹۱)، اثربخشی مداخله شناختی-رفتاری بر کمال‌گرایی و احساس گناه در دانشجویان، *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، شماره ۴، ص ۷۱-۸۵.
- شافران، رز؛ اگان، سارا و وید، تریسی (۲۰۱۰)، *غلبه بر کمال‌خواهی*، ترجمه سارا کمالی و فروغ ادریسی (۱۳۹۷)، تهران: ارجمند.
- شاکرمی، محمد؛ زهراکار، کیانوش و محسن زاده، فرشاد (۱۳۹۳)، بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه بین تحریف‌های شناختی بین فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی، *پژوهش در*

سلامت روان شناختی، دوره ۸، شماره ۱۸، ۵۴-۶۳.

- صادقی، جهانگیر (۱۳۹۳)، بررسی رابطه کمال‌گرایی، هوش هیجانی با عزت نفس و خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرنده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- کاظمیان مقدم، کبری؛ مهرایی زاده هنرمند، مهناز؛ کیامنش، علیرضا و حسینیان سیمین (۱۳۹۵)، نقش تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی، *روان‌شناسی خانواده*، دوره ۲، شماره ۳، ص ۷۱-۸۲.
- گل‌بابایی، خدیجه (۱۳۹۶)، بررسی اثر آموزش غلبه بر کمال‌گرایی منفی بر رضایت زناشویی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س).
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *البحار الانوار* (ط-بیروت)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مک‌کی، ماتیو و فنینگ، پاتریک (۲۰۰۶)، *رشد و افزایش عزت نفس*، ترجمه مهناز شهرآرای (۱۳۸۹)، تهران: نشر آسیم.
- موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۶)، ابعاد کیفیت زناشویی: بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های مؤلفه‌های تعامل و شیوه‌های حل تعارض، *مشاوره کاربردی*، دوره ۷، شماره ۱، ص ۸۱-۱۰۰.
- مؤمنی، خدامراد؛ و رادمهر، فرناز (۱۳۹۷)، ارزیابی کارآیی طرحواره درمانی هیجانی بر سوگیری تفسیر (تفسیر مربوط به خود، تفسیر مربوط به دیگران) در مبتلایان به اختلال اضطراب فراگیر، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، دوره ۸، شماره ۳۲، ص ۴۹-۶۵.

- Aldiabat, K. M. , & Navenec, L. (2018), Data Saturation: The Mysterious Step In Grounded Theory Method. *The Qualitative Report*, 23(1), 245-61.
- Campbell, W. K. , & Foster, C. A. (2002), Narcissism and commitment in romantic relationships: An investment model analysis, *Personality and social psychology bulletin*, 28(4), 484-495.
- Corbin, J. , Strauss, A. , & Strauss, A. L. (2014), *Basics of qualitative research: Sage*.
- Curran, T. , & Hill, A. P. (2019), Perfectionism is increasing over time: A meta-analysis of birth cohort differences from 1989 to 2016, *Psychological Bulletin*, 145(4), 410.

- Epstein, N. , Baucom, D. H. , & Rankin, L. A. (1993), Treatment of marital conflict: A cognitive-behavioral approach, *Clinical psychology review*, 13(1), 45-57.
- Foo, F. M. , Hassan, S. A. , Talib, M. A. , & Zakaria, N. S. (2017), Perfectionism and Marital Satisfaction among Graduate Students: A Multigroup Invariance Analysis by Counseling Help-seeking Attitudes, *Polish Psychological Bulletin*, 48(2), 301-306.
- Glaser, B. G. , & Strauss, A. L. (2017), *Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research: Routledge*.
- Glaser, Barney, G. , & Strauss, Anselm, L. (1967), The constant comparative method of qualitative analysis, The discovery of grounded theory: *Strategies for qualitative research*, 101, 158.
- Grugan, M. C. , Hill, A. P. , Madigan, D. J. , Donachie, T. C. , Olsson, L. F. , & Etherson, M. E. (2021), Perfectionism in Academically Gifted Students: A Systematic Review, *Educational Psychology Review*, 1-43.
- Hewitt, P. L. , Flett, G. L. , Turnbull-Donovan, W. , & Mikail, S. F. (1991), The Multidimensional Perfectionism Scale: Reliability, validity, and psychometric properties in psychiatric samples, *Psychological Assessment: A Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 3(3), 464.
- Hill, R. W. , Huelsman, T. J. , Furr, R. M. , Kibler, J. , Vicente, B. B. , & Kennedy, C. (2004), A new measure of perfectionism: The Perfectionism Inventory, *Journal of Personal Assessments*, 82(1):80-91.
- McKay, D. , & Mancusi, L. (2016), Treatment of Perfectionism in Childhood Obsessive-Compulsive Disorder, *In Clinical Handbook of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 185-195.
- Mee, F. F. , Hazan, S. A. , Baba, M. , Talib, M. A. , & Zakaria, N. S. (2015), Relationship between Perfectionism and Marital Satisfaction among Graduate Students, *International Journal of Education and Research*, 3(8).

- Patton, Michael Quinn. (1987), *How to use qualitative methods in evaluation*. Sage.
- Stoeber, J. (2017), The psychology of perfectionism: An introduction, *In The Psychology of Perfectionism*, 17-30.
- Wang, H. , & Li, J. (2017), Positive perfectionism, negative perfectionism, and emotional eating: The mediating role of stress, *Eating behaviors*, 26, 45-49.
- Zhao, K. , Zhang, M. , & Foley, S. (2019), Testing two mechanisms linking work-to-family conflict to individual consequences: do gender and gender role orientation make a difference?, *The International Journal of Human Resource Management*, 30(6), 988-1009.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (ص ۷۳-۹۱)

جرم و اختلالات شخصیت: از منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی

Crime and personality disorders: from the perspective of jurisprudence, law and psychology

مصطفی عرب پور/ دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
علی بیات/ دانشجوی دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Mostafa Arabpour /PhD student of psychology, Department of Psychology, reserch institute of Hawzah and University, qom, Iran.
m.arabpoor.ir@gmail.com

Ali Bayat / Field and University Research Institute.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between crime and personality disorders from the perspective of jurisprudence, law and psychology. To answer this problem, two descriptive-analytical methods and a quantitative correlation method were used. This research has two textual and statistical communities. In examining the relationship between crime and personality disorders from three perspectives of jurisprudence, law and psychology, the textual community included specialized texts of each of these three sciences, of which some theories were explained as examples. The statistical population was the prisoners of Karaj city, from which 66 prisoners were selected as a sample by available sampling method. Participants completed the Millon Clinical Multivariate Test (MCMI-3). Findings in the section of description and qualitative analysis showed that the rules of jurisprudence and, consequently, law, have been set in accordance with human reality and psychological conditions, and this issue has been considered in religious sources,

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه جرم با اختلالات شخصیت از منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی بود. برای پاسخ به این مسئله از دو روش توصیفی-تحلیلی و روش کمی هم‌بستگی استفاده شد. این تحقیق دارای دو جامعه متنی و آماری است. در بررسی رابطه جرم و اختلالات شخصیت از سه منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی از جامعه متنی شامل متون تخصصی هر یک از این سه دانش بود که از این میان، برخی نظریه‌ها به عنوان نمونه تبیین شد. جامعه آماری آن زندانیان شهر کرج بودند که از این میان به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۶۶ زندانی به عنوان نمونه انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان آزمون چندمحوری بالینی میلون (MCMI-3) را تکمیل کردند. یافته‌ها در بخش توصیف و تحلیل کیفی نشان داد احکام فقهی و به تبع آن حقوقی، متناسب با واقعیت انسان و شرایط روحی-روانی وضع گردیده است و این موضوع در منابع دینی مورد توجه واقع گردیده است که این بررسی شاهد بر این موضوع است.

which this study is evidence of this issue. In addition, the findings in the quantitative section on the relationship between crime and personality disorders from a psychological perspective showed that there is a significant relationship between the four personality disorders borderline, antisocial, harassing and paranoid with crime.

Keyword: Crime, personality disorders, jurisprudence, law, psychology.

علاوه بر این، یافته‌ها در بخش کمی و در زمینه رابطه میان جرم و اختلالات شخصیت از دیدگاه روان‌شناسی نشان داد میان ۴ اختلال شخصیت مرزی، ضداجتماعی، آزارگر و پارانوئید با ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: جرم، اختلالات شخصیت، فقه، حقوق، روان‌شناسی

مقدمه

جوامع شاهد ارتکاب جرائمی مانند قتل، آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه، و تجاوز به عنف هستند که اجرای مجازات‌های شدید و سنگین نه تنها تأثیری در پیشگیری از وقوع این نوع از جرائم نداشته، بلکه شاهد شیوع چنین جرایمی در سطحی گسترده‌تر بوده‌ایم (ستوده و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۷). تعریف‌های متعددی از جرم بر اساس رشته‌های مختلف علمی مرتبط با بزهکاری به عمل آمد تا بتواند راهکاری مناسب و تأثیرگذار در زمینه جلوگیری از ارتکاب جرم ارائه دهد. حقوق دانان با توجه به آنچه در قوانین کیفری تصریح گردیده است اکتفا می‌کنند؛ جامعه‌شناسان با بررسی موضوع‌های اجتماعی و جرم‌شناسان بر مبنای اصول جرم‌شناسی به تعریف جرم پرداخته‌اند، بر اساس ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۳ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن جرم تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شد (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ص ۶۲)؛ بعد از اعمال برخی اصلاحات و تغییرات در قانون مجازات مصوب ۱۳۷۳ و متعاقب آن تصویب قانون مجازات جدید در سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار تصریح نمود: به هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم می‌گویند؛ با این تعریف جرم عملی است که نظم عمومی در جامعه را مختل می‌کند و به این دلیل برای آن مجازات تعیین شده است. رفتار جنایی که با جرم و بزه مترادف است، کنشی ارادی محسوب می‌شود و به این دلیل که خود را در موقعیت فرض شده، مجاز به ارتکاب آن می‌داند، از شخص سر می‌زند. به عبارت دیگر، رفتاری که با هنجارها و ارزش‌های متداول جامعه مغایرت دارد جرم نامیده می‌شود (گسن^۱، به نقل از ستوده و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۵۵).

1. Gossin.

در طول تاریخ، موضوع‌های مرتبط با جرم فکر بشر را به خود مشغول داشته و غالب واکنش مردم در برابر مجرم و ارتکاب جرم به صورت مجازات‌هایی شدید و بی‌رحمانه بوده است؛ با گذشت قرن‌ها مکتب کلاسیک، تئوری «اراده آزاد» را مطرح کرد بدین معنا که اراده آزاد مجرم سبب رفتار ضد اجتماعی او شده است، مطابق این نظریه، مجرم مرتکب جرم می‌شود چون اراده خودش او را به ارتکاب جرم وا می‌دارد (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۲۲). این نظریه، عقیده مردم مبنی بر لزوم تلافی عینی و انتقام و تحمیل مجازات‌های سنگین تقویت می‌کرد، هرچند پیروان مکتب کلاسیک، مبتلایان به جنون و اطفال را که فاقد اراده و مسئولیت بودند از مجازات معاف دانسته اما شخصیت مجرم را به کلی نادیده گرفته و هیچ‌گونه تفاوتی میان افراد ناقص‌العقل و شخص سالم قائل نبودند. در اواخر قرن ۱۸ سزار بکاریا به شدت علیه مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی که به مجرمین تحمیل می‌شد انتقاد کرد (پارسا، ۱۳۷۴، ص ۹۴). این در حالی است که شرع مقدس اسلام در قرن ششم میلادی مسئولیت شخص مجرم آن‌هم به شرط دارا بودن عقل، بلوغ و اختیار را مورد توجه قرار داده است (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۲۲). این عقاید بشردوستانه سبب شد از شدت مجازات‌ها کاسته شود و زمینه را برای نظریه پرقدرتی پدید آورده و به مفهوم بزهکاری، جنبه و شکل جدیدی دهد؛ تا اینکه پیشرفت علم روان‌شناسی و روان‌پزشکی موجب تشخیص انواع اختلالات روانی و شخصیتی گردید و در نتیجه محققین این علوم جرم را نتیجه عدم تعادل شخصیت مجرم که از واکنش متقابل عوامل روانی و بیولوژیکی ناشی می‌شود، تلقی می‌نمایند و عدم تعادل روانی به نظر روان‌شناسان باعث اختلالات شخصیتی افراد شده و آنها را به سوی ارتکاب اعمال خلاف قانون سوق می‌دهد. بررسی‌های بسیاری نشان داده‌اند که بزهکاران غالباً دارای مشکلات جدی شخصیتی هستند (جزایری، جعفری‌زاده و پورشهباز، ۱۳۸۲). بر این اساس، یکی از نابهنجاری‌های روانی شایع در انسان، اختلال‌های شخصیت است که منجر به بروز جرم از سوی فرد می‌گردد.

برای مطالعه علت رفتار مجرمانه با توجه به فردی‌کردن جرم و شخصیت مجرم می‌بایست از مفهوم شخصیت و اختلال شخصیتی که منجر به بروز رفتارهای مجرمانه گردیده است آگاهی تحصیل گردد (هدایتی، ۱۳۸۵). شخصیت به عنصر ثابت فرد و هرآنچه موجب تمایز او از دیگران است، تعریف شده است (قاسمی و برندگی، ۱۳۹۰). بر این اساس، عوامل ژنتیکی و محیطی از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت هر فرد است که در این میان وراثت و شرایط فیزیولوژی فرد و محیط جغرافیایی و اجتماعی وی از اهمیت ویژه‌ای

برخوردارند؛ طبیعی است که هنجارها، فرهنگ و ارزش‌های هر جامعه، که خود می‌تواند شامل جامعه‌های کوچک‌تری همچون گروه‌های دوستانه، خانواده، مدرسه، دانشگاه، محل کار و اشتغال، مجامع علمی، ورزشی، مذهبی و اخلاقی نیز باشد، درکنار فیزیولوژی بدن هر فرد و اختلال در غدد درون‌ریز یا داخلی مثل کم‌کاری یا پرکاری تیروئید، نحوه ترکیب کروموزوم‌ها، نوع محیط جغرافیایی مثل زندگی در مناطق سردسیر یا گرمسیر و حتی نوع زندگی به مفهوم شهری، روستایی یا فقر و ثروت همگی می‌توانند بر شخصیت فرد تأثیرگذار باشند (ستوده و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۴۳). مطابق با راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، اختلال شخصیت عبارتست از: مجموعه اختلال‌های روان‌شناختی که ویژگی اصلی آنها رفتارهای خشک و غیرقابل انعطاف است؛ این رفتارها به اشخاص آسیب می‌رساند، چون مانع سازگاری آنها با الزام‌های زندگی روزانه شده و در روند روابط آنها با دیگران ایجاد اختلال می‌نماید (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

با توجه به آنچه گذشت، جرم یکی از موضوعاتی است که با حیات جوامع بشری آمیخته شده است؛ چرا که بقا و ماندگاری هر اجتماعی مستلزم رعایت هنجارها و اصول تعریف شده در آن اجتماع می‌باشد. علاوه بر این، امروزه شناخت شخصیت مجرم، نقش بسزایی در محاکمات قضائی و در نتیجه آینده فرد و جامعه دارد. از این رو، با ارتکاب هر جرمی سوالی که ذهن هر فردی را مشغول می‌سازد این است که بزهکار چرا مرتکب این عمل شده است؟ چه ویژگی‌هایی در شخصیت و سرشت وی ریشه دوانده تا وی را به سمت ارتکاب جرم سوق داده است؟ چرا برخی از افراد بیش از دیگران مرتکب جرم می‌شوند؟ هدف این پژوهش این است که برای پاسخ به این مسئله با رجوع به منابع فقهی، حقوقی و روان‌شناسی به شناسایی ارتباط بین اختلالات شخصیتی و ارتکاب جرم از منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی بپردازد.

روش پژوهش

این پژوهش با دو رویکرد کیفی- کمی انجام شد. در رویکرد کیفی، از روش توصیفی-تحلیلی و در رویکرد کمی، از روش توصیفی از نوع هم‌بستگی استفاده شد. در مرحله اول، ابتدائاً مفهوم «جرم» و مفاهیم مرتبط با آن در منابع دینی، حقوقی و روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. سپس در هر بخش، با نگاه تحلیلی به بررسی جایگاه اختلالات شخصیت در نظر برخی از فقها؛ جایگاه دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی در راستای اختلالات شخصیت در منابع حقوقی و روان‌شناختی پرداخته شد.

در مرحله دوم، به بررسی کمی ارتباط میان اختلالات شخصیت و جرم با روش توصیفی، از نوع هم‌بستگی پرداخته شد. جامعه هدف این بخش، زندانیان شهر کرج بودند که بدین منظور از طریق نمونه‌گیری در دسترس ۷۵ نفر از زندانیان زندان قزل‌حصار کرج (۳۰ نفر تحصیلات ابتدایی، ۴۵ نفر تحصیلات سیکل و دیپلم، ۲۸ نفر بین ۳۰ الی ۴۰ سال و ۴۷ نفر ۴۰ سال به بالا) انتخاب شدند. سپس پرسش‌نامه MCMI-۳ (میلون) ۱۷۵ سوالی توسط مددکاران اجتماعی بین آنها توزیع گردید. در ادامه نه پرسشنامه به علت عدم همکاری در تکمیل حذف گردید و در نهایت ۶۶ پرسشنامه تکمیل شده وارد فرایند تجزیه و تحلیل شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار از میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی از آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیره استفاده شد. عملیات‌های آماری در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های آماری SPSS-۱۶ انجام شد.

ابزار پژوهش

آزمون چند محوری بالینی میلون^۱ (MCMI-۳)؛ این آزمون در سال (۱۹۹۶) توسط تئودر میلون و همکارانش ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۱۷۵ سوال، ۲۳ مقیاس بالینی بر مبنای DSM-II-R و ۳ مقیاس اعتبار، بدجلوه‌دهی و جامعه‌پسندی است. میلون ۳ به ۱۱ الگوی شخصیتی شامل اسکیزوئید، اجتنابی، افسردگی، وابسته، نمایشی، خودشیفته، ضداجتماعی، خشن-دگرآزار، خودآزار، وسواس-اجبار، منفی‌گرا؛ سه الگوی شدید بیمارگونه شخصیتی شامل پارانوئید، مرزی، اسکیزوتایپال؛ ۷ سندرم بالینی اضطراب، اختلال شبه‌جسمانی، دوقطبی-شیدایی، افسرده‌خوئی، وابستگی به الکل، اعتیاد، اختلال در استرس پس از ضربه؛ و سه سندرم شدید بالینی اختلال تفکر، افسردگی اساسی و اختلال هذیانی می‌پردازد. این آزمون در ایران در سال ۱۳۷۲ توسط موگهی و در سال ۱۳۸۱ توسط شریفی هنجاریابی شده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن با یافته‌های گزارش شده توسط میلون هم‌خوانی دارد (خدابخش، ۱۳۹۱). پایایی آن از طریق دونیمه‌سازی محاسبه شد و آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۹۳ بود.

1. Millon clinical Multi-axial Inventory (MCMI-III).

یافته‌های پژوهش

اختلالات شخصیت و جرم از منظر فقهی

در قرآن کریم، «جرم» مترادف با «گناه» تلقی شده و عبارت از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. برای دستیابی به معنای جرم در قرآن مراجعه به الفاظی از جمله اثم، سیئه، خطیئه، ذنب و مشتقات آن که به معنی کار زشت و ناپسند است، آیات مشمول قصاص نفس، قصاص عضو، دیه، حد زنا، حد کذف، حد سرقت، محاربه و بغی مفید است (حوصله و همکاران، ۱۳۹۳). خطیئه و سیئه در قرآن به معنی بدی و زشتی آمده است^۱ (بقره، ۸۱). علاوه بر این، جرم در مورد افترا به خدا و انکار آیات الهی به کار رفته است^۲ (یونس، ۱۷). اثم^۳ و ذنب^۴ نیز از جمله واژه‌هایی است که به معنی ستم و ظلم آمده است (بقره، ۱۸۸ و اسراء، ۱۷).

جرم در لغت به معنی ذنب (جوهری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷) و در اصطلاح عام، ارتکاب هر فعل حرام یا ترک واجبی است که شارع آن را ممنوع کرده و مرتکب آن را مستحق کیفر دنیوی از جمله حدود، قصاص، تعزیر یا پرداخت دیه می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۳۴، ص ۲۴۳). همچنین در اصطلاح خاص از جرم به جنایت بر نفس یا عضو تعبیر شده که مجازات آن قصاص نفس یا قصاص عفو یا پرداخت دیه است (همان، ص ۲۴۴).

در میان فقها امام خمینی علیه السلام در کتاب تحریرالوسیله خود در مورد جرم می‌فرماید: کسی که چیزی از محرّمات، که مسلمین بر حرام بودنش اجماع دارند، حلال شمارد، مانند گوشت میت، خون، خوک و ربا، چنانچه انکار او به تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آله با انکار شریعت باز گردد و بر فطرت اسلام متولد شده باشد (یعنی یکی از پدر یا مادرش در حال انعقاد نطقه‌اش مسلمان بوده و بعد از نبوغ، اظهار اسلام کرده است) اعدام می‌شود و الا تنها تعزیر می‌شود. بنابراین، هر کس واجبی را ترک نماید، یا حرامی را مرتکب شود، پس برای امام علیه السلام و نایب امام این حق وجود دارد که او را تعزیر نماید، به شرطی که عمل فرد در ترک واجب یا ارتکاب حرام گناه کبیره تعریف شده باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

از آن جا که مبدأ تدوین قوانین در کشور اسلامی ایران، فقه امامیه بوده است، به طور

۱. بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ: بقره، ۸۱.

۲. فَسَنُأَذِلُّهُم مِّنْ أَمْرِ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ: یونس، ۱۷.

۳. وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: بقره، ۱۸۸.

۴. وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا: اسراء، ۱۷.

طبیعی، پژوهش و تحقیق در احکام این دسته از بیماران، با توجه به یافته‌های جدید در روان‌پزشکی ضرورتی غیرقابل‌انکار خواهد داشت. فقه استدلالی امامیه، از دیرباز به این مسئله توجه نموده و حقوق بیماران روانی را در زمینه‌های حقوق مدنی و جزا و غیر آن، بازشناسانده و روشن نموده است؛ هرچند گسترش و پیشرفت روان‌شناسی ضرورت بازبینی در یافته‌های فقهی و ارائه نگرشی نو به منابع اجتهادی را یادآوری می‌نماید (سلیمانی خراط، ۱۳۹۶، ص ۲۸). مفهوم اختلال روانی، مانند خیلی از مفاهیم دیگر در پزشکی و دیگر علوم، تعریف علمی ثابت ندارد و می‌توان گفت با سطحی از انتزاع معرفی می‌شود و تقریباً تمام موقعیت‌ها را در برگیرد؛ مانند ناراحتی، کنترل نداشتن، محروم بودن، ناتوانی، انعطاف نداشتن بی‌منطقی، انحراف آماری و هریک از این مفاهیم، شاخص مفیدی برای یک اختلال روانی است؛ اما هیچ‌کدام معادل مفهوم اختلال نیست (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۴، ص ۲۵-۲۶). در تمام علوم برای شناسایی مفاهیم و درک عمیق از موضوعات از فرایندی تحت عنوان رده‌بندی استفاده می‌شود که با آن پدیده‌های پیچیده، در برابر معیارها و ملاک‌های نمایان و روشن، به گونه رده‌ها و رسته‌ها، سامان‌دهی داده می‌شوند و هدف اصلی، بازشناسی گونه‌های بیماری‌های روانی در مدت زمانی کوتاه، جهت درمان بیمار و جلوگیری از بروز تبعات بیماری در خود فرد یا اطرافیانش است، در اینجا باید اذعان نمود که چنین طبقه‌بندی و سازماندهی سیستماتیک در فقه غیرقابل‌درک و قطع به یقین با هدف‌ها و کارکردهای علم فقه هیچ‌سختی ندارد (سلیمانی خراط، ۱۳۹۶، ص ۳۳). اما اگر بپذیریم که تمام مفاهیم مرتبط با اختلالات شخصیتی و روانی با مفاهیم انتزاعی تعریف می‌شوند می‌توانیم بگوییم علم فقه نیز برای بیماران دارای اختلالات شخصیتی روانی طبقه‌ها، رده‌ها و رسته‌هایی را ذکر و مباحث هرکدام به تفکیک مشخص شده است؛ مانند جنون؛ از منظر فقه جنون عبارت از زوال و یا فساد عقل می‌باشد (همان، ص ۴۸). در میان فقیهان امامیه، محقق نراقی به مسئله اختلالات شخصیتی و روانی در بیماران روانی و احکام آنان توجهی ویژه داشته و پرداختن به این مقوله را از مسائل مهم فقه قلمداد کرده است (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۶۸). نراقی در مقاله‌ای مستقل در کتاب عوائدالایام به این مقوله پرداخته و گوشه‌ای از زوایای تاریک آن را روشن کرده است. وی، اختلال‌های روانی را در دو طبقه: سفاهت و جنون جای داده و پس از ارائه تعریفی از این دو، به بیان احکام آن پرداخته است. جنون شامل انواع بیماری‌های دماغی است که موجب اختلال در کارکرد عقل و فساد آن می‌شود. این فساد ممکن است در قوه عاقله و یا در قوای دیگر همچون قوه مفکره یا مخیله باشد و

جنون دارای گونه‌های گوناگون و آثار متفاوت است. از این روی بیان می‌کند که جنون فنی از فنون است (همان، ص ۱۴۳). صدور و اجرای احکام مجرمان در قوانین مجازات اسلامی یا احکام فقهی مشروط بر عاقل و صاحب اراده بودن مجرم است و اگر فردی در حین ارتکاب جرم، دچار اختلال مغزی یا روان‌شناسی در حدی باشد که قدرت تعقل یا تفکرش مختل شود و قادر به تشخیص خوب از بد نباشد، مجنون به حساب می‌آید و در واقع با هر درجه‌ای که باشد رافع مسئولیت کیفری است (صادق زاده، ۱۳۹۸). پیشتر گفته شد در اصطلاح فقها جرم را به گناه و معصیت تعبیر کرده‌اند و آن را سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس که شامل هرفعل یا ترک فعل دارای ضرر اجتماعی می‌شود می‌دانند که علاوه بر اضرار به جامعه، موجب زیان و تباهی شخص مرتکب نیز می‌گردد (الهام، ۱۳۷۲، ص ۴۳). فقها برای جرم دو رده عنوان کرده‌اند: تجاوز به حق الله شامل جرائمی است که مُخل نظم و حقوق عمومی و اخلاق حسنه و امثال آن می‌شود و دیگری تجاوز به حق الناس که در این شق از تقسیم‌بندی، جرم جنبه خصوصی و شخصی دارد و زیان دیده فرد معینی می‌شود؛ جرم فقهی یا همان گناه نه تنها اعمال حرام دارای تباهی و مفسده فردی برای مرتکب است بلکه دایره شمول آن فراتر رفته و تمام جرایم مطروحه در قوانین مجازات اسلامی را که علاوه بر مفسد و زیان‌های فردی، به جامعه نیز آسیب می‌رساند، را در بر می‌گیرد. مبنای گناه و معصیت، کتاب و سنت است که مبتنی بر وحی و احکام الهی بوده و در طول تاریخ بشری در تمام شرایط بدون استثناء مفهومی ثابت و تغییرناپذیر دارد؛ در حالی که مفهوم قانونی جرم، قراردادی و اعتباری است و متناسب با شرایط و عوامل مختلف در هر عصر و زمانی متغیر است (کرباسی، ۱۳۸۱). در نهایت می‌توان گفت که از منظر فقها جرم مترادف گناه بوده و به هر فعل یا ترک فعل خارج از شرع اطلاق می‌گردد و اختلال شخصیت نیز که در فقه به عبارتی آن را عقل ناقص می‌گویند قطعاً می‌تواند موجب ارتکاب جرم یا گناه توسط بزهکار گردد.

اختلالات شخصیت و جرم از منظر حقوقی

اندیشمندان حقوق جزای عمومی، جرم را به فعل یا ترکی اطلاق می‌کنند که از شخص مسئولی سرزده و قانون‌گذار برای آن، مجازاتی را در نظر گرفته است (حاجی میرسعیدی، ۱۳۹۸). از این رو، اولاً، مقصود از جرم تنها فعل یا ترکی است که به جان، مال، ناموس و حیثیت دیگران لطمه وارد می‌آورد؛ ثانیاً، شامل همه جرایم حتی جنایات عمدی و خطایی نیز می‌گردد. بنابراین، جرم در حقوق، با معصیت یا گناه که موضوع حدود و تعزیرات است، تفاوت دارد.

به عبارت دیگر، رابطه جرم در فقه و حقوق، عام و خاص من وجه است. از این رو، گناه که موضوع حدود و تعزیر اسلامی است، شامل هر گناهی می‌شود؛ هرچند مفسده فردی داشته باشد؛ از جمله شرب خمر، کذب، و ترک واجبات، در حالی که جرم در حقوق جزای عمومی شامل این‌گونه گناهان نمی‌شود. علاوه بر این، جرم که موضوع حقوق جزای عرفی است، شامل جنایات عمدی و خطایی نیز می‌گردد، در حالی که، گناه که موضوع حدود و تعزیرات شرعی است، شامل این‌گونه گناهان نمی‌شود. بنابراین، موضوع حقوق جزای اسلامی، که اعم از گناه و جنایات است، با موضوع حقوق جزای عرفی، به اصطلاح اهل منطق، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی موضوع حقوق جزای شرعی اعم از موضوع حقوق جزای عرفی است؛ زیرا علاوه بر این که شامل گناهان دارای مفسده اجتماعی و نیز جنایات عمدی و خطایی می‌شود، گناهایی را که دارای مفسده شخصی نیز هستند شامل می‌شود؛ برخلاف موضوع حقوق جزای عرفی، که شامل نوع اخیر نمی‌شود (گرجی، ۱۳۷۲، ص ۳۴).

قانون‌گذار در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص ارتکاب جرم توسط فردی که دارای اختلال روانی است، می‌گوید: «هرگاه مرتکب، در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد» یعنی اذعان داشته که جنون، سلامت عقل و شعور فرد را از بین برده و مانع از آن می‌شود که شخص بتواند نتایج امور و مسائل زندگی و همچنین خوبی و بدی هر رفتار را ارزیابی کند و در کلامی ساده‌تر قدرت قضاوت و تحلیل خود را در امور مختلف از دست می‌دهد (دیناری، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

مطابق قانون مجازات، منظور از جنون وجود برخی اختلالات شدید روانی است که مرتکب، بدون توجه به نتیجه احتمالی کاری که در حال انجام است، و بدون وجود اراده، مرتکب جرم می‌شود (همان، ص ۱۰۱). از آنجا که یکی از مهم‌ترین موضوعات مطروحه در قلمروی حقوق جزا، بحث مسئولیت کیفری است، اختلال روانی مرتکب مصادیقی از جنون است و مجرم نیز به دلایل ذهنی یا عینی قادر به درک فحوای قانون نیست، و به طریق اولی وی از مسئولیت کیفری و بالطبع مجازات‌رهایی می‌یابد؛ حال اگر اختلالات شخصیتی و روانی را در وقوع جرم مؤثر ندانیم به لحاظ آن که این فعل از مصادیق جنون نیست، مرتکب مجرم شناخته شده و ناگزیر، مسئول عمل مجرمانه خود و قابل مجازات خواهد بود.

یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی، تشکیل پرونده شخصیت برای مرتکبین جرایم مختلف است تا با اتکاء به آن، راه‌های معالجه و بهبود بزهکار با مدنظر قراردادن

ویژگی‌های جسمی، روانی، روحی و تعیین درجه شدت نابهنجاری‌های اجتماعی در وجود بزهکار، بررسی گردد. بنابراین، ارتباط اختلالات شخصیتی با بروز جرم از منظر حقوق‌دانان در راستای تحقق یا عدم تحقق مسئولیت کیفری بزهکار متبلور می‌شود و روشن است که رفتار و اعمال هر انسانی معلول علتی است که ریشه در زمان شکل‌گیری شخصیت روانی وی دارد. از این رو، عوامل روانی و اختلالات شخصیتی هر فرد در اعماق وجود خود اوست (حسینعلی زاده، ۱۳۹۸). هرچند جرم و انحراف با هم ارتباط نزدیکی دارند، اما از لحاظ مفهومی و از منظر قانون‌گذار با هم تفاوت دارند؛ چرا که جرم برگرفته از قانون است و ضمانت اجرای موضوعی خود را دارد اما انحراف یک مفهوم اخلاقی و اجتماعی است که موجب برانگیختن افکار و سرزنش عموم می‌گردد. با این حال هر دوی آنها ناهنجاری محسوب می‌شوند، اما آنچه حائز اهمیت است نگاه قانون‌گذار به مجموعه این دو مفهوم و تأثیر آن در نقض قواعد قانونی و نظم عمومی حاکم بر جامعه است و اینکه قانون‌گذار کدام فعل یا ترک فعلی را جرم و مستحق مجازات دانسته و چه عملی را انحراف و در نتیجه فاقد ضمانت اجرای کیفری دانسته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۰). معنای عنصر قانونی و قانونی بودن جرم و مجازات در اینجا تجلی یافته و طبق نظر مقنن رفتاری مستحق مجازات است که در قانون جرم‌انگاری شده باشد. با این وجود، اگر فردی فاقد قوه ادراک و تعقل باشد و مرتکب فعل یا ترک فعلی شود که نظم عمومی را برهم زند یا به حقوق عموم مردم تعرضی نماید مطالعه و تعمق بر شخصیت و وضعیت روحی و روانی بزهکار باید مرکز توجهات و بررسی‌های بیشتر قرار بگیرد (حبیب زاده، ۱۳۹۸، ص ۹۸). بنابراین اگر فقدان درک و شعور عقلی در فردی طوری احراز گردد که اساساً نمی‌توانسته خود و یا حتی با تذکر دیگران موضوع جرم و مغایرت آن با قانون را تشخیص دهد، وی مجرم محسوب نمی‌شود و عملاً از نظر قاضی اختلال شخصیت و روان وی مسلم و مؤثر تشخیص داده می‌شود.

اختلالات شخصیت و جرم از منظر روان‌شناسی

اختلال‌های شخصیت در واقع شیوه‌های نارسا و نامناسبی برای حل مسئله و کنار آمدن با فشار روانی هستند. اغلب در اوایل نوجوانی بروز می‌کنند و در سراسر بزرگسالی ادامه می‌یابند. برخلاف مبتلایان به اختلال‌های روانی، افراد مبتلا به اختلال‌های شخصیت معمولاً ناراحتی یا اضطرابی احساس نمی‌کنند، انگیزشی برای تغییر رفتار خود نشان نمی‌دهند و برخلاف

افراد اسکیزوفرنیایی، تماس خود را با واقعیت از دست نمی‌دهند و نابسامانی چشمگیری در رفتارشان مشاهده نمی‌شود (اتکینسون^۱ و همکاران، به نقل از براهنی، ۱۳۷۸).

برخی از روان‌شناسان (فوتیادوآ^۲ و همکاران، ۲۰۰۶، ایزمز^۳ و همکاران، ۲۰۰۶) علل رفتار جنایی را بر حسب نقص شخصیت فرد تبیین می‌کنند. به اعتقاد آنها برخی از گونه‌های شخصیت، بیشتر از دیگران گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارند و در واقع بیش از آنکه رفتار جنایی فرد را به ژن‌های غیرعادی نسبت دهند به تجربه‌های ناپه‌نچار دوران کودکی که نتیجه روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی‌ای است، منتسب می‌کنند. به اعتقاد رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) ممکن است در میان مجرمین افرادی با هوش بالا دیده شود، اما اختلالات هوشی را در قالب بزهکاران می‌توان دید و اختلالات روانی زمینه مساعدی را برای تشکیل شخصیت مجرمانه به وجود می‌آورند. مطابق دیدگاه فروید (احمدی، ۱۳۷۴) جرم عکس‌العملی علیه اضطراب است. برای نمونه از میان انواع اضطراب، «ناایمنی» سبب دفاع «مَن» در برابر ترس ناشی از آن شده که این دفاع ممکن است به جرم منجر شود. همچنین، بروز جرم نشانگر آن است که فرد نتوانسته و یا امکان نیافته تا بتواند تعادل بین نهاد و فرامن را ایجاد کند. از این‌رو، علامتی از ضعف و عدم انضباط و یا ناپختگی «مَن» را از خود بروز می‌دهد که در قالب جرم نمایان می‌گردد. در فرض سوم، مطابق دیدگاه فروید جرم علامتی از ضعف «فرامن» و یا ناپختگی و عدم انضباط آن به شمار می‌آید؛ همیشه نمی‌توان گفت که ناپختگی «مَن» موجب بروز جرم می‌شود، بلکه اگر مقررات، دستورات و قوانین دچار اشکال باشند و یا بر طبق اصول صحیح و منطبق با آداب و رسوم تاریخی و سنت‌های یک قوم تدوین نگردند و یا قانون به نحو ظالمانه با مردم برخورد کند امکان دارد که با ارتکاب جرم علیه این مقررات نیز اقدامات مجرمانه به عمل آید (حسینی، ۱۳۹۶).

روان‌شناسان جنایی در بررسی جرم از بعد روان‌شناختی، عوامل فردی را به‌عنوان مهم‌ترین عامل معرفی کرده و آن را مجموعه‌ای از عوامل می‌دانند که در ارتباط با ویژگی‌ها و خصوصیات فردی او است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸) کین برگ^۴ عوامل فردی را مجموعه‌ای از تمایلات واکنشی می‌داند که در لحظه مشخص به‌صورت واقعی وجود دارد و این تمایلات

1. Atkinson.

2. Fotiadoua.

3. Ames.

4. Kane Berg.

می‌تواند ارثی یا اکتسابی باشند (کی نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۴). با این وجود می‌توان استنتاج نمود که شخصیت افراد از دو گروه صفات تشکیل می‌گردد؛ گروه اول مجموعه خصوصیات و ویژگی‌های موروثی هستند که به آن خصوصیات فطری نیز می‌گویند و در اصل از لحظه تولد همراه وی هستند و گروه دیگر صفاتی همچون اعتیاد و مصرف مشروبات الکلی هستند که بعد از تولد در مواجهه با محیط کسب می‌گردند. مطالعات گسترده روان‌پزشکان در حوزه ارتباط اختلالات شخصیت با جرم گردید تا با استفاده از پرسش‌نامه‌های خود بتوانند شخصیت مجرم را چه در لحظات اولیه زندگی و چه بعد از آن مورد شناسایی قرار دهند. اکثر روان‌شناسان جنایی بر این عقیده‌اند که باید بر متغیرهای شخصیت افراد تکیه کرد و آن را بهترین عامل در قضاوت بالینی دانست (محمد خانی، ۱۳۹۵، ص ۴۳).

سرانجام، برای بررسی رابطه میان اختلالات شخصیت و جرم علاوه بر دیدگاه‌های روان‌شناسان به بررسی این رابطه از طریق روش کمی پرداخته شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، به منظور تجزیه و تحلیل آنها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. آمار توصیفی شامل میانگین، نمرات دو گروه آزمودنی‌ها در اختلالات شخصیت پارانوئید، گسیخته، مرزی، ضداجتماعی، نمایشی، وسواسی، آزارگر و آزارطلب است که نتایج در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد هر یک از اختلالات شخصیت در دو گروه مجرمان

متغیر		آزمودنی‌ها با سابقه دو و بیش از دوبار جرم		آزمودنی‌ها بدون سابقه کیفی	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
اختلال شخصیت پارانوئید		۶۶/۰۷	۱۶/۴	۵۹/۱۸	۱۹/۴
اختلال شخصیت گسیخته		۵۴/۴۴	۱۹/۶	۵۳/۶۹	۲۳/۹
اختلال شخصیت مرزی		۸۸/۳۱	۲۱/۸	۷۹/۳۲	۲۰/۷
اختلال شخصیت ضداجتماعی		۸۹/۹۱	۲۱/۹	۷۱/۸۸	۲۲/۱
اختلال شخصیت نمایشی		۵۵/۴۳	۱۴/۷	۵۵/۰۹	۲۱/۶
اختلال شخصیت وسواسی		۵۸/۴۱	۲۰/۹	۵۷/۱۸	۲۴/۹
اختلال شخصیت آزارگر		۷۷/۰۲	۱۹/۳	۶۲/۵۳	۲۵/۹
اختلال شخصیت آزارطلب		۵۵/۵۲	۲۰/۴	۵۳/۳۹	۲۳/۹

همان‌طور که شریفی (۱۳۹۶، ص ۱۳۷) در تفسیر تست میلون بیان می‌کند، چنانچه نمره آزمودنی در هر یک از اختلالات شخصیت بالاتر از ۸۴ باشد، وی تمام ویژگی‌های آن اختلال

را داشته و ملاک‌های تشخیصی آن را برآورده می‌سازد. همچنین، در صورتی که نمره آزمودنی در یک مقیاس بین ۷۵ تا ۸۴ باشد، واجد برخی از ویژگی‌ها و صفات معرف اختلال و نه تمام ویژگی‌ها است. براین اساس، افراد مجرم در دو اختلال شخصیت مرزی و ضداجتماعی، واجد اختلال بوده و در اختلال شخصیت آزارگر واجد ملاک‌هایی از این اختلال هستند. این درحالی است که در گروه بدون سابقه کیفری، میانگی هیچ یک از اختلالات بالاتر از ۸۴ نبوده و این حاکی از این است که ملاک‌های تشخیصی یک اختلال برآورده نشده است. علاوه بر این، میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه با بیش از دو بار سابقه جرم در مقابل گروه بدون سابقه کیفری در اختلالات شخصیت پارانوئید، گسیخته، مرزی، ضداجتماعی، و آزارگر بیشتر بوده و در اختلالات شخصیت نمایشی، و سواسی، و آزارطلب تفاوت قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. در سطح آمار استنباطی برای بررسی اینکه آیا تفاوت میان دو گروه از آزمودنی در هر یک از اختلالات شخصیت معنادار است یا خیر، از تحلیل واریانس یک متغیره استفاده شد. در تحلیل واریانس تک متغیره سطوح معنادار به دست آمده (P کمتر از ۰/۰۵) حاکی از آن است که زندانیان حداقل در یکی از متغیرهای اختلال شخصیت با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. نتایج حاصل از تحلیل واریانس تک متغیره در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: تحلیل واریانس یک متغیری مانوا بر روی مؤلفه‌های اختلال شخصیت

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
ضداجتماعی	۱۱۰۲۹/۳۳	۱	۱۱۰۲۹/۳۳	۱۵/۷۰	۰/۰۰۰۱
خودشیفته	۲۳۴۷/۲۲	۱	۲۳۴۷/۲۲	۲۲/۱۹	۰/۰۰۳
پارانوئید	۷۹۰۶/۹۳	۱	۷۹۰۶/۹۳	۲۲/۱۹	۰/۰۰۰۱
دیگرآزار	۲۳۴۷/۲۲	۱	۲۳۴۷/۲۲	۲۲/۱۹	۰/۰۰۳
آزار طلب	۱۱۱/۵۰	۱	۱۱۱/۵۰	۳/۱۱	۰/۱۹
وسواسی	۱۳۲۱/۲۵	۱	۱۳۲۱/۲۵	۳/۶۵	۰/۲۲
نمایشی	۱۶۵۶/۲۰	۱	۱۶۵۶/۲۰	۳/۹۰	۰/۵۰
مرزی	۵۵۰۰/۱۳	۱	۵۵۰۰/۱۳	۱۱/۲۳	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد اختلالات شخصیتی در میان مجرمان در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد، اگر چه نمرات آماره F حاکی از آن است که تفاوت میانگین در اختلالات شخصیت ضداجتماعی، مرزی، و پارانوئید بیشتر از دیگر اختلالات است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه جرم و اختلالات شخصیت بود. بدین منظور، ابتدا به بررسی جرم در فقه، حقوق، روان‌شناسی با محوریت ارتباط آن با اختلالات شخصیت پرداخته شد. در مرحله بعد، با در نظر گرفتن دیدگاه‌های موجود در این حوزه، رابطه جرم و اختلالات شخصیت با روش کمی در میان زندانیان با سابقه جرم پیشین و بدون سابقه انجام گرفت. یافته‌ها در بخش نخست نشان داد در فقه به هر نوع عملی که در شرع ممنوع و دارای کیفر دنیوی است جرم گفته می‌شود و اگر بپذیریم که تمام مفاهیم مرتبط با اختلالات شخصیتی و روانی با مفاهیم انتزاعی تعریف می‌شوند، می‌توان در علم فقه نیز برای بیماران دارای اختلال شخصیت طبقه‌ها و رده‌هایی ذکر کرد. این یافته، هم‌سو با پژوهش نراقی (۱۳۷۵) است که به تفکیک اختلالات روانی را به دو دسته سفاقت و جنون تقسیم کرده است. همچنین، پژوهش سلیمانی خراط (۱۳۹۶) قائل به ارتباط بین تیپ‌های شخصیتی و مراتب تغذیرات فقهی است.

در علم حقوق نیز جرم، هر فعل یا ترک فعلی است که بر اساس قانون، قابل کیفر یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی است. بر این اساس، می‌توان گفت که بین تعریف فقهی و حقوقی جرم رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است. در این بخش مشخص گردید که با توجه به در نظر گرفتن اختلالات روانی در موضوعات احکام فقهی، در خصوص ارتکاب جرم توسط چنین افرادی، از نظر قانون‌گذار این وضعیت می‌تواند مصداقی از جنون در نظر گرفته شده و آن را در وقوع جرم مؤثر بدانیم؛ از این رو، مجرم از مسئولیت کیفری و بالطبع مجازات رهایی می‌یابد. در همین راستا، باری^۱ (۲۰۱۶) بر ضرورت تشکل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال تأکید کرده و بیان می‌کند قاضی با مطالعه و بررسی این پرونده که در بردارنده تیپ شخصیتی و ویژگی‌های روان‌شناختی کودک و نوجوان است، اشراف کافی به وضعیتش پیدا کرده و با فردی‌سازی تصمیمات خود، عکس‌العملی متناسب با شخصیت او اتخاذ نماید. آشوری و عظیم زاده (۲۰۱۳) نیز معتقدند در مرحله قضاوت، لزوم توجه به وضعیت روانی مجرم بسیار حائز اهمیت است.

علاوه بر فقه و حقوق، دانش روان‌شناسی جرم را عملی می‌داند که نظم اجتماع را به هم می‌زند. در ارتباط میان جرم و اختلال شخصیت از نظر علم حقوق و روان‌شناسی، انواع

1. Bari.

تیپ‌های شخصیتی تحت تأثیر شرایط خاص اجتماعی در جرایم متفاوتی نمود پیدا می‌کند (فوتیادوآ و همکاران، ۲۰۰۶). شاهد اینکه، روان‌شناسان نیز طی تحقیقات گسترده نشان دادند همه افراد دارای سرشت خاص خود هستند که از مجموعه عوامل ژنتیکی، محیطی تشکیل شده است و در صورت بروز اختلالات شخصیتی فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد (جعفرمحمدی و کیانی، ۱۳۹۴؛ مختاری، ۱۳۸۴). همچنین، همان‌طور که پژوهش صادقی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد، بین تکرار جرم و نوع اختلالات شخصیت ارتباط وجود دارد. علاوه بر این، فقها (آذربادگان، ۱۳۸۰؛ فتحعلی زاده، ۱۳۹۸) نیز معتقدند انسان‌ها ضمن داشتن ویژگی‌های نامتناسب و ناموزون و تحت تأثیر آن‌ها دست به ارتکاب جرم می‌زنند و از میان تمام اختلالات شخصیتی، اختلال شخصیت ضد اجتماعی و مرزی از آن‌جا که مستقیماً به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آسیب و زیان وارد می‌نماید همواره مورد توجه بوده است. در بخش دوم، نتایج نشان داد که افراد مجرم در اختلالات شخصیت مرزی، ضد اجتماعی و آزارگر ملاک‌های تشخیصی این اختلالات را برآورده می‌کنند. علاوه بر این، میانگین مقیاس‌ها در دو گروه افراد با سابقه دو و بیش از دو و افراد زندانی بدون سابقه کیفی حاکی از این است که این تفاوت در سه اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مرزی، و پارانوئید معنادار است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت وجود ۴ اختلال شخصیت مرزی، ضد اجتماعی، آزارگر و پارانوئید با ارتکاب جرم رابطه معناداری دارد.

همچنین، نتایج حاصل از این یافته‌ها نشان داد، علاوه بر تحصیلات پایین، بیکاری، وضعیت تأهل، سن بر بروز جرم از سوی بزهکاران، نقش اختلالات شخصیتی در این موضوع قابل توجه است. آنچه نقش اختلالات شخصیت در بروز جرم را پررنگ‌تر می‌کند، آن است که در جوامع مختلف افرادی با سن کم، بیکار و تحصیلات پایین هستند که هرگز مرتکب جرم نشده‌اند (صادقی، ۱۳۹۳) و این نشان می‌دهد که یکی از عواملی که می‌تواند مؤثر در گرایش یک فرد به سمت ارتکاب جرم باشد، اختلالات شخصیت است.

در تبیین نتایج این پژوهش می‌توان گفت ویژگی و خصلت‌های ذاتی افراد به مرور زمان و در اثر ارتکاب جرم، جنبه افراطی پیدا کرده و بالطبع منجر به بروز اعمال نابهنجار و غیرعقلانی می‌شود که پس از آن فرد به عنوان مجرم در برابر قانون قرار می‌گیرد. این موضوع که برخی افراد میل غیرقابل کنترلی به ارتکاب جرم دارند، به واسطه ویژگی‌های خاص درونی

و ذاتی آنها در اصطلاح تحت عنوان بیمار شناسایی می‌شوند و بیمار بودن مجرمین از لحاظ روانی و عصبی، اصلاح و درمان آنها و کاهش مجازات آنها در مقایسه با سایر افراد جامعه، از مسایل مهم و حائز اهمیتی است که با پیشرفت علم روان‌پزشکی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

پذیرش یک ارتباط غیرقابل انکار میان جرم و اختلال شخصیتی اصولاً بر این فرض استوار است که یک بیمار روانی نمی‌تواند تابع قوانین اجتماعی باشد، اما ممکن است زمانی بتوانیم بین مجرمیت یا مجنون بودن فرد قائل به تفکیک شویم که این فرد آگاهانه نتوانسته اعمال خود را مهار کند و بالقوه مستعد ارتکاب هر عمل مجرمانه‌ای است و آن فرد قابلیت تشخیص درست یا نادرست بودن عمل خود را نداشته باشد و ضوابط رفتاری معین در جامعه برای او قابل درک نباشد. به همین سبب است که بررسی نسبت‌های متفاوت نقصان عقل از لحاظ درجاتی که دارد می‌باید با ترکیب نظر مقنن و متخصصین امر روان‌پزشکی و روان‌شناسی انجام پذیرد؛ چرا که اصولاً نمی‌توان نقصان عقل را در تمام درجات آن رافع مسئولیت جزایی دانست. علاوه بر اینکه، برخی از درجات این نقصان، اختلال شخصیت ضداجتماعی است که با وجود ناسازگاری شدید در فرد مبتلا، نمی‌توان این اختلال، را قرینه عدم مجرمیت مرتکب دانسته و وی را از مسئولیت کیفری مبرا کرد، بلکه فرد مرتکب با داشتن اختلال شخصیت ضد اجتماعی مجرم است نه مجنون؛ بر این اساس، بین اختلالات شخصیت ضد اجتماعی با رفتارهای بزهکارانه رابطه‌هایی وجود دارد و مسئولیت جزایی این افراد مورد تردید نیست، زیرا اگرچه تعارضات روانی آنها باعث می‌شود راحت‌تر مرتکب جرم شوند، ولی این اختلالات که منجر به بروز تعارض می‌شود آن قدر نیست که ارتباط فرد را با دنیای خارج قطع کرده و فاقد قدرت اراده و تمییز گردد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها: از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که در مباحث فقهی نتوانست نظر فقهای معاصر را در حوزه اختلالات شخصیت و ابواب مختلف فقهی بررسی نماید. همچنین، در جمع‌آوری داده‌ها امکان دسترسی به همه زندانیان ممکن نبود و از سویی مسئولین همکاری لازم را نداشتند. از این رو، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی جرم و اختلالات شخصیت بر اساس دیدگاه فقهای معاصر به صورت تفصیلی و با روش اجتهادی بررسی گردد. همچنین، پیشنهاد می‌شود رابطه میان جرم و اختلالات شخصیت با جامعه آماری وسیع‌تر و در زندانیان با انواع جرائم انجام شود.

منابع

- اتکینسون، ریتا؛ اتکینسون، ریچارد؛ اسمیت، ادوارد؛ بوم، داریل و هوکسما، سوزان نولن (۱۳۸۵)، *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام*، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الهام، غلامحسین (۱۳۷۲)، *مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم*، تهران: نشر بشری.
- انجمن روان پزشکی آمریکا (۱۳۹۴)، *چکیده ملاک‌های تشخیصی DSM-5*، ترجمه فرزین رضایی و دیگران، تهران: ارجمند.
- آذربادگان، حسینعلی (۱۳۸۰)، «طبقه‌بندی بیماران روانی و احکام آنان از دیدگاه محقق نراقی»، *مجله فقه*، شماره ۲۹.
- پارسا، محمد (۱۳۷۴)، *زمینه روان‌شناسی*، تهران: انتشارات بعثت.
- جزایری، علیرضا؛ جعفری زاده، ذبیح اله و پورشهباز، عباس (۱۳۸۲)، «بررسی و مقایسه ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله در معتادان به تریاک ۳۰-۳۶ ساله»، *مجله اعتیاد پژوهی*، ش ۲، ص ۳-۱۸.
- جعفرمحمدی، شیما و کیانی، مهرزاد (۱۳۹۴)، «بررسی مسئولیت کیفری مبتلایان به اختلال شخصیت مرزی در نظام حقوقی ایران»، *فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد*، دوره ۸، شماره ۲۹، ص ۱-۲۳.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۸۷)، *معجم الصحاح: قاموس عربی - عربی*، بیروت: دارالمعرفه.
- حاجی می‌رسعیدی، سید ساعی، حاجی می‌رسعیدی، سید ابراهیم (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل کیفری جرم و شخصیت در نظریه‌های انسان‌شناسی جنایی»، *فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار*، دوره ۳، شماره ۱۱.
- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۹۸)، *اندیشه‌های حقوقی ۱ - مجموعه مقالات حقوقی کیفری اختصاصی*، تهران: نگاه بینه.
- حسینعلی زاده، جوانشیر و خیری، حسن (۱۳۹۸)، «بازشناسی پرونده شخصیت در جرم‌شناسی بالینی بر مبنای تبیین سلامت روان از دیدگاه نظریه پردازان»، *پنجمین همایش ملی حقوق*.
- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، *بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی.
- حوصله پور، محمود؛ میرخلیلی، سید محمود و محمدی، علی (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم جرم و مجرم و مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم از منظر قرآن و روایات»، *کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*.
- خدابخش، روشنگ (۱۳۹۱)، «مقایسه میزان شیوع اختلالات شخصیت در مردان و زنان به وسیله نمرات خام تعدیل شده آزمون میلون III»، *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، سال هفتم، شماره ۲۲.
- دیناری، قباد (۱۳۹۷)، *جرائم کیفری و اختلالات روانی*، تهران: نشر عدالت امین.

- رحیمی احمدآبادی، سمیه؛ عطاران، حمید و فتوت، اکرم (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه اختلالات شخصیت و بهره هوشی در مجرمین قتل عمد ارجاع شده به سازمان پزشکی قانونی خراسان رضوی در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۷».
- ستوده، هدایت اله و میرزایی، بهشته (۱۳۹۵)، *روان‌شناسی جنایی ۱۳۹۵*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سلیمانی خراط، فروغ (۱۳۹۶)، «ارتباط بین شخصیت و جرم از دیدگاه فقه، حقوق و روان‌شناسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی ادیب مازندران.
- شریفی، علی (۱۳۹۶)، *راهنمای ام. سی. ام. آی (میلون ۳)*، چاپ چهارم، تهران: نشر روان سنجی.
- شریفی، علی اکبر (۱۳۸۱)، «هنجارهایی آزمون بالینی چند محوری میلیون-۳ در شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه اصفهان.
- صادق زاده، ابراهیم (۱۳۹۸)، «بررسی مغایرت مقررات و احکام دادگاه‌های ویژه اطفال با پیشنهادات جرم شناختی بالینی»، *فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی قانون یار*، دوره ۲، شماره ۶.
- صادقی، احمد و دیده دار، مریم (۱۳۹۳)، «بررسی اختلالات شخصیت و تکرار جرم در زندانیان»، *کنفرانس آسیب‌شناسی، ریشه‌یابی و ترمیم در روان‌شناسی*.
- علی پور، مهدی و حسنی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، *پارادایم‌های اجتهادی دانش دینی-پاد*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتحعلی زاده، راضیه و احمدی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۸)، «تکالیف بیماران روانی از دیدگاه فقه فریقین و عرفان اسلامی».
- قاسمی، نظام الدین؛ جاویدمهر، زهره؛ مهرآورن، رقیه و حسنی، جعفر (۱۳۹۸)، «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های شناختی تنظیم هیجان در زنان مجرم و زنان عادی»، *نشریه علمی انتظام اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۲.
- قاسمی، وحید و برندگی، بدری (۱۳۹۰)، «بررسی جامعه شناختی شخصیت قدرت طلب: مطالعه موردی»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۲، ش ۳، ص ۲۳-۴۰.
- کرباسی، محمد مهدی (۱۳۸۱)، «ماهیت جرم در فقه و قانون جزا»، *مجله معرفت*، شماره ۵۸، ص ۶۸-۷۲.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۹)، *روان‌شناسی شخصیت*، تهران: انتشارات نشر.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی جنایی*، چاپ دایره سفید- انتشارات رشد ج ۱ و ۲، چاپ چهارم.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، *مقالات حقوقی*، تهران: دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۵)، *بایسته‌های حقوق جزا*، تهران: انتشارات میزان.
- محمد خانی، عباس (۱۳۹۵)، *عوامل روانی جرم*، تهران: انتشارات میزان.

- مختاری، یوسف (۱۳۸۴)، «رابطه اختلالات شخصیت با جرم»، *مجله دانش پژوهان*، شماره ۷.
- نجفی ابرندآبادی، حسین (۱۳۹۴)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، تهران: سمت.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵)، *عوائد الایام*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- هدایتی، فرخ (۱۳۸۵)، «شناخت شخصیت مجرمانه و راه‌های درمان آن»، *فصلنامه دادرسی*، ش ۵۷، ص ۴۳-۴۷.
- Ames, D. R. , Rose, P. , Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of Research in Personality*; 40, P 440-450.
- Ashouri & Azimzadeh (2013), Position of personality profile in the process of prevention of stabilization of criminality in juveniles, *Private law studies*, 43(1), P 195- 213.
- Badri, Ali (2016), Juvenile Criminal Proceedings in Iranian Law, *Fasl Nameh Elmi Hoghoughi Ghanoon Yar*, 4(13), P 53-70
- Choca, J. P. , Vandenberg, E. , Stanley, L. A. (1997), *Interpretive guide to Millon Clinical Multiaxial Inventory*, Washington DC: APA
- Fotiadoua, M. , Livaditisb, M. , Manouc, L. , Kaniotoud, E. , Xenitidise, K. (2006), Prevalence of mental disorders and deliberate self-harm in Greek male prisoners, *International Journal of Law and Psychiatry*, 29, 1, P 68-73.

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (ص ۹۳-۱۱۴)

پیش بینی کارکرد خانواده براساس ادراک زوجین از حضور خدا در زندگی با واسطه‌گری تاب‌آوری

Predicting family functioning based on couples' perception of God's presence in life mediated by individual resilience

رادمرد، حسین / دانشجوی دکتری قرآن و روانشناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
صفورائی پاریزی، محمد مهدی / دانشیار جامعه المصطفی العالمیه، موسسه آموزش عالی علوم انسانی، گروه روانشناسی، قم، ایران.

Radmard, Hossain / PHD student in Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

h.r1360@yahoo.com

Safurayi parizi, Mohammad mahdi / Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

The family is one of the most important institutions of society and forms the human personality. Optimal family functioning is a very influential factor in the flourishing, growth and development of family members. The purpose of this study was to predict family functioning based on couples' perception of God's presence in life through the mediation of individual resilience. The present study is a descriptive correlational study based on the steps proposed by Baron and Kenny (1986) and the regression method is used. For this purpose, 170 teachers from Birjand city were selected using stratified random sampling method. Data were collected using the God Imagination Questionnaire (Lawrence, 1997), the Resilience Scale (Connor and Davidson, 2003) and the McMaster Family Functioning Scale

چکیده

خانواده، یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده‌ی شخصیت آدمی است. کارکرد بهینه خانواده، عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است. هدف این پژوهش پیش‌بینی کارکرد خانواده براساس ادراک زوجین از حضور خدا در زندگی با واسطه‌گری تاب‌آوری فردی بود. پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی از نوع هم‌بستگی است که طبق مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) و از روش رگرسیون استفاده شده است. بدین منظور ۱۷۰ معلم از معلمان شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه تصور از خدا (لارنس، ۱۹۹۷)، مقیاس تاب‌آوری (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) و مقیاس کارکرد خانواده مک‌مستر (۱۹۸۳)

(1983). The results of statistical analysis showed that there is a significant positive relationship between perception of God's presence and resilience and a significant negative relationship with unhealthy family functioning. The results of regression analysis also showed that family functioning can be predicted by the perception of God's presence and explains 22.1% of family functioning. Also, the reflection of the relationship between the couple's perception of God and the functioning of the family is a partial mediation.

Keywords: Family, family function, resilience, perception of God's presence, life challenges.

استفاده شد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که بین ادراک حضور خدا در زندگی با تاب‌آوری رابطه معنادار مثبت $R = ۴۳۷$ و با کارکرد ناسالم خانواده رابطه معنادار منفی $R = ۴۷۶$ وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد ادراک حضور خدا ۱۲٫۲ درصد از کارکرد خانواده را تبیین می‌کند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه اصلی پژوهش طبق روش بارون و کنی (۱۹۸۶) نیز نشان داد که تاب‌آوری رابطه ادراک زوجین از خدا در زندگی با کارکرد خانواده را واسطه‌گری جزئی ($\beta = -۰٫۳۰۴$) می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، کارکرد خانواده، ادراک حضور خدا، تاب‌آوری.

مقدمه

در اسلام خانواده نهادی است که با پیمان زندگی مشترک یک زن و مرد مسلمان بنا نهاده می‌شود و بر اساس آن غالب زن و مرد با فرزندان و گاهی فرزند همسر، پدر و مادر بزرگ در مسکنی واحد و در فضایی همراه با آرامش و محبت، تحت مدیریت و تأمین معیشت مرد زندگی می‌کنند؛ زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر به ویژه نیاز جنسی مسئول و برای سایرین نقش محافظتی و پرورشی دارند (صفورایی و سراقی، ۱۳۹۸). نهاد خانواده، از منظر اسلام، دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است که قابل مقایسه با هیچ نهاد دیگری نیست. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱). پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «در اسلام، بنیادی نهاده نشده است که در نزد خدا، از ازدواج محبوب‌تر باشد»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ق).

کارکرد خانواده^۲ جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی اعضا آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیلبرن^۳، ۲۰۰۶، به نقل از قمری و خوشنام، ۱۳۹۰). مدل کارکرد خانواده مک مستر^۴ از جمله مدل‌هایی است که در دهه ۱۹۶۰ توسط

۱. «ما بنی فی الأسلام بناء أحب الی الله عزوجل، و أعز من التزویج» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲)

2. Family Functioning.

3. Sylbvrn, S.

4. Mc Master Model Of Family Functioning.

پشتاین^۱، بیشاپ^۲ و لوین^۳ در دانشگاه مک‌مستر ارائه شد. این مدل مبتنی بر رویکرد سیستمی با مؤلفه‌های حل مسئله، روابط، نقش‌ها، پاسخ‌گویی عاطفی، درگیری عاطفی و کنترل رفتار می‌باشد که ساختار، سازمان و الگوی تبدالی واحد زناشویی را توصیف می‌کند. (کیت‌نر و همکاران، ۱۹۹۶، به نقل از محمدی‌زاده، ۱۳۸۵).

پژوهش‌های بسیاری تاکنون به بررسی عوامل تأثیرگذار بر کارکرد خانواده پرداخته‌اند. از جمله این عوامل می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی زوجین (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸)، باورهای ارتباطی (سیف و اسلامی، ۱۳۸۷) و مهارت‌های زندگی (پورقاسمی، ۱۳۸۹) اشاره نمود. یکی از عواملی که در ارتباط با کارکرد خانواده مورد پژوهش قرار گرفته است، میزان دین‌داری و معنویت افراد است. هرچند که در این زمینه پژوهش‌های اندکی صورت گرفته اما نتایج آنها اثر مثبت دین‌داری بر کارکرد خانواده را تأیید می‌کند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش پورنازی، مقیمی، قلی‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و یوسفی، مرزی، نظری‌پور (۱۳۹۲) اشاره کرد.

اما اینکه دین‌داری چگونه بر کارکرد خانواده تأثیر می‌گذارد به متغیرهای مختلفی می‌توان اشاره کرد. پین^۴ (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که دین‌داری به خصوص باورهای دینی خانواده‌ها، نوع و سطح نگرش‌ها، اهداف و انتظارات، ادراکات، مفهوم‌سازی و ارتباطات عاطفی و انسجام بین اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله مهم‌ترین باورهای دینی، تصور از خدا (خداانگاره) را می‌توان نام برد که به‌عنوان درک تجربه‌ی شخص از خدا می‌باشد و با بسیاری از کارکردهای روان‌شناختی و دینی رابطه معنادار دارد (نورعلیزاده، ۱۳۹۱).

گورساج^۵ (۱۹۶۸) اعتقاد دارد که تصور از خدا خیلی پیچیده‌تر و از لحاظ روان‌شناختی بامعنی‌تر از آن چیزی است که با ارزیابی‌های مکرر درجات اعتقاد مذهبی به دست آید. بر این اساس وی معتقد است مطالعه‌ی تصورات افراد از خدا می‌تواند بیشتر از متغیر میزان دین‌داری، نشان از میزان بلوغ ذهنی و رسش روانی-معنوی ایشان باشد. همچنین در صورتی که صحبت از شناخت افراد و شخصیت ایشان به میان آید و بخواهیم سازه‌ای روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از ویژگی‌های روانی افراد پی ببریم، آنگاه تصویری که فرد از خدا دارد، بسیار مهم است (لارنس، ۱۹۹۷).

1. Epstein, N.B.

2. Bishop, D.S.

3. Levine.

4. Payne, P. B.

5. Gorsuch, R. L.

از عوامل مؤثر در پیوند بین زن و شوهر و اعضای خانواده، التزام به باورهای دینی از جمله خداباوری است که در تحکیم روابط اعضای خانواده تأثیر بسزایی دارد. بی‌بهره بودن برخی از خانواده‌ها از این باورها، مشکلات متعددی را در همه مراحل زندگی به دنبال دارد که قرآن کریم از آن به زندگی تنگ و سخت (طه، ۱۲۴) تعبیر می‌فرماید (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۲۷). از این رو، باور به خداوند در زندگی عادی انسان‌ها نقش مهمی دارد و ترک این باور، آرامش و لذت را از زندگی زائل می‌کند (ر.ک؛ سالاری فر، ۱۳۹۲: ۶۹).

تصور از خدا یکی از محوری‌ترین جنبه‌های نظام اعتقادی است که از طریق تجربیات مذهبی افراد شکل می‌گیرد و به صورت احساس معنوی از خدا درمی‌آید (علیانسب، ۱۳۹۱). تصور افراد از خدا بر ارتباط آنها با هر چیزی و از همه مهم‌تر نگرش افراد نسبت به خود، افراد دیگر و به طور کلی بر تمام زندگی آنها تأثیرگذار می‌باشد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳). از منظر آیات و روایات اعتقاد به اینکه همه ما در محضر خدا هستیم یکی از اهرم‌های مهم بازدارنده از انحرافات رفتاری است.

آیات قرآن کریم در بیان‌های مختلفی یادآوری حضور خدا را به بندگان، گوشزد می‌کند. «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؛ آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟» (علق، ۱۴). «إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِّغُكَ؛ قطعاً پروردگار تو در کمینگاه است.» (فجر، ۱۴). «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ و خدا بر نگاه خیانت چشم خلق و اندیشه‌های نهانی دلها (ی مردم) آگاه است.» (غافر، ۱۹).

ادراک حضور و مراقبت خداوند و توجه به جایگاه رفیع الهی موجب کنترل بسیاری از رفتارهای ناپه‌نجان در انسان مؤمن می‌گردد. خداوند در آیه ۱۰۵ سوره مبارکه توبه بر این نکته تأکید می‌کند: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ و بگو که هر عمل کنید خدا آن عمل را می‌بیند و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه می‌شوند، آنگاه به سوی خدایی که دانای عوالم غیب و شهود است بازگردانیده شوید و او شما را به کردارتان واقف سازد.»، بنابراین، پیام آیه سوره توبه این است: ای کسانی که به خدا و رسول او اعتقاد دارید! بدانید که شما در محضر و دید خدا و رسول خدا و مؤمنان خاص و بندگان مخلص او هستید، لذا مراقب اعمال خویش باشید و توجه کنید که چه می‌کنید. مبادا در محضر آنان کاری کنید که موجب سرافکندگی خودتان و هتک حرمت آنان شود.

همچنین علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه ذیل آیه شریفه: «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال،

۲۴). می‌فرماید اینکه خداوند بین انسان و قلب او حائل است بدان معناست که خداوند در تمام لحظات حاضر و ناظر و بر همه ابعاد وجودی انسان مسلط است. توجه به این مطلب موجب کنترل بسیاری از رذائل اخلاقی می‌گردد. ایشان بر این باور است که توجه به حضور دائمی خداوند در لحظه لحظه زندگی ریشه نفاق، غرور و تکبر که مانع بزرگی در روابط بین فردی است را به طور کلی از بین می‌برد. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۶۱-۶۳).

بر همین اساس به نظر می‌رسد وقتی زوجین حضور خدا را در همه لحظات زندگی مشترک ادراک کنند، از سویی رفتارهای نابهنجار را کنترل و از سوی دیگر موجب ایجاد فضایی عاطفی و محبت‌آمیز گردد. علامه طباطبایی رحمته‌الله ذیل آیه ۲۴ سوره مبارکه انفاق نیز می‌فرماید توجه به حضور دائمی خداوند در زندگی موجب می‌شود دل‌ها سرشار از رحمت الهی و بهترین حالات روحی برای انسان حاصل گردد (علامه طباطبایی، ج ۹، ص ۶۳). از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام ازدیاد محبت در خانواده یکی از آثار ایمان، برشمرده شده است. هرچه ایمان و تقوا بیشتر باشد، به همان اندازه عشق و محبت وی نسبت به اعضای خانواده اش افزون‌تر می‌گردد، چنان‌چه امام جعفر صادق علیه‌السلام در این باب می‌فرماید: «ما اُظنَّ رجلاً یزادُ فی الایمانِ خیراً الا ازادَ حباً لِلنِّساءِ»، «گمان نمی‌کنم ایمان مردی زیاد شود، مگر آنکه محبت و عشق او به همسرش بیشتر گردد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۲۰). یا در روایتی دیگر، رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «کَمَا ازادَ العبدُ ایمانا ازادَ حباً لِلنِّساءِ»، «هرچه ایمان بنده زیاد شود، محبت [وی] به زن‌ها نیز زیاد می‌شود» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۹۲). ایجاد روابط عاطفی و محبت‌آمیز در روابط زناشویی مستلزم ارتقای کارکرد خانواده است.

به همین دلیل ادراک حضور خدا در زندگی نقش اساسی در کیفیت ارتباطات اعضای خانواده گذاشته و موجب ارتقای کارکرد خانواده می‌گردد. اما باوجود اهمیتی که سازه‌ی ادراک حضور خدا دارد، کمتر مورد توجه پژوهشگران حوزه خانواده قرار گرفته است. از سویی دیگر یکی از عوامل اساسی که موجب مقاومت موفقیت‌آمیز اعضای خانواده در برابر موقعیت‌های چالش برانگیز بوده و نقش مهمی در سازگاری فرد و عاملی مهم برای حل مشکلات و غلبه بر آنهاست، «تاب‌آوری»^۱ است.

«تاب‌آوری» یکی از سازه‌های روان‌شناختی است که مورد توجه روان‌شناسان مثبت‌نگر قرار گرفته است. به باور گارمزی^۲ و ماستن^۳ (۱۹۹۰) تاب‌آوری یک فرایند یا توانایی سازگاری

1. Resiliency.

2. Garnezy, N.

3. Masten, A.S.

موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدکننده می‌باشد (سامانی، جوکار و صحراگرد، ۱۳۸۶). کانرا و دیویدسون^۲ (۲۰۰۳) معتقدند که تاب‌آوری تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست، بلکه مشارکت فعال و سازنده فرد در محیط است. در واقع تاب‌آوری توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی-روانی در شرایط خطرناک است (شاکری نیا و محمدپور، ۱۳۸۹) که در هر یک از زوجین در عرصه خانواده می‌تواند نمایان شود. بنابراین انتظار می‌رود تاب‌آوری نقش مهمی در کارکرد خانواده ایفا کند.

مطالعات بی‌شماری در زمینه تاب‌آوری، به اهمیت باورهای دینی و شرکت در یک جامعه مذهبی در رابطه با تاب‌آوری اشاره دارند (ورنر^۳، ۱۹۹۳). نتایج تحقیقات، نقش دین‌داری خانواده در رشد تاب‌آوری اعضای آن را نشان می‌دهد (احمدی، ناصرآبادی، مرادی و همکاران، ۱۳۹۴). به‌عنوان نمونه پژوهش صدیقی، معصومی و شاه‌سیاه (۱۳۹۴) حاکی از این است که اعتقادات و باورهای دینی یکی از زمینه‌های مهم رشد تاب‌آوری است. بررسی پیشینه در ارتباط متغیر تصور از خدا با تاب‌آوری گزارش چشمگیری را نشان نمی‌دهد بدین منظور از متغیرهای هم‌سو همچون دین‌داری در پژوهش حاضر بهره گرفته شده است. شواهدی که نقش دین را به‌عنوان یک مکانیسم حفاظتی در نوجوانان در معرض خطر بررسی کرده‌اند، نیز حاکی از آن است که دین‌داری می‌تواند باعث ارتقای تاب‌آوری در آنها شود (بال^۴، ۲۰۰۳). همچنین طبق تحقیقات والش^۵ نظام باورها و به‌خصوص باورهای دینی نه‌تنها در تاب‌آوری افراد مؤثر است بلکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع رشد تاب‌آوری محسوب می‌شود (والش ترجمه دهقانی، ۱۳۹۱، ص ۶۸). پارگامنت^۶ (۲۰۰۷)، به‌نقل از بوالهبری، (۱۳۹۲) به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان حوزه دین و معنویت، در پژوهش‌های خود نوع ادراک افراد از خدا را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع برای مدیریت چالش‌ها و ناملازمات زندگی می‌داند. بنابراین به نظر می‌رسد تصورات فرد از خدا به‌عنوان یکی از باورهای اساسی و مهم در مجموعه باورهای دینی افراد از جمله منابع مهم رشد تاب‌آوری محسوب شود.

1. Conner, K.M.

2. Davidson, J.R.T.

3. Werner, E.E.

4. Ball, J.

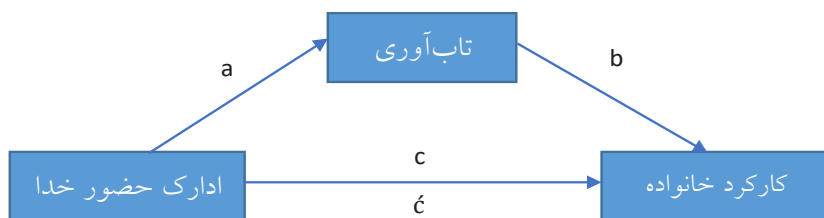
5. Walsh, F.

6. Pargament, K.I.

خانواده خصوصاً در زمان کنونی با چالش‌ها و آسیب‌های گوناگونی مواجهه است. یکی از عوامل اساسی که موجب مقاومت موفقیت‌آمیز اعضای خانواده در برابر موقعیت‌های چالش‌برانگیز بوده و نقش مهمی در سازگاری فرد و عاملی مهم برای حل مشکلات و غلبه بر آنهاست، «تاب‌آوری» است (مطهری، بهزادپور و سهرابی، ۱۳۹۲). نتایج برخی پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که افزایش تاب‌آوری موجب ارتقای کیفی خانواده و بهبود کارکرد آن است (رادمرد و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد کارکرد مطلوب خانواده از طریق تاب‌آوری بالا در بردارنده یک سیستم پویا برای سازگاری و غلبه بر مشکلات است. بنابراین سطوح تاب‌آوری بالا باعث می‌شود که کارکرد خانواده در برابر تهدیدات و عوامل فشارزا نتایج رشدی مثبت به بار آورد (گلدشتاین و بروکس، ۲۰۱۳).

با توجه به آنچه در رابطه دین‌داری و به‌خصوص ادراک حضور خدا در زندگی و تاب‌آوری با کارکرد خانواده گذشت، به نظر می‌رسد می‌توان رابطه سه متغیر «تصور از خدا»، «تاب‌آوری» و «کارکرد خانواده» را مورد بررسی قرارداد. همچنین با توجه به اینکه ادراک حضور خدا در زندگی به عنوان یکی از منابع رشد تاب‌آوری است، و از سوی دیگر تاب‌آوری نقش مهمی در ارتقای کارکرد خانواده دارد، انتظار می‌رود متغیر «ادراک حضور خدا» به عنوان یکی از باورهای دینی از طریق افزایش «تاب‌آوری» بر کارکرد خانواده اثرگذار باشد. یا به عبارتی دیگر بتوان کارکرد خانواده را براساس ادراک زوجین از خدا در زندگی با واسطه‌گری تاب‌آوری پیش‌بینی نمود. بر همین اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به این سوال اصلی که «آیا تاب‌آوری رابطه بین ادراک حضور خدا و کارکرد خانواده را واسطه‌گری می‌کند؟»

شکل ۱-۲ مدل مفهومی نقش واسطه‌گری تاب‌آوری در پیش‌بینی کارکرد خانواده بر اساس ادراک زوجین از حضور خدا در زندگی را نشان می‌دهد.



شکل ۱-۲: مدل مفهومی نقش واسطه‌گری تاب‌آوری

روش پژوهش

پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی از نوع هم‌بستگی است که طبق مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) و از روش رگرسیون ساده و چندگانه استفاده شده است. در این مطالعه ادراک حضور خدا در زندگی به عنوان متغیر برون‌زاد و متغیرکارکرد خانواده به عنوان متغیر درون‌زاد و تاب‌آوری به عنوان متغیر واسطه‌ای در نظر گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش معلمان متأهل ساکن در شهر بیرجند مرکز استان خراسان جنوبی می‌باشند. نمونه آماری مورد پژوهش از میان جامعه مذکور براساس جدول مورگان ۱۷۰ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی گردآوری شده است. در نمونه‌گیری طبقه‌ای حجم نمونه (n) را به سه شیوه تقسیم مساوی، انتساب بهینه و انتساب متناسب، می‌توان میان طبقه‌ها تقسیم کرد (سرمد و همکاران، ص ۱۸۵). مدارس موجود در شهر بیرجند سه مقطع ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم طبقه‌بندی شدند. سپس به شیوه انتساب متناسب، سهم هر یک از مقاطع تعیین گردید. در مرحله بعد به جهت توزیع متناسب و افزایش دقت نمونه‌گیری در هر مقطع تحصیلی سهم هر از مدارس دخترانه و پسرانه نیز به تناسب طبق فرمول معین شد. سپس از بین مدارس موجود به‌طور تصادفی مدرسه مورد نظر طبق لیست آموزش و پرورش انتخاب و در مرحله نهایی پرسش‌نامه‌ها در میان معلمان مدرسه توزیع گردید.

ابزار پژوهش

مقیاس کارکرد خانواده (مک‌مستر): یک پرسش‌نامه ۶۰ سوالی است که برای سنجش کارکرد خانواده بنا برالگوی مک‌مستر تدوین شده است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد و شش کارکرد خانواده را مورد نظر می‌گیرد. ابعاد شش‌گانه مذکور عبارت از حل مسئله، روابط، نقش‌ها، پاسخ‌گویی عاطفی، درگیری عاطفی و کنترل رفتار می‌باشد. بنابراین این ابزار دارای ۶ خرده‌مقیاس برای سنجش این ابعاد خواهد بود. خرده‌مقیاس کارکرد کلی خانواده که نماینده ۶ خرده‌مقیاس فوق می‌باشد به عنوان خرده‌مقیاس هفتم در نظر گرفته شده است (ثنایی، ۱۳۷۹، ص ۱۱). پرسش‌نامه مک‌مسترکارکرد ناسالم خانواده را مورد سنجش قرار می‌دهد. بنابراین نمره بالاتر درمقیاس نشانه کارکرد ناسالم و نمره پایین‌تر حکایت از کارکرد سالم خانواده دارد (همان). میر عنایت (۱۳۷۸) در پژوهش خود تحت عنوان «مقایسه سلامت عمومی دانشجویان مجرد و متأهل ۲۰-۳۰ شهرستان

خمینی شهر» ضرایب آلفای خرده‌مقیاس ابزار سنجش خانواده را از ۷۲٪ تا ۹۲٪ به دست آورده که از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است. در این پژوهش ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های حل مسئله، ارتباطات، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتاری و کارکرد کلی خانواده در پژوهش امینی (۱۳۷۹) به ترتیب ۹۲٪ و ۶۱٪ و ۳۸٪ و ۷۲٪ و ۶۴٪ و ۶۵٪ و ۶۱٪ و ۸۱٪ گزارش شده است. همین ضرایب آلفا برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های آن در پژوهش رضایی (۱۳۷۸) به ترتیب ۳۸٪، ۶۱٪، ۴۲٪، ۶۳٪، ۶۷٪، ۶۶٪، ۹۱٪ و ۷۳٪ گزارش شده است (همان).

مقیاس تصور از خدا (لارنس): این مقیاس توسط لارنس (۱۹۹۷) ساخته شده است و مشتمل بر ۷۲ پرسش و ۶ خرده‌مقیاس می‌باشد که هر کدام از ۱۲ سوال تشکیل شده‌اند و برای سنجش ۶ بعد تصویر از خدا با عناوین حضور، چالش، پذیرش، خیرخواهی، تأثیر، مشیت می‌باشد. نگارنده سوالات مختص به ادراک حضور خدا در زندگی را از پرسشنامه مذکور جدا و به صورت مستقل در فرایند سنجش مورد استفاده قرار داده است. لارنس اعتبار آزمون تصور از خدا را بدین‌گونه گزارش کرده است: خرده‌مقیاس حضور، ۹۴٪/ خرده‌مقیاس چالش ۸۶٪/ خرده‌مقیاس پذیرش ۹۰٪/ خرده‌مقیاس خیرخواهی ۹۱٪/ خرده‌مقیاس تأثیر ۹۲٪/ خرده‌مقیاس مشیت ۹۲٪/ و پایایی کل ۹۱٪ می‌باشد. این ابزار سال ۱۳۹۱ در ایران توسط علیانسنب رواسازی شده است. علیانسنب در پژوهش خود با عنوان رابطه تصور از خدا و دل‌بستگی به خدا با اضطراب مرگ، روایی و همسانی درونی خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه را مورد بررسی قرار داده است (علیانسنب، ۱۳۹۱، ص ۲۰۸). همچنین صادقی اعتبار این مقیاس را در مطالعه مقدماتی که بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان اجرا شده بود توسط آلفای کرونباخ ۸۶٪/ گزارش کرد. روایی این مقیاس با استفاده از روش روایی محتوایی توسط صادقی، ملک عسکر و مظاهری (۱۳۸۷) محاسبه شد و سپس اعتبار آزمون با روش اجرای مجدد ۱۶ مورد اندازه‌گیری قرار گرفت و ضریب هم‌بستگی پیرسون برای محاسبه میزان هم‌بستگی بین نمرات دو بار اجرای آزمون ۸۷٪/ به دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری (کارنر و دیویدسون): پرسش‌نامه کارنر و دیویدسون ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین یک (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه درست) نمره‌گذاری می‌شود. در این مقیاس، نمره بالاتر، تاب‌آوری بیشتر در فرد را نشان می‌دهد. روایی این مقیاس به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا و اعتبار آن نیز به روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ توسط سازندگان آزمون در گروه‌های مختلف محاسبه شده است. در پژوهش سامانی، جوکار

و صحراگرد (۱۳۸۶)، اعتبار این مقیاس در دانشجویان به کمک ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ به دست آمد و نتایج آزمون تحلیل عامل بر روی این مقیاس بیانگر وجود یک عامل عمومی در مقیاس بود. مقدار ضریب KMO برای این تحلیل برابر ۰/۸۹ و مقدار آزمون کرویت بارتلت برابر ۶/۶۴ می‌باشد (علیزاده، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های حاصل از رگرسیون همزمان و گام به گام متغیرها و نتایج به دست آمده از پیگیری مراحل بارون و کنی برای بررسی واسطه‌گری تاب‌آوری گزارش شده است. در جدول شماره ۱ یافته‌های جمعیت شناختی به تفکیک جنسیت ارائه گردیده است. این یافته‌ها حاکی از آن است از میان ۱۷۰ نفر نمونه پژوهش حاضر، ۸۰ نفر مرد و ۹۰ نفر خانم می‌باشد. همچنین در جدول شماره ۲ یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و نیز ماتریس هم‌بستگی متغیرهای ادراک حضور خدا، تاب‌آوری و کارکرد کلی خانواده نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: جمعیت شناختی به تفکیک زن و مرد

	تعداد	درصد
مرد	۸۰	۴۷.۸
زن	۹۰	۵۸.۲
فراوانی	۱۷۰	۱۰۰

جدول شماره ۲: یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و نیز ماتریس هم‌بستگی

متغیرهای ادراک حضور خدا، تاب‌آوری و کارکرد

کارکرد کلی	درگیری عاطفی	کنترل رفتاری	پاسخگویی عاطفی	نفس‌ها	روابط	حل مسئله	تاب‌آوری	حضور	انحراف استاندارد	میانگین	ادراک حضور خدا
								۱	۴/۱۷	۴۰/۶۲	
							۱	.۴۳۷**	۱۲/۲۵	۹۴/۹۴	تاب‌آوری
						۱	-.۵۳۳**	-.۴۷۳**	۲۹/۲	۱۱/۸۶	حل مسئله

					۱	.۵۶۱**	-.۴۲۶**	-.۴۱۰**	۲۸/۳	۱۹/۳۴	روابط	
				۱	.۵۴۳**	.۵۲۲**	-.۲۸۹**	-.۲۸۲**	۶۱/۳	۲۴/۹۸	نقش‌ها	
				۱	.۶۴۵**	.۶۳۸**	.۵۶۳**	-.۳۸۷**	-.۴۰۸**	۴۵/۲	۱۲/۶۳	پاسخگویی عاطفی
			۱	.۵۳۴**	.۵۸۸**	.۴۹۶**	.۵۵۶**	-.۳۸۹**	-.۳۵۰**	۰۰/۳	۱۹/۲۰	کنترل رفتاری
		۱	.۴۰۲**	.۵۲۱**	.۵۲۶**	.۴۴۴**	.۲۸۷**	-.۱۹۶*	-.۲۴۴**	۴۲/۲	۱۵/۶۹	درگیری عاطفی
۱	.۵۲۱**	.۶۰۴**	.۷۷۷**	.۶۹۷**	.۶۹۳**	.۷۴۹**	-.۵۲۳**	-.۴۷۵**	۹۹/۴	۲۴/۱۸	کارکرد کلی	

جدول ۲ نشان می‌دهد که بین متغیرهای پژوهش حاضر، هم‌بستگی معنادار وجود دارد. براساس مندرجات جدول ۲ ضریب هم‌بستگی ادراک حضور خدا در زندگی با تاب‌آوری $R = .437$ می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میان ادراک حضور خدا با نمره کل تاب‌آوری رابطه معنادار مثبت وجود دارد. همچنین ضریب هم‌بستگی ادراک حضور خدا با حل مسئله، روابط، نقش‌ها، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری، درگیری عاطفی و کارکرد کلی خانواده به ترتیب $R = -.473$ ، $R = -.410$ ، $R = -.282$ ، $R = -.408$ ، $R = -.350$ ، $R = -.244$ ، $R = -.475$ می‌باشد. نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد میان ادراک خدا در زندگی با تمام خرده‌مقیاس‌های کارکرد خانواده رابطه معنادار منفی وجود دارد. از سوی دیگر بین تاب‌آوری و کارکرد کلی خانواده نیز رابطه معنادار منفی $R = -.523$ وجود دارد.

جدول ۳: ضریب تعیین و رگرسیون همزمان کارکرد کلی خانواده توسط ادراک حضور خدا

سطح معناداری	F معادله رگرسیون	R^2 استاندارد شده	ضریب تبیین R^2	P سطح معناداری	ضریب هم‌بستگی R	کارکرد کلی
۰.۰۰۱	۴۸.۸۶	۰.۲۲۱	۰.۲۲۵	۰.۰۰۱	-۰.۴۷۵	
متغیر پیش‌بین: ادراک حضور خدا						

در جدول ۳ نتیجه رگرسیون همزمان به منظور پیش‌بینی کارکرد کلی خانواده به نمایندگی از متغیر کارکرد خانواده توسط مقیاس ادراک حضور خدا ارائه شده است. براساس مندرجات جدول ۳ میزان هم‌بستگی (R) متغیرهای تصور از خدا با کارکرد کلی خانواده $.475$ و مقدار مجذور R استاندارد شده برابر $.221$ می‌باشد. این بدان معناست که مدل مورد استفاده $1/22$ درصد از واریانس ایجاد شده در کارکرد خانواده را تبیین می‌کند.

به جهت بررسی نقش واسطه‌گری تاب‌آوری است از مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده گردید. در این مرحله اول رگرسیون نمودن متغیر میانجی تاب‌آوری بر روی متغیر مستقل اصلی ادراک حضور خدا (جدول ۴)، در مرحله دوم، رگرسیون نمودن متغیر وابسته اصلی کارکرد کلی بر روی متغیر مستقل اصلی ادراک حضور خدا (جدول ۴) و در مرحله سوم رگرسیون نمودن متغیر وابسته اصلی کارکرد کلی بر روی متغیر مستقل اصلی تصور حضور خدا و متغیر میانجی تاب‌آوری به طور همزمان (جدول ۵)، اجرا شد.

جدول ۴: نتایج رگرسیون مرحله اول و دوم از مدل مفهومی

معناداری	آزمون t	ضریب استاندارد شده (β)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد نشده (B)	مسیر a و مسیر c
.۰۰۰	۱۶.۵	۴۳۷.۰	۱۴۱.۰	۸۶۴.۰	تاب‌آوری \rightarrow حضور
.۰۰۰	۷۶۵.۷	-۴۷۵.۰	۰۵۸.۰	۴۵۳.۰	کارکرد کلی \leftarrow حضور

همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب بتای مسیر تصور حضور به کارکرد کلی (مسیر c) برابر ۰.۴۷۵- می‌باشد. همچنین این مسیر در سطح اطمینان ۰.۹۹ درصد معنادار است.

جدول ۵: نتایج رگرسیون مرحله سوم از مدل مفهومی اول

معناداری	آزمون t	ضریب استاندارد شده (β)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد نشده (B)	مسیر b و مسیر c
.۰۰۰	-۶۶۵.۵	-۳۰۴.۰	۰۵۶.۰	-۳۱۶.۰	کارکرد کلی \leftarrow حضور
.۰۰۰	-۰۰۲.۸	-۳۹۰.۰	۰۲۰.۰	-۱۵۸.۰	کارکرد کلی \leftarrow تاب‌آوری

مقایسه جدول ۴ و ۵ نشان می‌دهد ورود متغیر تاب‌آوری در معادله رگرسیون موجب کاهش ضریب رگرسیون مسیر c شده است. ضریب بتای مسیر c برابر ۰.۴۷۵- می‌باشد که پس از ورود متغیر میانجی به معادله رگرسیون این ضریب به ۰.۳۰۴- کاهش پیدا کرده است. این امر حاکی از آن است که بخشی از اثرگذاری متغیر ادراک حضور خدا از مسیر متغیر تاب‌آوری صورت پذیرفته است. بنابراین می‌توان گفت این فرضیه که تاب‌آوری رابطه تصور حضور خدا با کارکرد خانواده را واسطه‌گری جزئی می‌کند، مورد تأیید است.

براساس جداول و تحلیل‌های فوق می‌توان گفت متغیر تاب‌آوری رابطه ادراک حضور خدا، با کارکرد خانواده را واسطه‌گیری جزئی می‌کند. به عبارتی دیگر می‌توان براساس ادراک حضور خدا در زندگی کارکرد خانواده را با واسطه‌گری تاب‌آوری پیش‌بینی کرد.

روش بارون و کنی به جای آزمودن کل مسیر غیرمستقیم ($X \leftarrow M \leftarrow Y$) به آزمودن

مسیرهای $X \leftarrow M$ و $M \leftarrow Y$ به صورت جداگانه اکتفا می‌کند. به عبارتی دیگر در این روش به جای اینکه بررسی کند آیا a. b به طور معناداری از صفر متفاوت است تنها معناداری a و b به صورت مجزا بررسی می‌شود. برای جبران نقص مذکور از روش بوت‌استرپینگ در نرم‌افزار Amos استفاده شد. در روش بوت‌استرپینگ معناداری مسیر (a. b indirect effect) به صورت یکجا تخمین زده می‌شود.

جدول ۶: نتایج بوت‌استرپ مسیرهای غیرمستقیم a. b

مسیرهای غیر مستقیم	مسیر	بتا	حد پایین	حد بالا	p-value
ادراک حضور خدا \leftarrow تاب‌آوری \leftarrow کارکرد کلی خانواده	a.b	-۰,۱۱۵	-۰,۰۸۲	-۰,۱۵۳	۰,۰۱

در جدول ۶ نتایج مسیرهای غیرمستقیم a. b ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مسیرهای غیرمستقیم ادراک حضور خدا \leftarrow تاب‌آوری \leftarrow کارکرد کلی خانواده، با ضریب بتای -۰,۱۱۵، در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. این بدان معناست که علاوه بر اینکه مسیرهای دوجه‌دو در مدل مفهومی پژوهش معنادار است، کل مسیر به‌طور هم‌زمان نیز از معناداری لازم برخوردار است. با اجرای روش بوت‌استرپینگ نقص روش بارون و کنی که امکان سنجش معناداری کل مسیر در آن مقدور نبود، جبران می‌شود. تعداد نمونه‌گیری مجدد در بوت‌استرپ ۵۰۰۰ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت واسطه‌گری تاب‌آوری در رابطه تصور حضور خدا، با کارکرد خانواده به‌طور معناداری از صفر متفاوت است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی پیش‌بینی کارکرد خانواده براساس ادراک زوجین از حضور خدا در زندگی با واسطه‌گری تاب‌آوری بود. نتایج پژوهش حاضر، حاکی از آن است که ادراک زوجین از حضور خدا در زندگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر کارکرد خانواده اثر دارد. در رابطه با اثر مستقیم تصور از خدا بر کارکرد خانواده، نتیجه به دست آمده هم‌سو با پژوهش‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، خوش‌فر و ایلواری (۱۳۹۴)، هاشم‌زاده و دیاریان (۱۳۹۴)، بوستان و جعفری (۱۳۹۳)، احمدی و همکاران (۱۳۹۴)، ماهونی و همکاران (۲۰۰۳)، هالتر و همکاران (۲۰۰۵)، فینچام و همکاران (۲۰۱۱) هم‌سو است. در تبیین این یافته، آلپورت (۱۹۶۷) دین و مذهب را به‌عنوان فلسفه وحدت‌بخش زندگی توصیف می‌کند و آن را یکی از عوامل بالقوه مهم برای سلامت روان دانسته است. در همین

راستا نتایج تحقیقات مارش و همکاران (۲۰۰۲) حاکی از آن است که دین عامل مهمی در پیشگیری و حل تعارض، مدیریت استرس و خشم زوجین و عملکرد مؤثر خانواده و کاهش دل‌زدگی زناشویی دارد. نتایج تحقیقات بنت (۲۰۰۴)، هانلر و گنچوز (۲۰۰۵)، اورتینگال و ونستیوگن (۲۰۰۶)، آنتونسن (۲۰۰۳)، و فیس و تامکو (۲۰۰۱) نیز حاکی از این است که هرچه میزان تفاوت مذهبی زوجین در باورها و رفتارها بیشتر باشد، عدم رضایت بیشتری از ازدواج خود داشته و در نتیجه از کارکرد خانوادگی پایینی برخوردار خواهند بود. تصور افراد از خدا بر ارتباط آنها با هر چیزی و از همه مهم‌تر نگرش افراد نسبت به خود، افراد دیگر و به طور کلی بر تمام زندگی آنها تأثیرگذار می‌باشد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳). به همین دلیل نقش اساسی در کیفیت ارتباطات اعضای خانواده گذاشته و موجب ارتقای کارکرد خانواده می‌گردد.

در رابطه با تأثیر غیرمستقیم ادراک زوجین از حضور خدا در زندگی بر کارکرد خانواده، نتایج پژوهش طبق روش بارون و کنی (۱۹۸۶)، نشان داد با ورود متغیر تاب‌آوری به معادله رگرسیون مدل مفهومی پژوهش، بخشی از تأثیرگذاری متغیر ادراک حضور خدا از طریق تاب‌آوری قابل تبیین است. نتایج پژوهش نشان داد متغیر ادراک خدا ۱۰۲۲ درصد از واریانس کارکرد خانواده پیش‌بینی می‌کند. براساس نتایج این پژوهش تصور از خدا به‌عنوان یکی از محوری‌ترین جنبه‌های نظام اعتقادی ضمن داشتن رابطه معنادار مثبت با تاب‌آوری با کارکرد ناسالم خانواده رابطه معنادار منفی دارد. این بدان معناست که افراد هرچه در تصوری که از خدا دارند نمره بالاتری کسب نمایند، تاب‌آوری بالاتری را از خود نشان داده و کارکرد ناسالم پایین‌تری خواهند داشت.

یافته‌های مذکور با پژوهش‌های هاشمی و جوکار (۱۳۹۰)، حمید و همکاران (۱۳۹۱)، کرمی و همکاران (۱۳۹۱)، حسینی قمی و سلیمی بجزستانی (۱۳۹۰)، کشاورزی و همکاران (۱۳۹۱)، شاکر و همکاران (۱۳۸۹) هم‌سو است. در پژوهش‌های خارجی نیز یافته‌های مذکور با پژوهش‌های گارمزی (۱۹۹۱)، ماستن (۲۰۰۱)، کارادمس (۲۰۰۶)، هالز (۱۹۹۹)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴)، یانگ و ماو (۲۰۰۷)، گراهام و همکاران (۲۰۰۱)، هم‌خوانی دارد. در تبیین یافته‌های مذکور، پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی دین حاکی از این است که تمایلات معنوی و مذهبی باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی و سلامت روانی است (هالز، ۱۹۹۹؛ فرانسیس، رابینس، لوییس، کوئیگیلی و ویلر ۲۰۰۴). روشن است سلامت روانی اعضای خانواده بهترین بستر برای کنترل هیجانات و مواجهه درست و فعال با چالش‌هاست.

پژوهش فونتولاکیس و همکاران (۲۰۰۸)؛ به نقل از رزاقی، (۱۳۹۴) نشان داد باور به اینکه

خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر بر بندگان است تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر این افراد معتقدند از طریق اتکای به خداوند می‌توان موقعیت‌های غیرقابل کنترل را در اختیار خود در آورد. باور به اینکه خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر بر بندگان است تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر این افراد معتقدند از طریق اتکای به خداوند می‌توان موقعیت‌های غیرقابل کنترل را در اختیار خود در آورد. روابط اعضای خانواده به شدت تحت تأثیر موقعیت‌های بحرانی است. کنترل این موقعیت‌ها در واقع فضای حاکم بر روابط خانواده را تحت تأثیر قرار داده و موجب ارتقای کارکرد خانواده می‌شود. پژوهش‌های کوبا و همکاران (۱۹۸۵) نشان داد که کانون تاب‌آوری، باورهای افراد به ویژه باورهای دینی است. زیرا باورهای دینی فرد می‌تواند زندگی او را به میزان قابل توجهی تغییر دهد. اگر نوع باور و تصورات از خدا بتواند قدرت تاب‌آوری افراد را افزایش دهد از این طریق بر زندگی افراد نیز اثر غیر مستقیم خواهد گذاشت. این یافته با پژوهش‌های هابر و همکاران (۲۰۱۰)، نف و برادی (۲۰۱۱) (۱۹۹۶ هم‌سو است (عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲). نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که تاب‌آوری نقش مهمی در رضایت زناشویی، روابط زوجین، کاهش استرس‌های زناشویی و افزایش هیجانات مثبت دارد.

از منظر آیات و روایات ایمان به خدا، و یاد او در همه حال و اعتقاد به اینکه همه ما در محضر خدا هستیم از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده از انحرافات رفتاری است. اثر و نقشی که درک حضور خدا در کنترل انسان و جلوگیری از طغیان غرائز حیوانی دارد، هیچ چیز چنین اثر و نقشی ندارد. ایمان به خدا و اعتقاد به آگاهی او بر همه چیز و حضور او در همه جا، در انسان آن‌چنان نیرویی در برابر گناه به وجود می‌آورد که او را همچون سپری فولادین و نفوذناپذیر در برابر گناهان می‌کند. آیات قرآن کریم در بیان‌های مختلفی یادآوری حضور خدا را به بندگان، گوشزد می‌کند. «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي»، «آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟» (علق، ۱۴). «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ»، «قطعاً پروردگار تو در کمینگاه است.» (فجر، ۱۴). «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورِ» (مؤمن، ۱۹).

در قرآن واژه «بصیر»، «خدا بیناست» ۵۱ بار، و واژه «سمیع»، «خدا شنواست» ۴۹ بار آمده است. این آیات به روشنی بیان می‌کند که همه ما در محضر خدای بزرگ هستیم. در

هرجا، در خلوت و جلوت، هر کاری بکنیم و حتی اگر در فکر و مغز خود، مطلبی را تصور کنیم، خداوند حاضر و بدان آگاه است.

در روایات فروان نیز، این نکته مورد توجه قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بَعِيْنِهِ، وَنَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ، وَتَقَلُّبُكُمْ فِي قَبْضَتِهِ، إِنَّ أَسْرَرْتُمْ عَلِمَهُ، وَإِنْ أَعْلَنْتُمْ كَتَبَهُ»: «از خداوندی بپرهیزید که همواره در پیشگاه او حاضرید، و زمام اختیار شما به دست او، و حرکات و سکنات شما در قبضه او است، اگر (اعمال و نیات خود را) پنهان کنید می‌داند، و اگر آشکار سازید می‌نویسد». حضور الهی، تنها در بیرون وجود ما نیست، او در درون دل و جان ما، و در اعماق قلب و روح ما نیز حضور دارد. در خطبه ۱۳۲ نهج البلاغه نیز ایشان در این باره می‌فرماید: «الْبَاطِنُ لِكُلِّ خَفِيَّةٍ، وَالْحَاضِرُ لِكُلِّ سَرِيْرَةٍ، الْعَالِمُ بِمَا تُكِنُّ الصُّدُوْرُ وَمَا تَخُوْنُ الْعُيُوْنُ»، «خداوندی که از هر چیز مخفی آگاه است، و در باطن همه حضور دارد، از اسرار نهفته سینه‌ها با خبر است و چشم‌های خیانتگر را به خوبی می‌بیند».

از سویی دیگر معنویت‌گرایان بر این باورند که خداوند در تمامی سختی‌ها و دشواری‌های زندگی در کنارشان است و در دشواری‌ها به آنها کمک می‌کند. ایمان بدین معناست که انسان باور داشته باشد که خداوند هرگز در شرایط دشوار او را تنها نخواهد گذاشت (غباری بناب، ۱۳۸۵). این چنین باوری به انسان کمک می‌کند تا جهان هستی را دارای ناظم و ناظری بداند که بر تمامی موجودات آن اشراف دارد. چنین درک و تصویری از خدا، چنان احساس امنیتی به فرد می‌دهد که در صورت رویارویی با بحران‌ها و مصیبت‌ها، خدا را در کنار خود احساس کرده و وجودش را آرام می‌کند. خداوند در قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «همانا با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» (حدید/۲۵).

یانگ و ماو (۲۰۰۷) معتقدند داشتن هدف و معنا در زندگی، احساس تعلق داشتن به معنای والا، امیدواری به یاری خداوند در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با دارا بودن آنها می‌توانند در رویارویی با حوادث تنش‌زای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند. همچنین به اعتقاد فونتولاکیس و همکاران (۲۰۰۸) باور به اینکه خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر بر بندگان است تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر این افراد معتقدند از طریق اتکای به خداوند می‌توان موقعیت‌های غیرقابل کنترل را در اختیار خود درآورد. این اعتقاد در حوزه خانواده و روابط بین اعضا موجب ارتقای کارکرد خانواده می‌گردد. بنابراین هرگاه زوجین در چالش‌ها، مصائب

و فشارهای زندگی تاب‌آوری بالاتری داشته باشند، روابط و عواطف بین اعضا را بهتر مدیریت خواهند نمود.

افزون بر یافته‌های پژوهش‌های تجربی در تأیید و تبیین فرضیه پژوهش آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز حاکی از وجود چنین رابطه‌ای می‌باشد. خداوند در سوره مبارکه طه آیه ۱۲۴ می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»، «و هر کس که از یاد من اعراض کند، زندگیش تنگ شود و در روز قیامت نابینا محسورش سازیم». زندگی انسان به طور طبیعی دچار فراز و نشیب، چالش و آسیب می‌شود. قرآن کریم یکی از راه‌های اساسی برای برون‌رفت و یا کاهش آثار فشارهای زندگی را یاد و توجه به خداوند متعال معرفی کرده است. هرچند در آیه شریفه ۱۲۴ سوره طه اساساً احساس فشار و سختی در زندگی به عدم توجه و یاد خدا وابسته شده است. اما با این وجود می‌توان گفت این رابطه دو سویه است. به عبارتی دیگر یکی از عوامل احساس فشار در زندگی روی‌گردانی از منبع هستی‌بخش است. و از سویی دیگر اگر به دلایل دیگر هم زندگی دچار چالش شد، یکی از عوامل مهم در کنترل و مدیریت آن، یاد و توجه به خداوند است.

درک و تصور حضور خدا در زندگی یکی دیگر از عوامل مهم تأثیرگذار در تاب‌آوری انسان است. حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در اوج مصائب خود می‌فرمایند: «تحمل این همه فشار و سختی برایم آسان است؛ زیرا همه‌اش در محضر و پیش‌چشمانت اتفاق می‌افتد». یعنی درک حضور خدا عامل تسهیل‌کننده مصائب و ارتقای تاب‌آوری است.

مجموع نتایج به دست آمده نشان داد که ادراک حضور خدا در زندگی قادر از است از طریق افزایش تاب‌آوری، کارکرد خانواده را تبیین و پیش‌بینی کند. بنابراین افرادی حضور خدا در زندگی را بیشتر ادراک کنند، ضمن بهره‌مندی از سطح بالاتری از تاب‌آوری از زمینه بهتری برای بروز کارکرد خانواده برخوردار خواهند بود. از این رو با توجه به نقش سازه‌های مرتبط با حوزه دین در بهبود کارکرد خانواده، به نظر می‌رسد نیازمند توجه بیشتر خانواده درمانگرها در جلسات مشاوره است. زندگی‌های امروزه برخوردار از چالش‌ها و آسیب‌های متعدد شده است بنابراین با توجه به نقش درک و تصورات افراد از خدا در ارتقای تاب‌آوری افراد باید بیشتر مورد توجه پژوهشگران و درمانگران قرار گیرد.

در این پژوهش امکان بهره‌گرفتن از سایر ابزارهای سنجش فراهم نبود، بنابراین بهره‌گیری از پرسش‌نامه به‌تنهایی یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. بر همین اساس پیشنهاد می‌گردد برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر در پژوهش‌های بعدی از ابزاری

همچون مصاحبه بهره گرفته شود. پرسش‌نامه‌های مورد استفاده فاقد تناسب حداکثری با فرهنگ بومی و رویکرد اسلامی می‌باشند. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد پرسشنامه تصور از خدا، تاب‌آوری و کارکرد خانواده با رویکرد اسلامی و متناسب با فرهنگ بومی ساخته و در پژوهش‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد. تعداد بالای سؤالات، از جمله محدودیت‌های دیگر این پژوهش است که با توضیح اهمیت نتایج پژوهش، ایجاد آیت‌های تشویقی و دقت در انجام دقیق فرایند نمونه‌گیری، تلاش شد که خطای حاصل از زیادی سؤالات کاهش یابد. بنابراین، مناسب است فرم کوتاه پرسشنامه‌های مذکور با رعایت استانداردهای لازم تهیه و مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش با توجه به اهداف مورد نظر خود صرفاً به دنبال بررسی رابطه بین متغیرها بوده و درنهایت، یافته‌های پژوهش را گزارش می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود جهت استفاده کاربردی یافته‌های پژوهش به صورت ساخت و کاربست بسته‌های آموزشی با رویکرد اسلامی به‌ویژه بر مبنای «درک حضور خدا» در زندگی افراد مورد توجه خانواده درمان‌گران قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف فیضی، انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام، قم.
- احمدی، هاید؛ ناصرآبادی، احمد؛ مرادی، مرضیه و کریمی، گلناز (۱۳۹۴)، بررسی رابطه میان دین‌داری و عملکرد خانواده در بین کارکنان آموزش و پرورش شهر سنج، *همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی*.
- بهبودی، معصومه، هاشمیان، کیانوش، پاشاشریفی، حسن و نوابی نژاد شکوه، (۱۳۸۸)، پیش‌بینی کارکرد خانواده بر اساس ویژگی‌های شخصیتی زوجین، *مجله اندیشه و رفتار*، دوره سوم، شماره ۱۱، صص ۵۵-۶۶.
- پورقاسمی، مرضیه؛ اقلیما، مصطفی؛ راهب، غنچه و رفی، حسن (۱۳۸۹)، *تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کارکرد خانواده زنان دارای همسر معتاد*، پایان‌نامه ارشد گروه مددکاری اجتماعی، پژوهشکده علوم بهزیستی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹)، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، انتشارات بعثت.
- چراخیان، حدیث؛ زینیوند، مریم؛ حیدری، ناصر و زارعی توبخانه، محمد (۱۳۹۵)، رابطه تجربه معنوی و تاب‌آوری با میزان گرایش به مواد مخدر، *مجله اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، سال دوم، شماره دوم، مؤسسه اخلاق و تربیت. قم، صص ۹۵-۱۰۹.

- حسینی قمی، ط؛ سلیمی بجستانی، ح و ذاکری، ن (۱۳۹۰)، *بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری در بین مادران دارای فرزندان مبتلا به بیماری در بیمارستان امام خمینی (ع)*، مجموعه مقالات کنکره بین‌المللی روان‌شناسی دین و فرهنگ.
- دهقانی، محسن (۱۳۹۱)، *تقویت تاب‌آوری خانواده*، انتشارات دانژه، تهران.
- رادمرد، حسین؛ احمدی، محمدرضا و رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۵)، نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه تصور از خدا با کارکرد خانواده، *مجله اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، مؤسسه اخلاق و تربیت، شماره ۲، صص ۶۳-۷۸.
- رازقی، نرگس؛ میرمحمدی مکی، ابوالفضل؛ کاویان‌فر، حسین و منتظر، محسن (۱۳۹۴)، رابطه سبک دل‌بستگی به خدا و تاب‌آوری، *دوفصلنامه سلامت و تندرستی در مدارس، سما*، شماره ۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- رضایی، زهراسادات؛ دهقانی، محسن و حیدری، محمود (۱۳۹۶)، کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواده: نقش تاب‌آوری و کارکرد خانواده مبتنی بر مدل مک‌مستر، *مجله خانواده پژوهشی*، سال سیزدهم، شماره ۵۱، صص ۴۰۷-۴۲۱.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۱)، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، انتشارات حوزه و دانشگاه، قم.
- سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام و صحراگرد، نرگس (۱۳۸۶)، تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی، *فصل‌نامه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۳.
- سراقی، همایون و صفوریایی، محمدمهدی (۱۳۹۸)، بازتعریف خانواده براساس قرآن و منابع روایی، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان، صص ۶۷-۹۵.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۶)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات آگاه
- هاشمی، لادن و جوکار، بهرام (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه، *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، سال هشتم، ش ۱۳، صص ۱۲۳-۱۲۸.
- سیف، سوسن و اسلامی، معصومی (۱۳۸۷)، نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی، *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، صص ۹۹-۱۳۰.
- شاکر، جواد و همکاران، (۱۳۸۹)، ویژگی‌های شخصیتی، استرس، شیوه‌های مقابله و نگرش مذهبی در افراد اقدام‌کننده به خودکشی، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۱۲، صص ۲۲۴-۲۵۰.

- شاکری‌نیا، ایرج و حمدپور، مهری (۱۳۸۹)، رابطه سرسختی روان‌شناختی و تاب‌آوری با سلامت روان در کوهنوردان پسر شهر رشت، **فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه**، سال ۱۴، شماره ۲.
- صدیقی، اکرم؛ صفربیگی، شهناز؛ محبی، سیامک و شاه سیاه، مرضیه (۱۳۹۳)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین، **فصلنامه دین و سلامت**، دانشگاه علوم پزشکی قم.
- صدیقی، اکرم؛ معصومی، احمد و شاه سیاه، مرضیه (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با رضایت زناشویی زوجین شهر قم، **مجله علوم پزشکی سبزوار**، دوره ۲۲، شماره ۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، **ترجمه تفسیر المیزان**، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عبادت‌پور، بهناز؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ شفیق‌آبادی، عبدالله و فلسفی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲)، نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای مذهبی و دلزدگی زناشویی، **مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی**، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۲۹-۴۵.
- عبدالله پور، نازی؛ مقیمی‌آذری، محمدباقر؛ قلی‌زاده، حسین؛ سیدمهدوی اقدم، میرواح اله؛ اشرفی، علی و زکی، زینب (۱۳۸۸)، رابطه بین دین‌داری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، **فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی**، سال سوم، پیش شماره هفتم، صص ۱۵۷-۱۷۴.
- علیان‌سب، سید حسین (۱۳۹۱)، **خداجویی و نقش آن در نگرش به مرگ**، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
- علیزاده، حمید (۱۳۹۲)، **تاب‌آوری روان‌شناختی، بهزیستی روانی و اختلال‌های رفتاری**، انتشارات ارسباران، چاپ اول، تهران.
- قمری، محمد و خوش‌نام، امیرحسین (۱۳۹۰)، بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان، **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۳۳۴-۳۵۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- محمدی‌زاده، علی (۱۳۸۵)، **بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس کارکرد خانواده**، طرح پژوهشی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- مطهری، زهراسادات؛ بهزادپور، سمانه و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۲)، تبیین سطح تعارض زناشویی براساس هیجان‌خواهی و تاب‌آوری در زوجین، **زن و مطالعات خانواده**، شماره ۵، صص ۱۰۵-۱۱۳.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- نورعلیزاده، مسعود؛ بشیری، ابوالقاسم و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۰)، **رابطه خداآگاهی با خودآگاهی**، پایان‌نامه ارشد روان‌شناسی، مؤسسه امام خمینی علیه السلام قم.

- Antonsen JL. *God in marital triangle*: A phenomenological study of the influence of Christian faith in the marriage relationship. Trinity Western university. 2003.
- Baron, R. M. , & Kenny, D. A. (1986). The moderator° mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51,1173° 1182.
- Bennet WJ. *Effect of Christian Values on Marital Satisfaction in a Literature Review For The Degree Of Master Of Social Science* (Counseling). University Of South of Australia. 2004.
- Conner. K. M & Davidson, j. r. t. (2003). Development of a new resilience scale: The Conner- Davidson resilience scale (CD- RISC). *Depression and Anxiety* 18, 76-82.
- Fincham, F. D. ,Ajayi, C. Beach, S. R. H. (2011). Spirituality & marital satisfaction in African American couples. *Journal of psychology of religion & spirituality*. 3 (4) : 259-268.
- Garmezy, N, 1991, Resilincy and vulnerability to adverse developmental outcomes associatedwithpoverty, *American Behavioral Scientist*, v. 34,p. 416-430
- Goldstein, S. , & Brooks, R. B. (2013). *Handbook of resilience in children* (2nd Ed.). New York: Springer.
- Gorsuch, R. L. (1968). The Conceptualization of God as Seen in Ajective Ratings, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 7, 56-64
- Graham, S. , Furr, S. , Flowers, C. , & Burke, M. T. (2001). Religion and Spirituality in Coping with Stress. *Counseling and Values*, 13-2 ,(1)46.
- Karademas, EC, 2006, Self-efficacy, social support and wll-being: the mediating role of optimism, *Pers Indiv Differ*, v. 40 (6), n. 12,p. 81-90.

- Lawrence, Richard, T. (1997). Measuring the Image of God: The Image of God and the God Image Scales. *Journal of Psychology and Theology*, 25(2), 214-226.
- Masten, A. S, 2001, Ordinary magic: Resilience processes in development, *American Psychologist*, v. 56,p. 227-238.
- Orathinkal J, Vansteewegen A. Religiosity and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*. 2006; 28(4): 497-504.
- Pargament, K. I. (2007). *Spirituality integrated psychotherapy: understanding and addressing the sacred*. New York: Guilford Press.
- Werner,E. E. (1993). Risk and resilience in individuals with learning disabilities: *lessons research and practice*, 8(1). 28-34.

اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (ص ۱۱۵-۱۳۰)

رابطه نگرش‌های ناکارآمد و عواطف مثبت و منفی با نگرش به روابط فرازناشویی؛ با توجه به نقش واسطه‌ای جهت‌گیری دینی در زوجین در آستانه طلاق

The relationship between dysfunctional attitudes and positive and negative emotions with attitudes towards extramarital relationships; Considering the mediating role of religious orientation in couples on the verge of divorce

محمد رضا احمدی / دانشیار و عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.
محمد حسین زمانی لاری / فرهنگی، لار، ایران.

Mohammadreza Ahmadi / Assistant Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. [dolatkah110@gmail.com](mailto:dolatkhah110@gmail.com)

Mohammad Hossein Zamani Lari / Education, Lar, Iran.

Abstract

Couples are the founders of the family and the family is the main pillar of the society, therefore the health and dynamics of the society depend on the health of the family and the couple. Since the purpose of the present study is to examine the relationship between dysfunctional attitudes and positive and negative emotions with attitudes toward extramarital relationships, considering the mediating role of religious orientation in couples on the verge of divorce, it is descriptive-correlational in terms of the type of research. The statistical population of the research was all the couples on the verge of divorce in Lar city of Fars province, and 200 people were selected as a sample using the multi-stage cluster sampling method.

چکیده

زوجین پایه‌گذار خانواده و خانواده رکن اصلی جامعه هستند به همین دلیل سلامت و پویایی جامعه در گرو سلامت خانواده و زوج است. از آنجا که هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه نگرش‌های ناکارآمد و عواطف مثبت و منفی با نگرش به روابط فرازناشویی با توجه به نقش واسطه‌ای جهت‌گیری دینی در زوجین در آستانه طلاق است، از نظر نوع پژوهش توصیفی - هم‌بستگی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زوجین در آستانه طلاق شهر لار استان فارس بود که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این تحقیق برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد بررسی از پرسشنامه نگرش به خیانت (روابط

In this research, to measure the studied variables from the questionnaire of attitude towards infidelity (extramarital relations); Questionnaire of religious orientation, questionnaire of ineffective attitudes and questionnaire of positive and negative emotions were used. The findings show that there is a positive relationship between dysfunctional attitudes and negative emotions with extramarital relationships. The relationship between religious attitudes and extramarital relationships is negative, and there is no significant relationship between positive emotions and extramarital relationships.

Keywords: Ineffective attitudes, Positive and negative emotions, Extramarital relations, Religious orientation.

فرازناشویی)؛ پرسشنامه جهت‌گیری دینی، پرسشنامه نگرش‌های ناکارآمد و پرسشنامه عواطف مثبت و منفی استفاده شد. یافته‌های به دست آمده نشان دهنده آن است که بین نگرش‌های ناکارآمد و عواطف منفی با روابط فرازناشویی رابطه مثبت وجود دارد. ارتباط بین نگرش‌های دینی با روابط فرازناشویی، منفی است و بین عواطف مثبت و روابط فرازناشویی رابطه معناداری وجود ندارد. به طور کلی، به نظر می‌رسد با تقویت جهت‌گیری دینی همسران، می‌توان باعث کاهش بروز روابط فرازناشویی شد.

کلیدواژه‌ها: نگرش‌های ناکارآمد، عواطف مثبت و منفی، روابط فرازناشویی، جهت‌گیری دینی.

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی است که با ازدواج دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و تداوم آن از اهمیت بسیاری برخوردار است (مؤمنی و کاظمی، ۱۳۹۰). بی‌شک، زوجین پایه‌گذار خانواده بوده و خانواده رکن اصلی جامعه است (ژانگ^۱، ۲۰۱۹) و در خانواده سالم، زن و شوهر نسبت به اصول خانوادگی متعهد هستند و از احساسات زودگذر و موقت خبری نیست و روابط، عاشقانه و بر ارزش‌های انسانی و برابر مبتنی است (عدل و همکاران، ۱۳۹۷). مهم‌ترین فرض روابط عاشقانه منحصر به فرد بودن آن است؛ یعنی اعتقاد به اینکه هر دو نفر از نظر مسائل عاطفی و جنسی به یکدیگر متعهد باشند که کوچک‌ترین لغزش در این تعهد سبب بروز پدیده آسیب‌زای خیانت می‌شود (مکدنیل^۲، ۲۰۱۸). که یکی از دلایل عمده طلاق و ازهم‌پاشیده شدن خانواده‌ها است.

با توجه به اهمیت خانواده و تأثیرات آن بر جامعه و همچنین با توجه به افزایش

1. Zhang.

2. McDaniel.

شیوع روابط فرازناشویی و پیامدهای ناگوار آن، پژوهش‌ها به دنبال کشف ابعاد مختلف خیانت زناشویی، عوامل مؤثر بر آن و ارائه راهکارهایی برای ارتقای سلامت خانواده هستند (هارلی^۱، ۲۰۱۵). در سطح بین‌المللی، درصد افراد درگیر در خیانت زناشویی چیزی میان ۱۵ تا ۷۰ درصد برآورد شده است. در ایران آمار مشخصی در این زمینه وجود ندارد و درصد اشخاص متأهل عهدشکن از پژوهشی به پژوهشی دیگر متفاوت است یک توضیح برای این اختلافات گسترده، ممکن است محافظه‌کاری پاسخ‌دهندگان در این موضوع باشد (حبیبی و حیدری، ۱۳۹۴)

از دیگر متغیرهایی که تأثیر منفی بر رابطه همسری دارد، نگرش‌های ناکارآمد (باورهای غیرمنطقی) است. رفاهی و شمس‌الدینی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که نگرش‌های ناکارآمد، پیش‌بین دلزنگی زناشویی است. مفهوم نگرش‌های ناکارآمد اولین بار توسط بک^۲ در توصیف افکار بیماران افسرده مطرح، و نقطه عطفی شد تا پژوهشگران، مشاوران و درمانگران زوج و خانواده به اهمیت ذهنیت زوج‌ها در سازگاری یا رضایت از زندگی زناشویی پی برند. منظور از باورهای غیرمنطقی و نگرش‌های ناکارآمد، افکار نادرست و نامنطبق با واقعیت درباره خود، جهان و آینده است (استراوس^۳، ۲۰۱۸). وجود این نگرش‌ها در زوجین سبب تغییر ذهنیت آنها نسبت به موضوع عشق، صمیمیت و رابطه می‌شود. این امر مهم، و نشان‌دهنده این است که تعاریف جدیدی از این مقولات برای زوجین صورت گرفته است که به صورت کاملاً مشهود بر روابط آنها تأثیرگذار خواهد بود (ایراندوست، و همکاران، ۱۳۹۷). نگرش‌های ناکارآمد با تأثیرگذاری بر جنبه‌های مختلف زندگی زوجین سلامت روان آنها را با مشکل روبه‌رو می‌کند و سبب بروز تعارضات مختلف و کاهش روابط صمیمی می‌شود و حل آنها را با دشواری بیشتری روبه‌رو می‌کند (فینچام^۴، ۲۰۱۷).

بنابراین نگرش به روابط فرازناشویی را می‌توان مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از باورها، احساسات و گرایش‌های رفتاری نسبت به برقراری رابطه فیزیکی یا عاطفی یا ترکیبی از این دو با شخصی خارج از رابطه زناشویی تعریف کرد. به عبارتی دیگر، فرد ارزیابی مطلوبی از روابط فرازناشویی دارد و بنابراین، افرادی که نگرش مثبتی به روابط فرازناشویی دارند، این

1. Harley.

2. Beck.

3. Straus.

4. Fincham.

موضوع را مطلوب تلقی می‌کنند و بیشتر به خیانت زناشویی تمایل دارند؛ در نتیجه، بیشتر احتمال دارد درگیر روابط فرازناشویی شوند (واتلی^۱، ۲۰۰۸). خسروی، حیدرنیا و نظیفی (۱۳۹۸) نشان دادند که نگرش مذهبی می‌تواند نگرش مثبت به خیانت زناشویی را کاهش دهد. جهت‌گیری مذهبی، نگرش نظام‌داری از باورها و اعمال نسبت به امور مقدس است. نگرش به امور ماورایی است که دستیابی و تقویت آن، ثبات، استمرار و پایداری فرد در جامعه را موجب می‌شود. نگرش مذهبی در زندگی زناشویی به اهمیت ازدواج به‌عنوان رابطه‌ای مقدس و نهادی تأکید می‌کند که از سوی خداوند بنا نهاده شده است (دولاهیت و همکاران^۲، ۲۰۱۲).

آلن و همکاران^۳ (۲۰۱۲) چارچوبی برای مطالعه خیانت پیشنهاد کردند که شامل سه حوزه فردی، رابطه‌ای و موقعیتی است. مذهب ممکن است در هر کدام از این حوزه‌ها قرار گیرد و با خیانت رابطه داشته باشد. در سطح فردی، تعالیم دینی بر اهمیت ازدواج، وفاداری و ممنوعیت روابط فرازناشویی تأکید می‌کند (آتکینز و کسل^۴، ۲۰۰۸). در پژوهشی توتل و دیویس^۵ (۲۰۱۵) دریافتند دین‌داری احتمال خیانت زناشویی را در بین زوجین کاهش می‌دهد. مذهب می‌تواند در بحران‌های زندگی، همسران را از خیانت حفظ کند و بدین‌گونه مذهب می‌تواند روابط خارج از ازدواج را کاهش دهد. بشریپور (۱۳۹۴) نیز بیان می‌دارد جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی، عاملی حفاظتی در برابر خیانت زناشویی است.

در سطح رابطه‌ای، ماهونی و همکاران^۶ (۲۰۰۸) پژوهشی انجام دادند که چگونه زوج‌های مذهبی با داشتن دیدگاه معنوی به روابطشان و نزدیکی به خدا ازدواجشان را مقدس می‌دانند؛ بنابراین زوج‌هایی که باورهای مذهبی و فعالیت‌های معنوی مشابهی را به اشتراک می‌گذارند، روابط زناشویی خود را بهبود می‌بخشند؛ بنابراین، هر سه سطح فردی (برای مثال، تعالیم دینی و سازگاری شناختی با مشاهده خود به‌عنوان فرد مذهبی)،

1. Whatley.

2. Dollahite et al.

3. Allen et al.

4. Atkins & Kessel.

5. Tuttle & Davis.

6. Mahoney et al.

رابطه‌ای (برای مثال، تقدس ازدواج و اشتراک‌گذاری فعالیت‌ها و باورها بین همسران) و موقعیتی (برای مثال، اشتراک‌گذاری ارزش‌های جامعه و رابطه) ممکن است روی احتمال درگیری افراد در خیانت تأثیر بگذارند (آتکینز و کسل، ۲۰۰۸).

داشتن رابطه منفی با همسر به همراه نشان‌دادن عواطف منفی سبب پایین‌آمدن رضایتمندی زن‌شویی می‌شود؛ اما بیان احساسات مثبت، شادی، گوش‌دادن فعال، داشتن رابطه مطلوب با همسر، رضایتمندی زن‌شویی را افزایش می‌دهند (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۹۰). ژانگ^۱ (۲۰۱۹) معتقد است نشان‌دادن عواطف منفی از جمله ترس، احساس حقارت، کینه، خشم و عصبانیت سبب ایجاد سبک دلبستگی ناایمن و کاهش رضایت زن‌شویی در زندگی زوجین می‌شود. از طرفی مکدنیل^۲، (۲۰۱۸) بیان کردند زنان و مردانی که عواطف منفی نسبت یکدیگر نشان می‌دهند، در طول زمان دچار نارضایتی زن‌شویی می‌شوند و کیفیت زندگی زن‌شویی آنها کاهش می‌یابد. هیجان‌ات مثبت زوجین تأثیر بسزایی در روابط زن‌شویی دارد و برعکس عواطف منفی سبب می‌شوند افراد به سوی روابط فرازنشویی روی آورند (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۶). افرادی که از رضایتمندی کمتری در روابط برخوردارند، به احتمال بیشتری به روابط فرازنشویی روی می‌آورند (هارلی^۳، ۲۰۱۵).

روابط فرازنشویی رابطه عاطفی یا جنسی خارج از رابطه زن‌شویی است (استراوس^۴، ۲۰۱۸). باید در نظر داشت خیانت زن‌شویی نه تنها در میان زوجین مشکل‌دار، ممکن است در میان همسرانی نیز رخ می‌دهد که روابط خوب و سالمی دارند و از زندگی مشترکشان راضی هستند. منتهی همسران مشکل‌دار و ناموفق آسیب‌پذیری بیشتری در این زمینه دارند (کاوه، ۱۳۸۷).

با توجه به اینکه خانواده اساسی‌ترین بنیان جامعه است و افراد در آن رشد و نمو پیدا می‌کنند و از طریق آن وارد جامعه می‌شوند، بدون تردید سلامت خانواده در سلامت جامعه تأثیرگذار است و با توجه به آثار و عواقبی که خیانت زن‌شویی بر ازدواج و خانواده دارد، مطالعاتی از این نوع ضرورت پیدا می‌کند. با وجود پژوهش‌های متعدد در راستای تبیین رابطه نگرش‌های ناکارآمد و نگرش به روابط فرازنشویی بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ مطالعه‌ای

1. Zhang.

2. McDaniel.

3. Harley.

4. Straus.

تاکنون با بررسی نقش میانجی متغیرهای مطرح شده انجام نشده است. از طرفی، در این پژوهش با توجه به اهمیت، حساسیت و پیچیدگی مسئله و همچنین نبود شواهد پژوهشی کافی در مورد ارتباط پدیده‌های یاد شده با رابطه نگرش‌های ناکارآمد و با در نظر داشتن اینکه رابطه نگرش‌های ناکارآمد می‌تواند هسته اساسی بسیاری از سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روابط زناشویی باشد، پژوهش‌های لازم در راستای شناسایی عوامل تعیین‌کننده نگرش به روابط فرازناشویی و ارائه راهکارهایی برای سلامت روابط زوجین شواهدی به دست می‌دهد که می‌تواند راهگشا باشد. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخی برای این سؤال است که آیا جهت‌گیری دینی توان ایفای نقش میانجی در رابطه بین نگرش‌های ناکارآمد و عواطف مثبت و منفی با نگرش به روابط فرازناشویی را داراست؟

روش پژوهش

از آنجا که هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه نگرش‌های ناکارآمد و عواطف مثبت و منفی با نگرش به روابط فرازناشویی با توجه به نقش واسطه‌ای جهت‌گیری دینی در زوجین در آستانه طلاق شهر لار استان فارس است، پژوهش حاضر، توصیفی از نوع هم‌بستگی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زوجین در آستانه طلاق شهر لار استان فارس بود که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در نظر گرفته شد. با استفاده از جدول برآورد حجم نمونه کرچسی مورگان ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت فرضیه‌آزمایی از آزمون‌های کلموگروف اسمیرنوف و سوبل همچنین نرم‌افزار PLS بهره برده شد.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه نگرش به خیانت (روابط فرازناشویی)

پرسشنامه نگرش به خیانت (روابط فرازناشویی) توسط واتلی (۲۰۰۶) طراحی و اعتباریابی شده است، این پرسشنامه شامل ۱۲ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت می‌باشد. یافته پژوهش ویتلی (۲۰۰۶) حاکی از اعتبار مطلوب این نگرش سنج است، به طوری که آلفای کرونباخ حاصل از ضریب همسانی درونی ۰/۸۰/سنجیده شده است. این پرسشنامه توسط سیدعلی تبار و همکاران (۱۳۹۴) اعتباریابی شده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه عبدالله زاده (۲۰۱۰) ۰/۸۴/ تأیید شده است. برای تعیین پایایی این مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی استفاده شد. ضریب آلفای

کرونباخ مقیاس نگرش به روابط فرازنشویی ۰/۷۱ برآورد شده است. ضریب بازآزمایی حاصل از اجرای این آزمون نیز ۰/۸۷/ سنجیده شده است (سیدعلی تبار و همکاران، ۱۳۹۴). جهت بررسی روایی این آزمون در ایران، از روایی ملاکی از (نوع واگرا) استفاده شده است. به همین منظور، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت به کار گرفته شد. روایی واگرا با جهت‌گیری مذهبی درونی، ۰/۲۹ و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۱۶ به دست آمد (سیدعلی تبار و همکاران، ۱۳۹۴). علی تبار، قنبری‌زاده، محمودی و حبیبی (۱۳۹۳) ضریب بازآزمایی این پرسشنامه را ۰/۸۷ گزارش کردند.

۲- پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی

پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت و راس (۱۹۶۷) که مشتمل بر ۲۱ ماده چهار گزینه‌ای است، سنجیده شده است، این مقیاس دارای دو بعد است. در این مقیاس، نمره‌گذاری برای سؤالات طیف لیکرت و اکثر سؤالات بدین صورت می‌باشد (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۴). نقطه برش این پرسشنامه نمره ۵۲/۵ است. نمره کمتر از ۵۲/۵ نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی فرد پایین و نمره بیشتر از ۵۲/۵ نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی فرد بالا می‌باشد. این آزمون، جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی را مورد سنجش قرار می‌دهد. منظور آلپورت از جهت‌گیری مذهبی درونی مؤلفه‌های انگیزشی فراگیری است که غایت و هدف هستند نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی. مذهب بیرونی امری خارجی و ابزاری است که برای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مقیاس پس از ترجمه بر روی ۴۵ نفر دانشجوی دانشگاه‌های تهران اجرا و اعتبار آن با ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۷۳۷ محاسبه گردید. هم‌بستگی بیرونی و درونی، ۰/۲۱ گزارش شد (آلپورت، ۱۹۶۸ و جان‌بزرگی، ۱۳۷۸). در پژوهش مقیمی (۱۳۹۸)، پایایی پرسشنامه به‌روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

۳- پرسشنامه نگرش‌های ناکارآمد

پرسشنامه نگرش‌های ناکارآمد وایزمن و بک (DAS-۲۶) توسط وایزمن و بک (۱۹۷۸) بر مبنای نظریه بک در مورد محتوای ساختارشناختی در افسردگی تهیه شده است. این مقیاس از ۴ خرده‌مقیاس موفقیت - کامل طلبی، نیاز به تأیید دیگران، نیاز به راضی کردن دیگران و آسیب‌پذیری - ارزشیابی عملکرد می‌باشد. که بر اساس طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره‌گذاری شده است و آلفای کرونباخ به دست آمده ۷۰ درصد می‌باشد.

۴- پرسشنامه عواطف مثبت و منفی

پرسشنامه ارزیابی عاطفه مثبت و منفی توسط واتسون و همکاران در سال ۱۹۸۸ ساخته شد، پرسشنامه دارای ۲۰ سؤال می‌باشد. سؤالات پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد تا خیلی کم) طراحی شده است و الفای کرونباخ به دست آمده ۰/۸۷ می‌باشد. پایایی بازآزمایی فهرست عواطف مثبت و منفی، ۰/۶۸ و ۰/۷۱ و روایی آنها با افسردگی بک، ۰/۳۶ و ۰/۵۸ و با مقیاس اضطراب، ۰/۳۵- و ۰/۵۸ به دست آمد (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸).

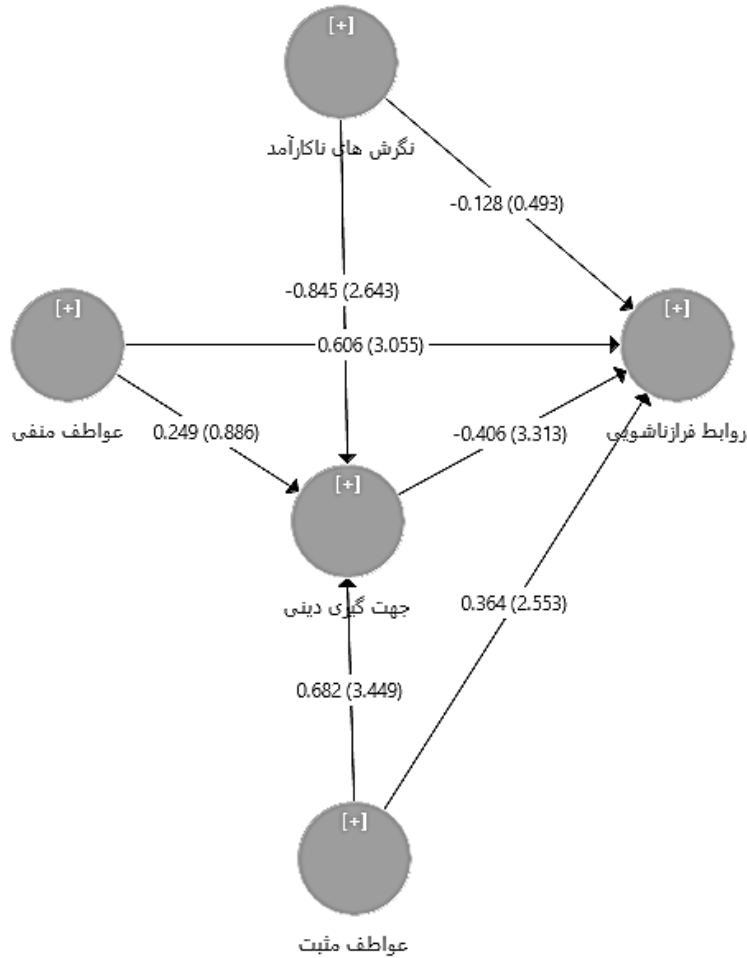
یافته‌های پژوهش

قبل از آزمون داده‌ها جهت دستیابی به پاسخ سؤال‌های پژوهش، توصیفی از متغیرهای جهت‌گیری دینی، روابط فرازناشویی، عواطف مثبت، عواطف منفی و نگرش‌های ناکارآمد و بررسی استاندارد بودن آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول (۱): یافته‌های توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار
جهت‌گیری دینی	۱۷۶/۵۱۷۴	۲۷/۸۱۰۸۱
روابط فرازناشویی	۴۰/۲۰۴۰	۱۱/۸۲۶۳۸
عواطف منفی	۳۳/۸۶۰۷	۹/۷۴۹۳۸
عواطف مثبت	۳۳/۰۷۴۶	۹/۷۷۱۸۷
نگرش‌های ناکارآمد	۸۸/۵۴۷۳	۲۴/۴۷۲۰۰

در شکل ۱ یافته‌های ضریب استاندارد و ضریب معناداری برای مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است. براساس این مدل نقش نگرش‌های ناکارآمد، عواطف منفی و عواطف مثبت با روابط فرازناشویی از طریق جهت‌گیری دینی سنجیده شده است. برای سنجش پایایی و روایی مدل مفهومی پژوهش از یافته‌های ضرایب الفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده، استفاده گردیده است.



شکل ۱: یافته‌های ضریب استاندارد و ضریب معناداری برای مدل مفهومی پژوهش

با توجه به این که در جدول ۲ مقدار ضرایب الفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای متغیرهای نگرش‌های ناکارآمد، عواطف مثبت، روابط فرازناشویی و جهت‌گیری دین بیشتر از ۰/۷ است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پایایی مدل مفهومی پژوهش قابل قبول است. از آنجایی که مقادیر میانگین واریانس استخراج شده برای متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۵ است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روایی همگرایی متغیرهای پژوهش نیز قابل قبول است.

جدول (۲): یافته‌های پایایی، روایی همگرایی مدل مفهومی پژوهش

میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	الفای کرونباخ	
۰/۶۲۸	۰/۹۸۷	۰/۹۸۷	جهت‌گیری‌های دینی
۰/۸۴۱	۰/۹۸۴	۰/۹۸۳	روابط فرازناشویی
۰/۷۶۵	۰/۹۷۰	۰/۹۶۶	عواطف مثبت
۰/۶۴۶	۰/۹۴۸	۰/۹۴۳	عواطف منفی
۰/۶۸۹	۰/۹۸۳	۰/۹۸۲	نگرش‌های ناکارآمد

در جدول (۳) یافته‌های ضریب استاندارد و ضریب معناداری برای مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است.

جدول (۳): یافته‌های ضریب استاندارد و ضریب معناداری برای مدل مفهومی پژوهش

P Values	t	ضریب تعیین	ضریب مسیر	مسیر
۰/۰۰۱	۳/۳۱۳	۰/۱۶۴	-۰/۴۰۶	جهت‌گیری دینی -> روابط فرازناشویی
۰/۰۰۱	۳/۴۴۹	۰/۴۶۵	۰/۶۸۲	عواطف مثبت -> جهت‌گیری دینی
۰/۰۱۱	۲/۵۵۳	۰/۱۳۲	۰/۳۶۴	عواطف مثبت -> روابط فرازناشویی
۰/۳۷۷	۰/۸۸۶	۰/۰۶۲	۰/۲۴۹	عواطف منفی -> جهت‌گیری دینی
۰/۰۰۳	۳/۰۵۵	۰/۳۶۷	۰/۶۰۶	عواطف منفی -> روابط فرازناشویی
۰/۰۰۹	۲/۶۴۳	۰/۷۱۴	-۰/۸۴۵	نگرش‌های ناکارآمد -> جهت‌گیری دینی
۰/۶۲۳	۰/۴۹۳	۰/۰۱۶	-۰/۱۲۸	نگرش‌های ناکارآمد -> روابط فرازناشویی

با توجه به نتایج جدول فوق، در مدل مفهومی پژوهش بین عواطف منفی و جهت‌گیری دینی و نگرش‌های ناکارآمد و روابط فرازناشویی ارتباط معناداری وجود ندارد. در جدول ۴ یافته‌های اثرات مستقیم و از مومن سو بل گزارش شده است.

جدول (۴): یافته‌های اثرات مستقیم و آزمون سوبل

آزمون سوبل		اثرات			مسیر		
P	t	اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	متغیر وابسته	متغیر واسطه	متغیر مستقل
		-۰/۴۰۶	----	-۰/۴۰۶	روابط فرازنشویی	----	جهت‌گیری دینی
۰/۰۱۵	۲/۳۸۹	۰/۰۸۷	-۰/۲۷۷	۰/۳۶۴		جهت‌گیری دینی	عواطف مثبت
۰/۰۲۴	۲/۲۴۵	۰/۵۰۵	-۰/۱۰۱	۰/۶۰۶			عواطف منفی
۰/۰۳۸	۲/۰۶۶	۰/۲۱۵	۰/۳۴۳	-۰/۱۲۸			نگرش‌های ناکارآمد

با توجه به نتایج این جدول، اثر مستقیم بین عواطف مثبت و روابط فرازنشویی ۰/۳۶۴ است که نقش واسطه جهت‌گیری دینی باعث کاهش آن به ۰/۰۸۷ شده است. همچنین اثر مستقیم عواطف منفی و نگرش‌های ناکارآمد با روابط فرازنشویی به ترتیب ۰/۶۰۶ و ۰/۱۲۸- است که در نتیجه نقش واسطه جهت‌گیری دینی، اثرات کل آنها به ترتیب به ۰/۵۰۵ و ۰/۲۱۵ تغییر کرده است. به عبارتی جهت‌گیری دینی باعث کاهش میزان اثر کل در بین عواطف مثبت و منفی با روابط فرازنشویی شده است. همچنین با توجه به این که در آزمون سوبل مقادیر سطح معناداری برای مسیرهای واسطه‌گری جهت‌گیری دینی، کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین عواطف مثبت، عواطف منفی، نگرش‌های ناکارآمد با روابط فرازنشویی از طریق جهت‌گیری دینی رابطه معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه نگرش‌های ناکارآمد و عواطف مثبت و منفی با نگرش به روابط فرازنشویی با توجه به نقش واسطه‌ای جهت‌گیری دینی در زوجین آستانه طلاق بود. یافته‌های پژوهش نقش واسطه‌ای جهت‌گیری دینی را در رابطه مذکور مورد تأیید قرار داد. این یافته هم‌سو با یافته‌های توتل و دیویس (۲۰۱۵)، بشرپور (۱۳۹۴) و اتکینز و کسل (۲۰۰۸) است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت عواطف مثبت و منفی در تصمیم‌گیری و واکنش افراد تأثیر زیادی دارند. عواطف مثبت سبب گسترش آگاهی فرد می‌شوند و برعکس افراد با عواطف منفی در هنگام مواجهه با مشکلات زناشویی نمی‌توانند تمرکز کنند و توانایی حل مسئله و تصمیم‌گیری صحیح را ندارند؛ در نتیجه، به صورت ناکارآمد عمل می‌کنند و ممکن است برای رهایی از عواطف منفی به روابط فرازناشویی روی آورند (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین هنگامی که زوجین بتوانند عواطف مثبت و منفی خود را به طور صحیح بیان کنند، از کیفیت زناشویی بالاتری برخوردار خواهند بود. افرادی که از بهزیستی ذهنی بالایی برخوردارند، عواطف مثبتی را ابراز می‌کنند و از وقایع، برداشت مثبتی دارند و برعکس افرادی که از بهزیستی ذهنی پایین‌تری برخوردارند، وقایع را منفی تلقی می‌کنند و عواطف منفی از قبیل اضطراب، افسردگی و پرخاشگری را نشان می‌دهند که همگی این تجارب با سازگاری زناشویی در ارتباط است (اله‌بخشی و قمری، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر، افراد دین‌دار از قوانینی پیروی می‌کنند که این قوانین افراد را به انجام واجبات، ترغیب و از انجام محرمات، منع می‌کند. با توجه به اینکه روابط فرازناشویی نیز از جمله گناهان کبیره است و دین اسلام نیز آن را نکوهش کرده است، در نتیجه، هرچه نگرش مذهبی فرد بالاتر باشد، فرد دیدگاه منفی‌تری نسبت به خیانت دارد. همچنین هرچه افراد از عواطف مثبت بیشتری برخوردار باشند، هیجانات مثبت بیشتری نشان می‌دهند و با واکنش مثبت همسر نیز روبه‌رو می‌شوند و به مشکلات به دید پدیده‌ای مثبت می‌نگرند و با ارتباط متقابل مناسب، آنان را حل می‌کنند؛ در نتیجه، از رضامندی بیشتری برخوردار می‌شوند. بدیهی است هرچه انتظارات و خواسته‌های افراد از ازدواج، بیشتر برآورده شود، روابط زوجین مستحکم‌تر و پایدارتر می‌شود و از بروز مشکلات و آسیب‌هایی از جمله خیانت زناشویی در امان خواهند ماند که سبب فروپاشی کانون خانواده می‌شود.

نگرش‌ها و اعمال مذهبی، زندگی افراد را معنا دار می‌کنند و برخی اعمال از جمله عبادت خداوند و توکل به خدا در شرایط بحرانی، سبب آرامش درونی و امیدواری در افراد می‌شود (علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین مذهب یکی از عوامل تأثیرگذار بر بهداشت روانی افراد است (آلترمن و همکاران^۱، ۲۰۱۰). کوئینگ^۲ (۲۰۰۴) بیان می‌کند مذهب روی کیفیت

1. Alterman et al.

2. Koenig.

زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و سلامت ذهنی و بهزیستی آنها را افزایش می‌دهد. امیدوار بودن و توکل کردن به خداوند و احساس تعلق داشتن به نیروی برتر سبب می‌شود افراد در مواجهه با رویدادهای آسیب‌رسان و شرایط مشکل‌زا فشار کمتری را تحمل کنند (یانگ و مائو، ۲۰۰۷).

منابع

- ایراندوست، رضیه؛ ملیحی الذاکرینی، سعید؛ سهرابی اسمرد، فرامرز و آهی، قاسم (۱۳۹۷)، الگوی علی روابط بین عملکرد جنسی بر پایه باورهای بدکارکردی جنسی با میانجی درماندگی روان‌شناختی و ابعاد صمیمت زناشویی، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳ (۴۵)، ص ۱۳۵-۱۵۲.
- بشرپور، سجاد (۱۳۹۴)، *جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی و استعداد خیانت زناشویی*، کنگره انجمن روان‌شناسی معاصر.
- جان بزرگی مسعود (۱۳۷۸)، *بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه مدت با و بدون جهت‌گیری مذهبی بر مهار اضطراب و تنیدگی*، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حبیبی عسگرآباد، مجتبی و حاجی حیدری، زهرا (۱۳۹۴)، علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده، *خانواده پژوهی*، سال یازدهم، شماره ۴۲، ص ۱۸۵-۱۶۵.
- خسروی، انیسه؛ حیدرنیا، احمد و نظیفی، مرتضی (۱۳۹۸)، نقش نگرش مذهبی در نگرش به خیانت زناشویی با میانجی‌گری بهزیستی ذهنی در زنان متأهل، *پژوهش نامه روان‌شناسی مثبت*، ۵ (۳)، ص ۱۳-۲۸.
- رفاهی، ژاله و شمس‌الدینی، هانیه (۱۳۹۴)، *نقش پیش‌بینی‌کنندگی باورهای غیرمنطقی ارتباطی و مؤلفه‌های عشق بر دلزدگی زناشویی زنان*، کنگره ملی خانواده سالم.
- سیدعلی تبار، سیدهادی؛ محمدعلی پور، زینب؛ حبیبی، فرشته؛ سروستانی، علی و جوان بخت، علی رضا (۱۳۹۴)، بررسی روایی و پایایی مقیاس نگرش به روابط فرازنشویی، *فصلنامه پژوهنده*، ۲۰ (۶)، ص ۳۴۲-۳۴۹.
- شاه‌سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ محبی، سیامک و تبرایی، یاسر (۱۳۹۰)، هم‌بستگی بین بهزیستی ذهنی با کیفیت زندگی زناشویی زوجین، *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۵ (۴)، ص ۶۷-۶۱.
- عدل، حدیث‌السادات؛ پیرانی، ذبیح و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۷)، اثربخشی روان‌درمانی گروهی مبتنی بر کیفیت زندگی بر تعهد زناشویی در زنان نابارور، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۴۵ (۱۱)، ص ۹۷-۱۱۵.

• علی اکبری دهکردی، مهناز؛ پیمان فر، الیکا؛ محتشمی، طیبه و برجلی، احمد (۱۳۹۳)، مقایسه سطوح مختلف نگرش مذهبی بر احساس معنا، تنهایی و شادکامی در زندگی سالمندان تحت پوشش سازمان بهزیستی، سالمند: *مجله سالمندی ایران*، ۹ (۴)، ص ۳۰۵-۲۹۷.

• علی تبار، سیدهادی؛ قنبری، سعید؛ زاده محمدی، علی و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی، *خانواده پژوهی*، ۱۰ (۲)، ص ۲۵۵-۲۶۷.

• مقیمی، رحیمه (۱۳۹۸)، *رابطه جهت‌گیری مذهبی و مثبت‌اندیشی با خودکنترلی در دختران نوجوان شهر گنبد کاووس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، گنبد: مؤسسه آموزش عالی شمس.

• مؤمنی جاوید، مهرآور و شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۰)، تأثیر روان‌درمانی زوجینی بر کیفیت زندگی زوجین آسیب‌دیده از خیانت‌های زناشویی در تهران، *مجله تخصصی پژوهش و سلامت*، سال اول، شماره ۱، ص ۵۳-۶۳.

• اله‌بخشی، بیتا و قمری، محمد (۱۳۹۶)، *رابطه بهزیستی ذهنی با میزان سازگاری زناشویی در دانش‌جویان متأهل*، اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب‌شناسی روانی و تربیت، تهران، دانشگاه الزهراء ع.ا.س.

• یوسفی، ناصر؛ کریمی پور، بنت‌الهدا و امانی، احمد (۱۳۹۶)، بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی، *مشاوره کاربردی*، ۷ (۱)، ص ۴۷-۶۴.

• Allen, E. S. , & Atkins, D. C. (2012), The association of divorce and extramarital sex in a representative US sample, *Journal of Family Issues*, 33(11), p 1477-1493.

• Allport, G. (1968), *The person in psychology*, Boston, Beacon Press.

• Allport, G. W. & Ross, JM. (1967), "Personal religious orientation and prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology*, p 432- 443.

• Alterman, A. I. , Cacciola, J. S. , Ivey, M. A. , Coviello, D. M. , Lynch, K. G. , Dugosh, K. L. , & Habing, B. (2010), Relationship of mental health and illness in substance abuse patients, *Personality and individual differences*, 49(8), p 880-884.

• Atkins, D. C. , & Kessel, D. E. (2008), Religiousness and infidelity: Attendance, but not faith and prayer, predict marital fidelity, *Journal of Marriage and Family*, 70(2), 407-418.

- Boekhout, B. A. , Hendrick, S. S. , & Hendrick, C. (2003), Exploring infidelity: Developing the relationship issues scale, *Journal of Loss & Trauma*, 8(4), p 283-306.
- Dollahite, D. C. , Hawkins, A. J. , & Parr, M. R. (2012), “Something more”: The meanings of marriage for religious couples in America, *Marriage & Family Review*, 48(4), p 339-362.
- Fincham, F. D (2017), Forgiveness and conflict resolution in marriage, *Journal of Family Psychology*, 18(2): p 72-81.
- Harley, F. (2015), Freedom of infidelity, *Journal of Research in personality*,13(4): p 231-246.
- Koenig, H. G. (2004), Spirituality, wellness, and quality of life, *Sexuality. Reproduction and Menopause*, 2(2), p 76-82.
- Mahoney, A. , Pargament, K. I. , Tarakeshwar, N. , & Swank, A. B. (2008), Religion in the home in the 1980s and 1990s: A meta-analytic review and conceptual analysis of links between religion, marriage, and parenting. *Journal of family psychology*, 15(4), p 559- 596.
- McDaniel, B. (2018), Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction, *computers in human behavior*. 20(9), p 88-95.
- Straus, M. A. (2018), Physical assaults by wives a major social problem, In R. J. Gelles. D. J. Loseke (Eds) / *Current controversies on family violence* (P 67-87), Newbury Park, CA: Sage.
- Tuttle, J. D. , & Davis, S. N. (2015), Religion, infidelity, and divorce: Reexamining the effect of religious behavior on divorce among long-married couples, *Journal of Divorce & Remarriage*, 56(6), p 475-489.
- Watson, D. ; Clarke, L. A. and Tellegen, A. (1988), “Development and validation of briefmeasures of positive and negative affect: the PANAS Scales”, *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, p 1063-1070

- Whatley MA. Attitudes toward infidelity scale, *J Soc Psychol*, 2008;133, p 547-51.
- hatley, M. A. (2008), Attitudes toward infidelity scale, *J Soc Psychol*, 133, p 547-51.
- Yang, K. P. , & Mao, X. Y. (2007), A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey, *International journal of nursing studies*, 44(6), p 999-1010.
- Zhang, H. (2019), Association between parental marital conflict and Internet addiction: A moderated mediation analysis, *J Affective Disorders*, 22(3), p 27-32.

Contents

The Conceptual Model of the Achievement Motivation in the Islamic Sources.....	7
Seyyed ali Ashrafzadeh / Mohammad Sadeq Shujaie	
The Conceptual Components of the Emotion Regulation of Happiness and Sadness based on Islamic sources.....	27
Qasem Mahdavi asl / Mahdi Abbasi/ Ali Sadeghi Sarst	
The structure of perfectionism towards the spouse with a grounded theory approach: a qualitative study.....	49
Mojtaba Farhoush / Muhammad Farhoosh/ Mojtaba Hafezi / Amir Ekbia	
Crime and personality disorders: from the perspective of jurisprudence, law and psychology.....	73
Mostafa Arabpour / Ali Bayat	
Predicting family functioning based on couples' perception of God's presence in life mediated by individual resilience.....	93
Hossain Radmard / Safurayi parizi / Mohammad mahdi	
The relationship between dysfunctional attitudes and positive and negative emotions with attitudes towards extramarital relationships; Considering the mediating role of religious orientation in couples on the verge of divorce.....	115
Mohammadreza Ahmadi / Mohammad Hossein Zamani Lari	

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research

Two Quarterly Journal of Psychology

Vol.8, No. 18

Autumn & Winter 2022_2023

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Executive Secretary: Amir Erfani Nejad

Editorial Board

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi: *IKI*

Dr. Hadi Bahrami Ehsan: *Tehran University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zarean: *Academic Institute for Ethics And Education*

Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Dr. Ali Fathi Ashtiani: *Baqiyatallah University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei: *IKI*

Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

www.ipr.ueae.ir

pajoohesh.ueae@gmail.com

فرم اشتراک دو فصلنامه

مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: نام:
میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس و کد پستی:
صندوق پستی: تلفن:

امضای متقاضی

مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: واحد درخواست کننده:
مبلغ واریز شده: تاریخ و شماره فیش بانکی:
آدرس:
کد پستی: صندوق پستی:
تلفن: دورنگار:

امضای مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، به نام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را به وسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالانه برای دانشجویان: ۸۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۴۰۰.۰۰۰ ریال
حق اشتراک سالانه برای عموم: ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۵۰۰.۰۰۰ ریال